

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم/ پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: علی غضنفری

سردبیر: آیت‌الله احمد عابدی

اعضای هیأت تحریریه:

آیات عظام و حجج اسلام آقایان: سید خلیل باستان، مهدی باکویی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی،

سید عبدالرسول حسینی‌زاده، محمد فراهانی، داوود کمیجانی، سید مرتضی موسوی خراسانی، سید

محمد نقیب، محمد حسین واثقی. خانم‌ها: جلالی، طباطبائی امین، کاظم‌زاده

و آقای سید مجید نبوی.

ویراستار فارسی: حسین احمدی

ویراستار عربی: دکتر کاظم زاده، دکتر طباطبائی امین

کارشناس اجرایی: سید علیرضا قمصری

حروف چینی و صفحه آرایی: مؤسسه گوهر

طراح: رسول خلیج

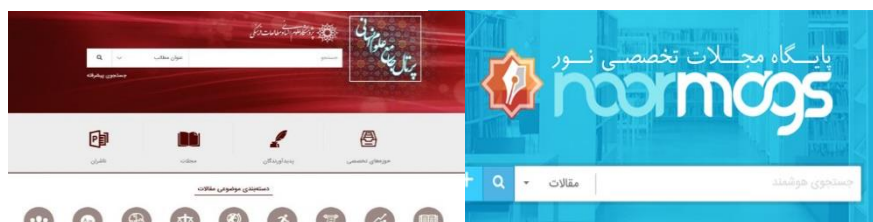
نشانی مجله: www.qazanfari.net

پست الکترونیکی: faslname@quranssonat.net

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نسیم

این دوفصلنامه، به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، از معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» به صورت تخصصی و به زبان فارسی و عربی، در مورخه ۱۳۹۶/۴/۱۲ و به شماره ثبت ۷۹۵۵۹، پروانه نشر اخذ نموده‌است

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» در نورمگز، مگ ایران، پرتال جامع علوم انسانی و سیویلیکا نمایه می‌شود.



شیوه‌نامه نگارش مقالات

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»، مقالات ارائه شده مطابق شیوه نامه را بررسی و نتیجه را از طریق پست الکترونیکی نویسنده مسئول، منعکس می‌نماید.

لطفا قبل از ارسال مقاله به نکات نگارش توجه و مقاله خود را بر طبق آن تنظیم فرمائید:

شیوه تنظیم چکیده مقاله

- چکیده حداکثر دارای حدود ۱۵۰ واژه (بین ۱۰ تا ۱۲ سطر) و منعکس کننده روش تحقیق، متن و نتیجه بوده و بعد از عنوان آورده شود.

- کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر تا ۷ واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کنند و کار جستجوی الکترونیکی را آسان می‌سازند، انتخاب شود.

شیوه تنظیم متن مقاله

- در آغاز مقاله بعد از بسمله، به ترتیب عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان آورده شود. لازم است تحصیلات، عنوان علمی و تخصص نویسنده یا نویسندگان و آدرس الکترونیکی آنان و شماره تماس ذیل عنوان ذکر شود.

- عنوان مقاله کوتاه، گویا و بیان کننده محتویات مقاله باشد.

- متن مقاله حدود ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کلمه و حدود حداقل ۱۵ و حداکثر ۲۰ صفحه آ ۴ بوده و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷ و با فونت (متن مقاله با قلم ۱۲) BLotus عربی B۱۲ ، لاتین TimesNewRoman) ۱۰ و یادداشت‌ها، منابع و پاورقی BLotus ۱۱ حروفچینی شود.

- تیتراها بر اساس اعداد و حروف ابجدی شماره گذاری و راست چین شوند.

- مقدمه در حدود ۲۰۰ کلمه شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤالات، فرضیات، پیشینه، روش و نتایج تحقیق بوده و خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده سازد.

- ارجاعات متن بعد از اتمام نقل قول در متن آورده شود. لطفا (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، جلد و صفحه کتاب یا شماره و صفحه مجله) و (آدرس سایت به لاتین) آورده شود.

- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان: شماره جلد/ صفحه) استفاده شود.

- نتیجه حداکثر ۲۵۰ کلمه و بیان‌کننده مبحث، اثبات یا رد نظریه و ارائه یافته‌های تحقیق باشد.

شیوه تنظیم منابع

منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی و نام نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود.

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح یا محقق، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ، سال نشر.

مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره نشریه، سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

مجموعه مقالات یا دایره المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.

سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان و موضوع، نام و آدرس سایت اینترنتی.

در نگارش فهرست منابع در آخر مقاله به تذکرات ذیل توجه شود:

در انتهای مقاله، ترجمه عربی روان چکیده که از سوی مترجم حاذق تهیه شده‌است، آورده شود.

توجه: حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات و چاپ آن برای مجله محفوظ و مقالات دریافتی مسترد نمی‌شود. نیز چنانچه مقاله‌ای خارج از ضوابط باشد، قابل بررسی نخواهد بود.

جهت ارتباط مستقیم با مدیر مسؤول می‌توانید از قسمت تماس با استاد استفاده نمایید.

اگر قبل از چاپ به پذیره مقاله نیاز دارید از همان طریق که مقاله ارسال کرده‌اید، پیام دهید.

محورهای مورد پذیرش:

محور اصلی مقالات پذیرفته شده، آموزه‌های قرآنی و حدیثی خواهد بود و بنابراین کلیه مباحث حوزه مسائل قرآن و حدیث که بتواند در ارائه مناسب نظر صحیح دین در مسائل مبتلابه مانند الگو سازی زندگی، ارائه سبک زندگی دینی، تحلیل و پاسخ به شبهات قرآنی و حدیثی و... مؤثر باشد پذیرفته می‌شود.

توجه:

این شماره بنا به درخواست معاونت پژوهش حوزه علمیه نجفیه خاتون علیها السلام به مقالات طلاب محترمه آن مدرسه، تحت اشراف سرکار خانم دکتر نسیم تیموری اختصاص دارد.

راهنمای اشتراک

بهای اشتراک سالانه ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال و تک‌شماره ۵۰۰/۰۰۰ ریال است. خواهشمند است مبلغ حق اشتراک را به کارت شماره ۶۰۳۷۹۹۷۷۵۰۰۰۹۷۵۶ بنام «دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» واریز و تصویر آن را به آدرس الکترونیکی نشریه faslname@quranssonat.net ارسال فرمائید.

اینجانب:..... شغل:..... تحصیلات:..... مایلم مجله «دو فصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» را از نیم سال:..... سال:..... دریافت نمایم.

آدرس: استان:..... شهر:..... خیابان:..... کوچه:..... پلاک:.....
..... واحد:..... کدپستی:..... صندوق پستی:..... تلفن
منزل / محل کار:..... تلفن همراه:.....
پست الکترونی:.....



باسمه تعالی

مدیر مسؤل محترم دو فصلنامه وزین پژوهش های نوین در آموزه های نوین
در قرآن و سنت

جناب آقای دکتر غضنفری

سلام علیکم

ضمن تشکر از ترویج معارف قرآنی و مکارم اخلاقی برگرفته از قرآن کریم و
سنت نبوی و روایات معصومین علیهم السلام در آن نشریه، مستدعی است در
صورت امکان ترتیبی اتخاذ شود مقالات طلاب محترم این مدرسه هم به
جهت نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و هم تقویت توان نگارشی طلاب
منتشر گردد.

با احترام

معاونت پژوهش

مدرسه علمیه نجمه خاتون سلام الله علیها



مقالات این نشریه با راهنمایی سرکار خانم دکتر نسیم تیموری تهیه و زیر نظر ایشان نگاشته
شده و حسب درخواست حوزه علمیه نجمه خاتون ع در این شماره منتشر شده است.

فهرست مقالات

- سخن سردبیر..... ۷
- ناکارآمدی عدالت جنسیتی در رفع خشونت علیه زنان / الهام السادات دهقانی فیروزآبادی..... ۱۳
- خشونت اقتصادی علیه زنان و راهکارهای حقوقی آن / جمیله فیاضی..... ۲۷
- مقایسه تطبیقی وجوب و حدود جهاد زن و مرد / فرشته رضایی..... ۴۱
- انواع بلایا، فلسفه و راه مقابله با آن با محوریت نهج البلاغه / مینا مرادی..... ۵۷
- راه های رسیدن به عبودیت از منظر قرآن کریم و روایات / فاطمه خلق احمدی..... ۷۳
- تنوع طلبی مذموم در آیینه آیات و روایات / شهین بالایی..... ۸۹
- راهکارهای علمی کنترل نفس از منظر قرآن/ اعظم هاشمی..... ۱۰۵
- دیدگاه اسلام در مورد حیا و راههای تقویت آن / زهرا محمدخانی..... ۱۲۳
- عوامل فردی عملکرد انسان و تبعات آن در آخرت از منظر آیات و روایات/ زهرا حسینی..... ۱۳۹
- چکیده های عربی..... ۱۵۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على اهل بيته الطاهرين

در بسم الله اول يك بحث ادبي و بعد هم بحث‌های تفسیری بیان خواهد شد. در ضمن مباحث ادبی، بحث از کتابت و سبک نوشتن، بحث‌های لغوی، مباحث صرفی، نحوی، معانی و بیان مطرح خواهد شد.

علامه محمد قزوینی، که انصافاً دقیق‌ترین، باسوادترین اساتید دانشگاه‌های ایران بوده است، برای دیدن یک نسخه خطی از ایران به آلمان می‌رود. در این اثنا جنگ جهانی شروع می‌شود و وی به اجبار ماندگار می‌شود. وی در یکی از کتاب‌هایش نوشته است چهل سال است که در آلمان هستم و دلم پر می‌زند برای خورشت سبزی، اگر امروز یک نامه‌ای به دست من برسد مثلاً گفته باشد آقای قزوینی ایرانی هستید، امروز شما را دعوت کردیم نهار به خورشت سبزی؛ خیلی خوشحال می‌شوم. ولی اگر در این نامه یک غلط ادبی باشد محال است که از آن قرمه سبزی بخورم. بعد نوشته است حالا که در آلمان جنگ است همه چیز جیره بندی بود به هر نفر آلمانی هفته‌ای یک عدد تخم مرغ جیره می‌دادند ولی به من چون مهمان و خارجی بودم هفته‌ای دو عدد می‌دادند. مقصود اینکه ایشان که اینقدر باسواد است، در کتاب خود نوشته من در عمر خود بسم الله الرحمن الرحيم را از حفظ ننوشتم، یعنی هر وقت می‌خواهم بسم الله بنویسم قرآن را جلوی خود گذاشته و از روی آن می‌نویسم.

و امان نکات:

- دندانه «ب» در بسم الله الرحمن الرحيم، بیش از حد متعارف بلندتر است و آن فقط در بسمله و نه در جای دیگر مانند (اقرأ باسم ربك الخلق) باید رعایت شود، علت آن این است که آن بلندی جایگزین الفی است که افتاده است.

این بستگی به کثرت استعمال دارد مثلاً فرض کنید قبل از انقلاب کلمه بسمه تعالی بکار نمی‌رفت اما بعد از انقلاب که کلمه بسم الله زیاد شد، بسمه تعالی معمول شد. موقعی که کاربرد یک کلمه کم است مثلاً بسمه تعالی را «باسمه» می‌نویسیم اما اگر کثرت استعمال داشت الف می‌افتد آن موقع دندونه را بالا می‌بریم. مثلاً «اقرأ باسم ربك الذی الخلق» چون کاربردش کم است در این آیه

باید (باسم) بنویسیم اما در بسم الله الرحمن الرحيم چون که زیاد بکار می‌رود الف را باید بیاندازیم و دندونه با را باید بالا ببریم.

- نکته دوم در نگارش بسمله این است که باید میم را روی خط بخوابانیم و انتهای آن را پایین نیاوریم. در قرآن هم هیچ وقت این میم پایین نمی‌آید. متأسفانه الآن بعضی تازگی قرآن نوشتند رسم الخط هایشان اشتباه است. شما هیچ قرآنی در قدیم نمی‌بینید که این میم را پایین آورد. علت آن هم این است ببینید این یک نوعی احترام است. همانند اینکه ما در قنوت دست هایمان را بالا می‌آوریم. خدا که بالا و پایین ندارد « هو فی السماء اله و فی الارض اله» این ادبی است که عبد نسبت به معبود رعایت می‌کند.

این آیه شریفه را در نظر بگیرید «و من عاهد علیه الله» علیه را می‌گوییم علیه‌الله چرا چون حالا که میخواهیم سراغ خدا برویم (رفع بالا و جر و کسر پایین است) از بالا بسوی خدا برویم به جای علیه الله بگوییم علیه الله.

این آیه را باید به این شکل بخوانیم «و یخلد فیهی مهانا» نه «یخلد فیه مهانا» این چون در باره جهنم است برای این که جهنمی‌ها خوب ته جهنم بروند می‌گوییم «و یخلد فیهی».

در بسمله بعد از کلمه میم الله است به همین خاطر میم را نمی‌خوابانیم که پایین بیاید.

یک آقایی می‌گفت که فلانی (هر را از نر) تشخیص نمی‌دهد ولی این اشتباه است باید می‌گفت که هر را از بر تشخیص نمی‌دهد چون صدای بز را (هر) و صدای میش را (بر) می‌گویند. همچنین (هر) به گربه و (بر) به شغال اطلاق شده است. نیز گاهی (هر) به موش صحرائی، (موشهایی چاق) و (بر) به موش خانگی می‌گویند. علاوه اینکه (هر) به معنای سمور و (بر) به معنای موش هم آمده است و حتی گاهی (هر) به معنی عاق والدین و (بر) به معنای نیک می‌آید.

پس وقتی می‌گوئیم فلانی هر را از بر تشخیص نمی‌دهد، یعنی فرق بز و میش یا گربه و شغال یا موش صحرا و خونه و یا فرق سمور و موش و حتی بدی بزرگی مانند عاق والدین و نیکی را نمی‌فهمد. البته ما در فارسی نمی‌توانیم اینها را بیان کنیم.

در هندوستان جایی است که هشت تا مجسمه دارد هر هشت تا می‌خندند ولی هشت نوع خنده مختلف دارند. سازنده این مجسمه‌ها توانسته اینها را طوری گوناگون درست کند که یکی می‌خندد اما با خنده‌اش مسخره می‌کند، یکی می‌خندد و شاد است، یکی ادا در می‌آورد و می‌خندد،

فقط همین چهره یعنی مثلا خنده است اما خنده‌اش رضایت است، یکی خنده است اما ریشخند است.

- اما رسم نگارش «الله» به رسم الخط صحیح چگونه است؟، اصل کلمه الله (ال، اله) است. کلماتی در قرآن باید به یک روشی نوشته بشود در غیر قرآن به روش دیگر. مثلا کلمه الله در قرآن باید با تشدید نوشته شود. اما در حدیث نباید تشدید بگذارید ولی در قرآن بایستی گذاشته شود.

مثلا کلمه الذی را در نظر بگیرید (الذی، اللذان) اللذان که تثنیه است دو تا لام می‌نویسیم ولی الذی که جمع است یک لام نوشته می‌شود. هم الذی هم الذین یک لام است، اللذان دو تا لام است، علت این است که کلمه الله دو تا لام دارد اصل کلمه بوده (ا، ل، ه)

یک الف و لام هم سرش بیارید می‌شود (ال، ا، له). دو تا لام شد یکی لام الف و لام و یکی هم لام عین الفعل کلمه. اله را یک الف سرش بگذارید (ال، اله) حالا آن وسط الف می‌افتد بعدا قاعده احتباط را بعد مطرح می‌کنیم، خواهیم گفت چرا می‌افتد.

به هر حال دو تا لام است یکی لام الف و لام و یکی لام عین الفعل کلمه. اینطور جاها یک لام را ادغام می‌کنند و یک تشدید هم روی آن می‌گذارند. مثل همان الذین (الذین، ال لذین) یکی از لام‌ها حذف و به جای آن تشدید می‌گذارند. اما در (ال له) لام را حذف نمی‌کنند و تشدید هم می‌گذارند این علتی در رمل و جرح دارد. که بعدا بحث می‌کنیم ولی فعلا این کلمه برخلاف هر کلمه دیگر هم دو تا لام را می‌نویسیم هم تشدید می‌گذاریم.

پس اصل آن (ا، ل، ه) این اله یک اسم از آن درست می‌کنیم می‌شود الله اسم ثلاثی مزید (اله)، یک الف لام سران بگذارید و آن الف هم می‌افتد بعدا قاعده احتباط را مطرح می‌کنیم الف که می‌افتد می‌شود ال له دو تا لام که پشت سرهم است، تشدید نمی‌خواهد اگر تشدید هم گذاشتیم باید یکی از لام‌ها را حذف کنیم ولی حذف نمی‌کنیم و می‌نویسیم الله.

سردبیر

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

ناکارآمدی عدالت جنسیتی در رفع خشونت علیه زنان صص ۲۶-۱۳

الهام السادات دهقانی فیروزآبادی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

مراد از عدالت جنسیتی، به کارگیری راهبردهای رسیدن به برابری مردان و زنان بر محور جنسیت است. در مقابل، مراد از خشونت علیه زنان، اعمال خشونت آمیزی است که بر مبنای اختلاف جنسیتی بوده و لطمات روحی و جسمی را به همراه دارد. برخی از صاحبان نظر و مکاتب، برقراری عدالت جنسیتی را مؤثر در رفع خشونت علیه زنان دانسته‌اند؛ این در حالی است که رهبر معظم انقلاب به دلیل جایگاه ویژه‌ای که برای بانوان قائل هستند، رأی به ناکارآمدی آن داده‌اند. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد به منظور تبیین بهتر فرمایش معظم له، به بیان نظریه‌های مطرح در عدالت می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: خشونت، زنان، عدالت جنسیتی، قرآن، حدیث

^۱ دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  e.dehghani58@gmail.com

۱- مقدمه

خشونت یک عامل تنش‌زا است که سلامت و عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار داده و منجر به مشکلات جدی سلامتی و کاهش کیفیت زندگی می‌گردد. خشونت علیه زنان یک بحران بهداشت عمومی تلقی می‌شود که آثار نامطلوب جسمی و روانی بسیاری بر جای می‌گذارد. اهمیت این مساله تا اندازه‌ای است که مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ میلادی، روز ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی محو خشونت علیه زنان نام‌گذاری نمود. در این راستا در جمهوری اسلامی ایران نیز سیاست‌گذاری‌هایی در تحقق عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه در نظر گرفته شد.

ظهور واژه عدالت جنسیتی در ماده ۳۱ لایحه برنامه ششم توسعه، مباحثاتی را میان موافقان و مخالفان این موضوع به وجود آورد. عبارت عدالت جنسیتی واژه‌ای بحث‌برانگیز است و لزوماً مبین تفاوت بین جنس زن و مرد نیست؛ بلکه واجد بار سیاسی و اجتماعی خاصی است که عمدتاً در گفتمان مدرن، خاصه جنبش‌های فمینیستی موضوعیت می‌یابد.

فمینیست‌ها با تمرکز بر واژه تبعیض، برابری و عدالت را دو معنای مترادف معرفی می‌کنند. به عنوان مثال، در سند رفع تبعیض که در سال ۱۹۷۹ تنظیم شده، هرگونه تمایز بر اساس جنسیت، تبعیض خوانده شده تا جایی که تفاوت‌های نقش زن در تأهل را تبعیض دانسته‌اند. این در حالی است که در جمهوری اسلامی، تمایزگذاری منجر به ستم، تبعیض است. طبق این تعریف، حجاب یا تفاوت آمار شغلی مردان و زنان یا عدم اختصاص ریاست جمهوری به بانوان، تبعیض نیست.

بنابر آنچه بیان شد، معلوم گردید دیدگاه جمهوری اسلامی ایران مطابق با آنچه در سند بیان شده نمی‌باشد و ایران بارها از سوی مجامع بین‌المللی جهت عمل خلاف این سند احضار و بازخواست شده است. این در حالی است که تفاوت عملکرد ایران با جهان غرب، تفاوتی معنانشناختی است و تا زمانی که فهم درست صورت نگیرد، در میزان تعهداتش دچار اشکال خواهد شد.

پیشینه

پژوهش‌های متعددی با موضوعات خشونت علیه زنان و عدالت جنسیتی صورت پذیرفته است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «عدالت جنسیتی در اسلام و غرب» اثر فاطمه فکور و فاطمه ملک آستانه که در سال ۱۳۹۷ نگاشته شده، اشاره کرد. در این کتاب لازمه عدالت جنسیتی تمایز میان مفهوم عدالت با مساوات دانسته شده است. به این معنا که اگر بدون رعایت نسبت

استحقاق و خصوصیات، همه از امتیاز برابر برخوردار گردند، چنین مطلبی بی‌عدالتی محض است. نگارندگان معتقدند روشنفکران غرب زده درصدد بیان این باور هستند که زنان اگر می‌خواهند به موقعیت اجتماعی مناسب برسند و حقوق از دست رفته خود را باز یابند چاره‌ای جز بهره‌گیری از اهرم سازمان ملل و قبول الگویی واحد برای اصلاح وضع حقوقی زنان ندارند. این کتاب، آمار بالای فساد و خشونت روا شده بر زنان و فروپاشی خانواده‌ها را از آثار تمسک به قالب‌های کلیشه‌ای نظیر برابری جنسیتی می‌داند.

کتاب «اصول و مبانی عدالت جنسیتی در حکمت متعالیه» اثر مهدی شجریان که در سال ۱۴۰۱ نگارش یافته است، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این کتاب می‌کوشد تا پاسخ‌های حکمت متعالیه را در سه حوزه معرفت‌شناختی، خداشناسی و انسان‌شناسی تبیین کند و در ضمن مقایسه تطبیقی آنها با مبانی فمینیستی و نقد و بررسی آنها به مبانی نظری حکمت متعالیه برای دستیابی به عدالت جنسیتی پردازد.

پایان‌نامه «عدالت جنسیتی در اسلام با تاکید قرآن» اثر صدیقه عبدلهی دمنه که در سال ۱۳۹۴ نگارش یافته، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. در این پایان‌نامه دو رویکرد بررسی شده است. بر اساس یک رویکرد، تفاوت حقوقی بیانگر ستم و تبعیض جنسی بر زنان می‌باشد و بر حسب رویکردی دیگر، یکسان‌نگری مطلق راه را برای بی‌عدالتی بر زنان می‌گشاید.

پایان‌نامه «مطالعه نظری و تجربی عوامل فرهنگی ایجاد عدالت جنسیتی در بین زنان متأهل شهر تهران» اثر احمد بخارایی که در سال ۱۳۹۸ نگارش یافته است، پژوهشی دیگر در این زمینه است. یافته‌های این اثر علمی، حاکی از آن است که با افزایش گرایش به تفکرات مردسالاری، نابرابری جنسیتی افزایش می‌یابد و بالعکس با افزایش سطح تحصیلات بانوان، نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد.

مقاله «بسترهای همگرایی و واگرایی فمینیسم و عدالت ترمیمی در مواجهه با خشونت خانوادگی علیه زنان» اثر مژگان نعمتی که در سال ۱۴۰۲ نگارش یافته است، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. در پژوهش نامبرده به بررسی این مطلب پرداخته شده است که اگرچه از منظر فمینیسم عدالت ترمیمی در مقایسه با نظام عدالت کیفری عملکرد مناسب‌تری در قبال بزه‌دیدگی زنان در خشونت خانوادگی دارد ولی بسیاری از انتقادات فمینیست‌ها نسبت به عدالت ترمیمی در حوزه خشونت جنسیتی قابل تامل است.

مقاله «مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده، در ایران و کشورهای توسعه یافته بر اساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان» اثر رضا کرمی و همکاران که در سال ۱۴۰۰ نگارش یافته است، مطالعه‌ای دیگر در این رابطه است. پژوهش مذکور با هدف شناسایی و مقایسه روند موضوعی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان و خانواده میان کشورهای توسعه یافته و ایران در سه بازه زمانی صورت گرفته است. در این مقاله تنها مفهوم خشونت بررسی شده و بیانی از عدالت جنسیتی در اسلام به میان نیامده است.

مقاله «پدیدار نگاری شیوه‌های درک و تحدید فرا مساله عدالت جنسیتی از منظر خط‌مشی‌گذاران حوزه زنان در ایران» اثر ناهید سلیمی و سید حسین کاظمی که در سال ۱۴۰۰ نگارش یافته، پژوهشی مرتبط در این زمینه است که نگارندگان در آن شش گونه صورت‌بندی متفاوت از عدالت جنسیتی ارایه کرده‌اند ولی در این مقاله به خشونت خانگی و عدالت جنسیتی اشاره‌ای نشده است.

مقاله «تأملی نظری در مفهوم عدالت جنسیتی» اثر رضا خراسانی و ولی محمد احمدوند که در سال ۱۳۹۶ نگارش یافته، پژوهشی در خصوص عدالت جنسیتی است. این اثر به بررسی این سوال پرداخته که چرا عدالت جنسیتی در قانون، عبور از نصوص اسلامی تلقی می‌شود؟

بسیاری از آثار مرتبط در این رابطه به صورت منفک به موضوع خشونت علیه زنان یا عدالت جنسیتی پرداخته‌اند. برخی آثار نیز به دفاع از عدالت جنسیتی پرداخته‌اند. عناوینی نظیر عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، مبانی دینی عدالت جنسیتی حاکی از تأیید این دیدگاه است. در حد احصاء اثری که به ناکارآمدی عدالت جنسیتی در رفع خشونت علیه زنان آن هم با بهره‌گیری از استنادات مقام معظم رهبری به قرآن را بیان کرده باشد، یافت نشد.

۲- مفهوم شناسی

در این بخش به مفهوم واژه‌های خشونت، عدالت و عدالت جنسیتی پرداخته می‌شود.

۲-۱- خشونت

خشونت در لغت به منای درشتی، ناهمواری و تندخویی معنا شده است (عمید، ۱۳۶۲، ص ۴۴۵). خشونت علیه زنان در اصطلاح طبق ماده اول قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد اینطور تعریف می‌شود: «اصطلاح خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت‌آمیزی است که

مبتنی بر اختلاف جنسیت بوده و منجر به صدمه یا رنج جسمی، جنسی، روانی برای زنان گردد یا احتمال منجر شدن به این آسیب‌ها یا رنج‌ها وجود داشته باشد. از جمله تهدید به این گونه اعمال، زورگویی، محروم سازی خودسرانه آزادی است. خواه در محیط عمومی روی بدهد، خواه در زندگی خصوصی» (شکر بیگی، ۱۳۹۳، ص ۵۷۱).

۲-۲- عدالت

عدالت در لغت به معنای انصاف و دادگری معنا شده است (عمید، ۱۳۶۲، ص ۷۲۶). معنای اصطلاحی عدالت، اعطای برابر به برابرها و اعطای نابرابر به نابرابرها است. در حالی که عدالت واژه ای است که به ظاهر همگان در فهم آن تفاهم دارند؛ اما متون جدید اختلاف در تعریف آن را باز می‌نمایانند. این اختلاف ممکن است به اختلاف درباره معنای تبعیض، اهمیت یافتگی برابری تحت هر شرایطی و حدود اصل عدم تبعیض برگردد (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۶۰).

۲-۳- عدالت جنسیتی

عدالت جنسیتی، راهبردی است بر محور جنسیت برای رسیدن به برابری مردان و زنان و از میان بردن کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد برابری میان انواع جنسیت‌ها (همان، ص ۶۱). در این خصوص جمعیت‌گفتمان انقلاب اسلامی بیان می‌کند که عدالت جنسیتی یک وظیفه حاکمیتی برای رسیدن به شرایط خوب و جامع برای زنان و مردان است.

۳- خشونت علیه زنان

شایع‌ترین نوع خشونت اعمال شده علیه زنان، خشونت خانگی یا خشونت اعمال شده توسط شریک زندگی است (احمدی و اختیاری، ۱۳۹۸، ص ۲۳۸). خشونت خانگی ابعاد متعددی را شامل می‌شود که در این راستا به خشونت فیزیکی، خشونت روانی، خشونت اجتماعی و خشونت جنسی می‌توان اشاره نمود (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

خشونت خانگی سوء استفاده مرد از زن است؛ اگرچه سوء استفاده زن از مرد، مرد از مرد و زن از زن را هم شامل می‌شود (O'Brien KL and Others, ۲۰۱۲, p. ۹۵-۱۰۸). خشونت خانگی هر گونه دست انداختن، تحقیر، مزوی کردن، ترساندن، اجبار، سرزنش، آسیب یا زخمی کردن، تهدید و ارباب است (Richard Davis R, ۲۰۱۰, p. ۴۴-۵۲). خشونت خانگی واقعیتی تلخ

و انکارناپذیر است که زندگی و کرامت انسانی را خدشه‌دار و صدمات غیر قابل جبرانی را به آنان وارد می‌نماید (کیانی، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

خشونت خانگی شامل سوء استفاده جسمی نظیر مشت‌زدن، لگدزدن و خفگی، سوء استفاده کلامی همچون توهین و فریاد، سوء استفاده عاطفی شامل تحقیر و دست انداختن، سوء استفاده جنسی شامل مشارکت اجباری در اعمال جنسی، تجاوز به عنف، سوء استفاده مالی همچون سرقت یا محدود کردن دسترسی به پول، سوء استفاده اجتماعی شامل محدود کردن معاشرت با خانواده و کنترل کردن، و سوء استفاده قانونی - اداری است (MH Taghdisi and Others, ۲۰۱۴).

بنابر آنچه گذشت، معلوم گردید خشونت علیه زنان به ویژه خشونت‌های خانگی که رواج بیشتری دارد در کشورهای غربی بیشتر مشاهده می‌شود. علی‌رغم ادعای غرب، زن غربی به اسم آزادی و تمدن، مورد اجحاف آشکار واقع شده و حقوقش پایمال می‌شود. به عبارت دیگر فزونی ستم به زن در فرهنگ غیراسلامی به دلیل نوع نگاهی است که هر فرهنگ به عدالت دارد. بیش از آنکه حقوقی باشد، معاشناختی است و برای اثبات این ادعا، دیدگاه‌های مطرح در عدالت در قالب عدالت در غرب، عدالت در نظریه‌های فمینیستی که همان عدالت جنسیتی است و عدالت در نظریه اسلامی - ایرانی بررسی می‌گردد.

۴- دیدگاه‌های مطرح در عدالت

متفکران غربی مدعی هستند نباید عدالت اجتماعی بر پایه توجه به کمالات معنوی، فرهنگی و فلسفی تعریف و توجیه شود. آنان معتقدند نظریه‌های عدالت نباید وامدار پیش فرض‌های فلسفی یا مذهبی درباره سعادت باشند. فیلسوفان مدرن لیبرال برابری را شرط مهم تحقق عدالت دانستند و می‌توان گفت در دوره مدرن، اختلافات بر تقدم آزادی بر برابری و مساوات بوده است. در سنت فکری غربی مبتنی بر نظریه روسو برابری مهم‌تر از آزادی تلقی شده و در دیدگاه مبتنی بر نظریه لاک، آزادی اهمیت بیشتری دارد. این در حالی است که تا پیش از این، عدالت بر محور استحقاق استوار بوده که این مساله تغییر رویکرد از عدالت استحقاقی به عدالت مساواتی را نشان می‌دهد (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۶۴-۶۳).

فمینیست‌ها در تلاش برآمدند تا جنسیت را به معنای طبقه بندی جنسیتی که مرزهای آن همواره تغییر می‌کند، معرفی کنند. بر همین اساس در اسناد بین‌المللی تصریح شده که برابری جنسیتی هدف اصلی و نیازمند برنامه و ایجاد مهارت، تغییر، ابزار و تمرین است. در اسناد یونسکو

نیز برابری جنسیتی اولویت جهانی این سازمان به ویژه در عرصه آموزش دانسته شده است. یکی از مهم ترین اسناد مرجع برای یونسکو در این باره سند توسعه پایدار موسوم به سند ۲۰۳۰ یا SDGs است (همان، ۶۵).

دو دلیل برای درخواست عدالت جنسیتی از سوی فمینیست‌ها وجود دارد. اول اینکه بیولوژی زنانه حداقل در دوره بارداری و شیردهی قابل چشم پوشی نیست و زنان در این دوره ها نیازمند حمایت ویژه و قوانین سودمندتر یعنی تبعیض مثبت هستند. دوم اینکه زنان با استراتژی معمول لیبرالیستی یعنی برابری در فرصت‌ها نمی‌توانند وارد رقابت برابر شوند و محرومیت‌های تاریخی آنان را همواره عقب نگه خواهد داشت. به همین منظور باید با استراتژی برابری در نتایج و دخالت در نظام توزیع بیش از استحقاق افراد امکانات جامعه را در اختیار آنان قرار داد (همان، ۱۶).

تقدم حق بر خیر نیز از جمله گزاره‌هایی است که در تحلیل‌های فمینیستی درباره مسایلی مانند سقط جنین مورد توجه قرار گرفته است (علاسوند، ۱۳۹۸، ص ۲۰). تقدم حق بر خیر به این معنا است که این حقوق هستند که خیر را محدود و مرزهای آن را مشخص می‌کنند و نظریه عدالت حقوق را مطرح کرده و خیر را نادیده می‌گیرند.

پس از تغییر رویکرد سازمان ملل متحد درباره زنان از «زنان در توسعه» به «جنسیت و توسعه» مفاهیم چون آموزش جنسیتی، نقش‌های جنسیتی و تحلیل‌های جنسیتی اهمیت ویژه‌ای یافتند. عدالت جنسیتی که حاوی تبعیض مثبت به سود زنان است به دنبال ایجاد وضعیتی فراتر از برابری به صورت موقت بوده تا زنان به معنای واقعی کلمه به برابری برسند. عدالت جنسیتی اصطلاحی است تا نشان دهد برابری جنسیتی برای حل مشکلات زنان کافی نیست. فمینیست‌ها به دنبال استراتژی مطمئن‌تری بودند و نتیجه به این سوال ختم شد که آیا زنان برای دستیابی به برابری واقعی نیاز به تبعیض مثبت دارند یا خیر، که این مسئله همان چیزی است که از آن به عدالت جنسیتی تعبیر می‌شود (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

به نظر می‌رسد در ادبیات نظریه‌های مطرح در عدالت، تحلیل مستقیم جنسیت مشاهده نمی‌گردد. افزون آن که با تحولات دهه اخیر درباره مفهوم جنسیت و تلاش برای جرم‌زدایی از رفتار همجنس‌گرایانه و به رسمین شناختن حقوق تراجنسی‌ها به عنوان بخشی از استراتژی تساوی

جنسیتی، اهداف می‌کوشد تا به سوی حمایت از همه انواع جنسیت‌ها و روابط جنسی پیش برود و دیگر مفهوم عدالت جنسیتی مفهومی کارآمد در جهت رفع خشونت علیه زنان نباشد.

عدالت در فقه سیاسی - اجتماعی اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع مهم ترین عرصه بحث عدالت در گزاره‌های اسلامی عدالت در فقه سیاسی و اجتماعی است و عدالت جنسیتی نیز ناظر به حقوق اجتماعی و سیاسی است. در حالی که موضوع عدالت به صورت عدالت جنسیتی در گستره علوم اسلامی بسط نیافته و در حد تعریف صوری مانده است.

برخی از صاحب نظران ایرانی با مطرح کردن دیدگاه برابر ولی متفاوت به قرائت نظام جمهوری اسلامی از عدالت جنسیتی اشاره کرده‌اند (آتشک، ۱۳۹۸، ۱۳۱). عده‌ای نیز به این مطلب اشاره می‌کنند که مقوله زن و عدالت جنسیتی منوط به این که در چه حوزه گفتگویی قرار گرفته باشد، معانی و هویت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد یا آن را با مفهوم رایج «قرار گرفتن هر چیزی در جای خویش و اعطای کل ذی حق حقه» پیوند می‌زنند (صفری، ۱۳۹۴، ۲۱۱).

عده‌ای نیز به توجه مبانی عدالت جنسیتی بر اساس اصول کلامی شیعی و عنایت به تفاوت فرهنگ اسلامی و مکاتب دیگر در شیوه تحقق عدالت جنسیتی تأکید کرده‌اند (میرخانی، ۱۳۹۲، ۱۳). نکته قابل توجه در تمام مورد مذکور آن است که تمامی صاحب‌نظران از مفهوم جنسیت غافل شده‌اند.

از تقریر دانشمندان مسلمان به دست می‌آید که عدالت تنها سنجه احکام نیست و احکام شرعی همواره با عدالت تبیین نمی‌شوند و می‌توانند ملاک‌های متفاوتی داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۴۵۶). مطالعه کتب اصولی فقهای بزرگ نشان می‌دهد سه گزاره وجود دارد که تفکیک نشدن میان آنها به تحلیل نادرست میان رابطه عدالت و احکام خواهد انجامید. نخست اینکه؛ احکام تابع ملاک یعنی مصلحت و مفسده واقعی هستند. دوم اینکه؛ خداوند به عدل و احسان امر می‌کند و بر بندگان ستم نمی‌کند. سوم اینکه؛ عقل انسان مستقل از امر و نهی شرعی به اجمال می‌تواند حسن و قبح را درک کند (غروی اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ۳۱-۳۲).

از مطالب فوق این نتیجه حاصل می‌شود که عدالت تنها میزان احکام نیست و اگر شرع مقدس عملی را مطرود می‌داند یا از آن نهی می‌کند و آن را صحیح نمی‌داند، بی‌عدالتی محسوب نمی‌شود.

جمعیت گفتمان انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه با تلاش و فشارهای آمریکا و متحدانش عضویت ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل لغو شد، بیان می‌دارد آنچه غرب درباره جایگاه

زن صحبت می‌کند با آنچه نشان می‌دهد، متفاوت است. غرب با تفکر جنسیتی، زن را در حد یک کالا پایین می‌آورد و به زن نگاه مردانه دارد. از همجنس‌گرایی تا ازدواج سفید و بهره‌کشی جنسی از زنان دستاورد نگاه غربی و سکولار به زن است. متأسفانه ایران را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل خارج کردند در حالی که آمریکا با یک سوم زنان در بند جهان و اسرائیل که انواع و اقسام جنایات را در حق زنان فلسطینی انجام می‌دهد کماکان عضو این کمیسیون هستند. همین کشورها به اسم عدالت جنسیتی نسبت به زنان بدترین رفتارها و بیشترین ظلم‌ها را اعمال می‌کنند به نحوی که به گواه روزنامه گاردین کشور انگلیس بیشترین میزان آمار زن آزاری در جهان را دارد.

در نظر گرفتن تفاوت یا عدم تفاوت جنسیتی در حقوق زنان، مهمترین اختلاف مکتب اسلام با فمینیسم است. روح این اختلاف که در مبانی وجود شناختی و معرفت شناختی هر دو مکتب آشکار می‌شود، ریشه در این امر دارد که مصلحت از جانب چه کسی تعیین می‌گردد. اسلام این امر خطیر را از خداوند متعال طلب می‌نماید؛ اما فمینیسم بشر را تعیین‌کننده مصلحت خویش می‌داند. از این رو در اسلام عدالت از یک واقعیت نفس‌الامری برخوردار است و بر این اساس تساوی حقوقی چون مخالف با مقتضیات وجودی زن است، خشونت علیه زنان محسوب می‌شود؛ اما در فمینیسم عدالت کاملاً امری نسبی است و بر حسب تجربه‌های مختلف بشری معنای آن نیز متغیر می‌شود و به تبع آن معنای خشونت علیه زنان نیز تغییر می‌کند (برگرفته از حسنی، ۱۳۸۸).

۵- ناکارآمدی عدالت جنسیتی در رفع خشونت علیه زنان در آیات قرآن

رهبری معظم در این رابطه به آیاتی از قرآن استشهد می‌فرماید از آن جمله آیه ۳۵ سوره احزاب آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است» اشاره دارند که ده خصوصیت عمده برای زن و مرد ذکر می‌شود که همه در اجر یکسانند.

همچنین ایشان در این زمینه به فقره‌ای از آیه ۱۹۵ سوره آل‌عمران آنجا که می‌فرماید: «... أُنثَىٰ لَأَ أُضَيِّعُ عَمَلَهُمْ مِنْكُمْ مِثْلَ الَّذِي أُوتُوا...؛ من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛» اشاره فرموده و بیان می‌دارند این عبارت از آیه مذکور به این معنا است که از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. البته وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلف است؛ اما تعادل وجود دارد. چنانچه در آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...؛ و برای زنان، برای زنان حقوق شایسته‌ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است...». البته معظم له در کنار بیان تساوی زن و مرد در ارزش‌های انسانی و اسلامی بر این نکته تأکید دارند که در مسئولیت‌ها تکیه بر ویژگی‌های طبیعی زن و مرد است. هم در جسم و هم در روح و هم مسایل معنوی. مردی که در شیوه رفتار و آرایش صورت و بقیه امور تشبه به زن می‌کند و آن زنی که در گفتار و حرکاتش تشبه به مرد می‌کند اشتباه می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان. ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

بنابر آنچه گذشت، مشخص گردید معظم له با استناد به آیات الهی زن را هم‌تراز مرد دانسته و جایگاه رفیعی برای بانوان قائل هستند. در این دیدگاه هرگونه تبعیض، سوء استفاده، خشونت و نگاه دست دومی به این جنس مطرود است.

لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» از جمله لوایح مهمی است که در دستور کار دولت و مجلس قرار دارد. هر چند فاصله گفتگمانی زیادی میان تعاریف، مصادیق و نحوه عمل در زمینه خشونت علیه زنان در فضای بین‌الملل و آموزه‌های فرهنگی و مذهبی اسلام وجود دارد؛ اما این موضوع یکی از مسایل مهم است. از این رو ضروری است با توجه به ویژگی‌های فرهنگ دینی، با رویکرد بومی و با حفظ استقلال فرهنگی از حقوق زنان حمایت کرده و برای تأمین امنیت زنان تمام توجه و اهتمام دولتمردان به کار گرفته شود.

۶- نتیجه

خشونت علیه زنان هر عملی است که منجر به آسیب جسمی و روانی به زن شود که می‌تواند اثرات روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی داشته باشد لذا رفع خشونت علیه زنان حایز اهمیت فراوانی است.

در پژوهش حاضر ضمن بیان شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان که خشونت خانگی یا خشونت اعمال شده توسط شریک زندگی است به ابعاد متعددی از آن نظیر خشونت فیزیکی، روانی، اجتماعی و جنسی اشاره و از فرمایشات مقام معظم رهبری در این زمینه استفاده شد.

در ادامه به تبیین عدالت در دیدگاه‌های مختلف از جمله غرب، فمینیست و اسلام پرداخته شد مشخص گردید با روی کار آمدن استراتژی تساوی جنسیتی، مفهوم عدالت جنسیتی مفهومی ناکارآمد در جهت رفع خشونت علیه زنان می‌باشد. معظم له در بیانات خود عدالت جنسیتی را تنها پوششی برای رسیدن دول غربی به خواسته‌های خود معرفی می‌کنند و با اشاره به آمار فساد، فحشاء و خشونت علیه زنان در کشورهای غربی، عدالت جنسیتی را در رفع خشونت علیه زنان ناموفق می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که در اسلام، عدالت جنسیتی این است که زن محترم باشد و مورد تعرض قرار نگیرد.

برخی از کوتاه‌فکران مدعی شدند معظم له به دلیل ارج نهادن به جایگاه و حقوق زنان عدالت جنسیتی را رد کرده‌اند. به منظور رفع این اتهام در ادامه مقاله به بخشی از بیانات ایشان در ارتباط با بانوان اشاره و مشخص گردید ایشان برای بانوان و نقش ایشان در تاریخ‌سازی جوامع منزلتی ویژه قائل هستند و اتفاقاً ناکارآمد دانستن عدالت جنسیتی غربی از احترام فوق‌العاده ایشان به بانوان و تلاش برای حفظ کرامت بانوان نشأت می‌گیرد. امری که غرب برای آن وقعی ننهاد و به اسم عدالت جنسیتی، زن را بیش از پیش مورد ستم قرار داده و مطامع دولتمردان خویش را مورد توجه قرار داده‌اند.

از مطالب ذکر شده این امر تبیین می‌گردد که مفهوم عدالت جنسیتی در حل مسایل زنان از جمله بحث خشونت علیه زنان ناکارآمد است و برای رفع مشکلاتی از این دست باید بر طبق دستورات و فرهنگ اسلامی عمل شود.

منابع

۱. آتشک، محمد، «ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۱ه ش، شماره ۴
۲. احمدی، بتول، سلیمان اختیاری، یلدا، «اثربخشی مداخلات آموزش سلامت برای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۹ ه ش، شماره ۴۰

۳. آقاخانی و دیگران، «بررسی انواع خشونت شوهران علیه زنان و تاثیر عوامل مختلف در میزان بروز آنها در زنان مراجعه کننده به پزشکی قانونی شهرستان ارومیه در سال ۹۱-۹۰»، مجله علمی پزشکی قانونی، ۱۳۹۱ ه ش، شماره ۶۶-۶۷
۴. بخارایی، احمد، «مطالعه نظری و تجربی عوامل فرهنگی ایجاد عدالت جنسیتی در بین زنان متاهل شهر تهران»، ۱۳۹۸ ه ش، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان
۵. بیابانی، مینا، «فروپاشی اخلاقی در غرب مصداق بارز ظلم به زنان»، ۱۴۰۰ ه ش. روزنامه جوان
۶. حسنی، سیده معصومه، تفاوت های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۸ ه ش، شماره
۷. خادمی، عاطفه، تقی زاده، فاطمه، «مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت الله خامنه ای)»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۸ ه ش، شماره دو
۸. خراسانی، رضا، احمدوند، ولی محمد، «تأملی نظری در مفهوم عدالت جنسیتی» قبسات، ۱۳۹۷ ه ش، شماره ۹۰
۹. سلیمی، ناهید، سید حسین، کاظمی، «پدیدار نگاری شیوه های درک و تحدید فرا مسئله عدالت جنسیتی از منظر خط مشی گذاران حوزه زنان در ایران»، مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۱۴۰۰ ه ش، شماره ۴
۱۰. شجریان، مهدی، اصول و مبانی عدالت جنسیتی در حکمت متعالیه، قم، نوبت چاپ: ۱، انتشارات دانش دانشگاه باقر العلوم (ع)، ۱۴۰۱ ه ش
۱۱. شکرپیگی، عالی، مستمع، رضا، «فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان»، مجله جامعه شناسی ایران، ۱۳۹۳ ه ش، شماره ۲
۱۲. صفری شالی، رضا، «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات جامعه شناختی، شماره دو
۱۳. عبداللهی دمنه، صدیقه، «عدالت جنسی در اسلام با تاکید قرآن»، ۱۳۹۴ ه ش (پایان نامه)
۱۴. علاسوند، فریبا، «امکان سنجی عدالت جنسیتی در نظریه های عدالت: فیلسوفان غربی در قرن بیستم»، مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۳۹۸ ه ش، شماره اول

۱۵. _____، «عدالت جنسیتی به مثابه یک مفهوم تفسیرپذیر و نامتعیین»،
مطالعات فنی حقوقی زن و خانواده، ۱۳۹۷ ه ش، شماره یکم
۱۶. _____، «واکاوی مفهومی معیارهای برابری و نابرابری در نظریه های
عدالت و عدالت جنسیتی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۴۰۱ ه ش، شماره ۳
۱۷. _____، «معیار نابرابری در تعریف عدالت: امری فلسفی یا کلامی؛ بررسی
دیدگاه علامه طباطبایی درباره تفاوت حقوقی مرد و زن»، مطالعات جنسیت و سلامت، ۱۳۹۵ ه
ش، شماره دوم
۱۸. _____، «عدالت جنسیتی در نظریه های عدالت: فیلسوفان غربی در قرن
بیستم»، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۱۱ - ۳۱.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۶۲ ه ش
۲۰. غروی اصفهانی، محمدحسین، نهایه الدرایه فی شرح الکفایه، بیروت، آل البیت (ع) لایحه
التراث
۲۱. فکور، فاطمه، ملک آستانه، فاطمه، عدالت جنسیتی در اسلام و غرب، انتشارات
سخنوران، نوبت چاپ: ۱، ۱۳۹۷ ه ش
۲۲. کریمی و دیگران، «مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده
در ایران و کشورهای توسعه یافته بر اساس تحلیل هم رخدادی واژگان»، زن در توسعه و سیاست،
۱۴۰۰ ه ش، شماره ۲
۲۳. کیانی، مزده، «تجربه زنان از خشونت خانگی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت،
۱۳۹۳ ه ش، ۳ (۱)
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ ق
۲۵. میرخانی، عزت السادات، «تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و
اقتصادی خانواده»، زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۲ ه ش، شماره ۱
۲۶. نعمتی، مژگان، «بسترهای همگرایی و واگرایی فمینیسم و عدالت ترمیمی در مواجهه با
خشونت خانوادگی علیه زنان»، ۱۴۰۲ ه ش، شماره ۵۳
۲۷. O'Brien KL, Cohen L, Pooley J and Taylor M. F (۲۰۱۲) Lifting
the domestic cloak of silence: Resilient Australian women's reflected
memories of their childhood experiences of witnessing domestic
violence. Journal of Family Violence. ۲۸(۱) ۹۵-۱

- Richard Davis R (۲۰۱۰) Domestic violence related deaths. *Journal of Aggression, Conflict and Peace Research*. ۲(۲) ۴۴-۵۲.
.<http://ro.ecu.edu.au/ecuworks۲۰۱۲/۴۶۰۰۸>. Online
- Taghdisi MH., Estebarsari, F. Dastoorpour M, Jamshidi,E , ۲۹
Jamalzadeh,F & Latifi,M (۲۰۱۴). The Impact of Educational Intervention
Based on Empowerment Model in Preventing -Violence Against Women.
Iranian Red Crescent Medical Journal, ۱۶(۷), ۵۱۴۴۳۲.
<http://doi.org/۱۰.۵۸۱۲/ircmj.۱۴۴۳۲>
<https://farsi.khamenei.ir> ۳۰
<https://mehrnews.com> ۳۱
<http://gaamdovom.net/> ۳۲

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر / الخريف و الشتاء ١٤٠٣ ش - ١٤٤٦ ق

خشونت اقتصادی علیه زنان و راهکارهای حقوقی آن صص ٤٠-٢٧

جميلة فياضی^١

(تاریخ دریافت: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاریخ پذیرش: ١٤٠٣/٢/٢٦)

چکیده

منظور از خشونت اقتصادی هر گونه رفتار و اقدام است که منجر به آسیب اقتصادی به فرد شود. خشونت اقتصادی یکی از ابعاد پنهان و کمتر شناخته شده خشونت، علیه زنان است که آنها را به رغم داشتن سهمی زیاد در به دوش کشیدن بار زندگی از حقوق و مزایای مالی محروم می-کند. یافته‌های پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته حاکی از آن است که عدم پرداخت نفقه، مهریه و استقلال مالی از انواع خشونت اقتصادی در حوزه خانواده و شرایط کاری انعطاف ناپذیر، دستمزد و حقوق کم، حضور در بخش های غیر رسمی اقتصاد و تبعیض در اشتغال از انواع خشونت اقتصادی در حوزه اجتماع است. قوانین وضع شده در حوزه‌های نامبرده گرچه موجب شده آسیب‌های کمتری متوجه زنان شود؛ اما کافی نیست و هنوز بانوان صدمات روحی و روانی زیادی در این رابطه متحمل می‌شوند لذا قوانین نیاز به بازنگری دارد.

کلید واژه‌ها: خشونت، خشونت اقتصادی، راهکارهای حقوقی، زنان.

^١ دانش‌پژوه حوزه علمیه نجف خاتون j.fayazi@gmail.com

۱- مقدمه

خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی و دارای انحاء متنوعی نظیر خشونت روانی، جنسی، فیزیکی و ... است که تأثیر بسزایی بر سلامت جسمی و روانی زنان دارد. یکی از اقسام مهم خشونت علیه زنان که گاه پنهان می‌ماند، خشونت اقتصادی است. مراد از خشونت اقتصادی مجموعه اقداماتی است که به منظور محروم کردن زنان از همه یا برخی از حقوق اقتصادی و مالی ایشان صورت می‌گیرد. این نوع خشونت که آثار عمیقی بر زندگی زنان دارد به اشکال مختلف و در سطوح متفاوت قابل تصور است که شناسایی آنها نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع آن ایفا کند. خشونت اقتصادی علیه زنان گاه در محیط خانواده و گاه در اجتماع صورت می‌پذیرد. از مصادیق اصلی خشونت اقتصادی علیه زنان در محیط خانواده می‌تواند به عدم تأمین نفقه، عدم پرداخت مهریه اشاره کرد. در محیط اجتماعی نیز حضور زنان در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد، تبعیض در آموزش و اشتغال نسبت به زنان، وضعیت استخدام و دستمزد، شرایط کاری انعطاف ناپذیر، عدم دسترسی به منابع از مهم‌ترین مصادیق خشونت اقتصادی علیه زنان در جامعه است.

با بررسی مواد قانونی مشخص می‌گردد راهکارهایی در راستای کاهش این خشونت در قوانین موضوعه وجود دارد. از آنجا که میان عدم خشونت و سلامت زنان ارتباط مستقیم وجود دارد، ضروری است از آسیب رسیدن به بخش تاثیرگذار جامعه جلوگیری نمود تا سلامت و امنیت خانواده و به تبع جامعه حفظ شود.

بنابر آنچه گفته شد بایسته است انواع خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده و جامعه به عنوان یک معضل اجتماعی مهم مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا تدابیری قانونی نظیر تعیین مصادیق جرائم خشونت اقتصادی علیه زنان و نیز مجازات متناسب با آنها جهت جلوگیری یا حداقل کاهش این نوع از خشونت اتخاذ شود تا از این طریق سلامت، امنیت و پایداری خانواده و در نتیجه امنیت، سلامتی و شادابی جامعه حفظ شود.

پیشینه

پژوهش‌های در موضوع مذکور صورت گرفته از جمله کتاب «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران»، اثر مهر انگیز کار که در سال ۱۳۸۷ به رشته ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. در کتاب حاضر، نگارنده به بیان تعریفی از انواع خشونت پنهان و آشکار علیه زنان و اشکال مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن پرداخته است.

کتاب «بررسی جرم شناختی خشونت خانگی علیه زنان»، اثر محمد ابراهیمی و علی یاری خواه که در سال ۱۴۰۲ به رشته‌ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد، پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان، در درجه نخست نیازمند باز تعریف حریم خصوصی خانواده و جرم دانستن بسیاری از مصادیق خشونت خانگی است. فرهنگ سازی و برانگیختن مسئولیت اجتماعی افراد در جامعه برای مقابله با خشونت خانگی و تلاش دولت در جهت برابری حقوقی زنان و مردان در جامعه از دیگر اقدامات مؤثر در این زمینه است.

کتاب «خشونت علیه زنان از منظر حقوق بین الملل و مقایسه آن با فقه امامیه»، اثر مژگان مهر پویا که در سال ۱۴۰۰ به رشته‌ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در کتاب مذکور، تعریف خشونت علیه زنان به معنای هر نوع عمل یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، بیان شده است. در این کتاب موضوع خشونت علیه زنان از منظر حقوق بین الملل و فقه امامیه مورد بررسی و مقایسه تطبیقی قرار گرفته است.

پایان نامه «تحلیل حقوقی جرم شناختی کارآمدی قوانین مربوط به خشونت خانگی علیه زنان از نگاه صاحب نظران؛ پژوهشی کیفی» اثر سلیمه طرح زاده که در سال ۱۳۹۹ به رشته‌ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در این پژوهش انواع خشونت های خانگی نظیر جسمی، روانی، اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

پایان نامه «تبیین جامعه شناختی خشونت علیه زنان؛ مطالعه موردی شهر سنندج»، اثر صدیقه آئینی، که در سال ۱۳۹۱ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. تحقیق مذکور به منظور شناسایی علل اجتماعی، ضمن شناسایی عوامل جامعه شناختی خشونت علیه زنان و توصیف انواع خشونت به بررسی رابطه متغیر خشونت علیه زنان با متغیرهای پذیرش کلیشه های، جنسیتی پذیرش اقتدار، مردانه پایبندی به نقش های جنسیتی منابع اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پرداخته شده است.

پایان نامه «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مقایسه شهرهای سنندج و بیجار)» اثر یاسر بشیری که در سال ۱۳۷۸ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. پژوهش مذکور با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان و مقایسه میزان تأثیر این عوامل در شهرهای سنندج و بیجار انجام گرفته است.

مقاله «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز»، اثر اسحاق ارجمند سیاه‌پوش و فریال دشتی نژاد که در سال ۱۳۸۹ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان با نگاه ویژه به شهر اهواز پرداخته؛ پس از مختصر توضیحی درباره ساختمان بیولوژی مردان و زنان، تاریخچه خشونت، تعریف خشونت، حوزه‌های خشونت و انواع خشونت علیه زنان پرداخته است.

مقاله «واکاوی آیات نشوز از منظر مفسران و فقهاء»، اثر علی غضنفری و نسیم تیموری که در سال ۱۴۰۱ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در این پژوهش از بعد فقهی و حقوقی به مساله‌ی نشوز پرداخته شده و بخشی از آن شامل خشونت اقتصادی علیه زنان است.

مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه» که در سال ۱۴۰۰ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این پژوهش با هدف تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان و عوامل اثرگذار بر آن صورت گرفته است.

با بررسی آثار در حد احصاء، پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر در انواع خشونت علیه زنان و راهکارهای برطرف سازی آنها است و کمتر به خشونت اقتصادی مگر در میانه مباحث دیگر پرداخته شده است. پژوهش حاضر در صدد است به بررسی خشونت اقتصادی علیه زنان و راهکارهای حقوقی مقابله با آن بپردازد.

۲- مفهوم شناسی خشونت اقتصادی

«خشونت» در لغت دارای معانی متعددی است. اهل لغت می‌گویند: «خشونت» به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی است و خشم، غضب و... از خفیف ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است. (دهخدا، لغت نامه، ۵۹۳/۱۱)

«خشونت» در اصطلاح عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید که شامل اقدام فیزیکی مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی نظیر توهین و تهدید می‌شود. به علاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای خصوصیات مذکور باشند از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می‌نماید، می‌توانند از مصادیق لغوی «خشونت» باشند. (رضوانی، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، ۳۶۱)

خشونت اقتصادی اینگونه بیان شده است: «خشونت اقتصادی هرگونه رفتار و اقدام است که منجر به آسیب اقتصادی به فرد شود، در واقع هرگونه آسیب به اموال افراد و محدود کردن دسترسی آن‌ها به داراییشان و عدم انجام مسئولیت‌های مالی نسبت به افراد مثلاً عدم پرداخت نفقه و مهریه زن، خشونت اقتصادی نامیده می‌شود». (وطنی، «بررسی اشتراکات و افتراقات تدابیر مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی»، ۶۹)

در اینجا، منظور از خشونت، همان خشونتی است که از حد قانون تجاوز نماید و به افراط و تفریط و منجر به ضایع شدن حقوق افراد گردد.

۳- انواع خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده و راهکارهای حقوقی آن

تاریخ گواه ظلم و ستم در تمامی قبایل و ملل، بر زنان بوده است و شرافت و کرامت زن به عنوان یک انسان برابر با مردان (که به تعبیر قرآن کریم برتری فقط به تقوی است)، هرگز به وی داده نشده است. از این رو نهضت‌های زیادی در سراسر جهان برای حمایت از حقوق زن و برای بدست آوردن ارزش و جایگاه واقعی زن صورت پذیرفته و هم‌چنان ادامه دارد تا هرگونه خشونت بر اساس جنسیت را از میان بر دارد. در این میان رعایت اعتدال و دوری از هرگونه افراط و تفریط لازمه هرگونه حرکت اصلاحی می‌باشد. در این بخش به برخی از انواع خشونت اقتصادی نظیر عدم پرداخت نفقه، مهریه و استقلال مالی اشاره و راهکارهای حقوقی آن بیان می‌شود.

۳-۱- عدم پرداخت نفقه

نفقه یکی از تکالیف مالی قطعی اسلام است که با هدف حمایت و تامین اقتصادی زوجه بر عهده زوج قرار می‌گیرد. برای تعیین حدود نفقه زوجه حقیقت شرعیه وجود ندارد؛ بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است. (مغنیه، الفقه علی المذهب الخمسه، ۳۱۳) در ازدواج دائم، پرداخت نفقه زن بر شوهر واجب است. حق نفقه در اسلام، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آنها قرار داده نمی‌شد به سختی می‌افتادند؛ چون زن در ازدواج دائم، مسئولیتهایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی را از او می‌گیرد؛ مسئولیتهایی مانند شوهرداری، خانه‌داری، بارداری، تربیت فرزند؛ از این رو، نفقه، حقی است که اسلام برای زن قرار داده است.

در اصل وجوب نفقه بین فقهای اسلام اختلافی دیده نمی‌شود. (نجفی، جواهر الکلام، ۳۰۱) اکثر فقهای امامیه ضابطه نفقه را در مقدار طعام، رفع گرسنگی؛ در نوع غذا، قوت غالب سرزمین

محل سکونت زوجه یا عادت امثال او در آن سرزمین و در دیگر موارد نفقه، عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونت او می‌دانند به جز در مورد خادم که یکی کافی است (همان: ۳۳۳) ولو برخی از بانوان آن دیار بیش از یک خادم داشته باشند.

آیاتی چون «عاشروهنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و «فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹) نیز مؤید عرفی بودن نفقه است. بنابراین مصادیق و میزان نفقه متغیر است و ملاک آن برای زوجه عادت زنان امثال زوجه در محل سکونت اوست. همچنین نفقه به تمامی زنان متأهل تعلق می‌گیرد؛ چه فقیر باشد یا غنی. اگر زن غنی هم باشد باز هم نفقه به او تعلق می‌گیرد.

شایان ذکر است در اسلام نه تنها حق مالکیت و استقلال اقتصادی زن به رسمیت شناخته شده بلکه تکالیف مشخصی در جهت حمایت اقتصادی از زنان تعیین شده است و به موجب قانون عدم پرداخت آن جرم تلقی می‌شود که عدم پرداخت نفقه یکی از انواع خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده است.

وجوب نفقه و وضع قوانین مرتبط با آن، یکی از امتیازات مکتب اسلام نسبت به سایر مکاتب در خصوص حمایت اقتصادی و پیشگیری از خشونت اقتصادی علیه زنان است.

اگرچه قوانینی پیرامون نفقه در قانون وجود دارد و ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه به زوجه و اقارب به موجب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده وجود دارد که بیان می‌دارد هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس تعزیری درجه شش (بیش از شش ماه تا دو سال) محکوم خواهد شد، اما این قوانین هنوز نتوانسته اند از آسیب‌های مالی ناشی از عدم پرداخت نفقه جلوگیری نمایند و با وجود قوانین سخت گیرانه هم چنان خشونت اقتصادی در این زمینه وجود دارد.

۳-۲- عدم پرداخت مهریه

مهریه یکی دیگر از احکام اسلام است که به نوعی تکلیف پرداخت مالی به زوجه از سوی زوج است. «مهر، مال یا هر چیزی که قائم مقام مال باشد معینی است که بر سیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد» (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۷۰۲) اینکه مهریه چقدر میتواند نقش و سهم در تامین اقتصادی زوجه داشته باشد و شارع از این حکم چه مقصودی داشته، و اینکه ماهیت معاوضی مهر در مقابل بضع باشد یا صرفاً هدیه به زن، محل اختلاف است؛ اما اصل آن مورد اتفاق علماست. مهریه حسب تعریف

برخی فقها که عقد نکاح دائم را عقدی معاوضی (عقود معاوضی در برابر عقود مجانی از اقسام عقود تملیکی‌اند؛ لیکن تملیک در این گونه عقود در ازای عوض می‌باشد، مانند بیع، اجاره و صلح) می‌دانند، عوض بضع تلقی می‌شود؛ اما عده ای دیگر از آنان که نکاح را عقدی غیر معاوضی معرفی می‌کنند مهر را هدیه ای الزامی از جانب زوج به زوجه می‌انگارند. (بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ۴۵۵)

مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریح نشده است؛ اگرچه منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، می‌تواند کارکرد تأمین اقتصادی داشته باشد و عدم پرداخت آن از انواع خشونت اقتصادی علیه زنان محسوب می‌شود. بنابراین مهریه یکی دیگر از وجوه امتیاز مکتب اسلام در بعد حمایت اقتصادی و رفع و پیشگیری از خشونت اقتصادی است. اگرچه قانون مدنی تعریف خاصی از مهر ارائه ننموده است، لکن اکثر حقوقدانان مهر را مالی دانسته‌اند که مرد هنگام ازدواج با زن به او پرداخت می‌نماید؛ اما در کنار عدم تعریف مخصوصی از مهر به عنوان یکی از حقوق مسلم مالی زوجه، مقنن در مواد قانونی شرایط ویژه‌ای برای آن از جمله مالیت داشتن و قابل تملک بودن را مقرر نموده است. (ماده ۰۷۸ قانون مدنی)

با توجه به اینکه پرداخت مهریه در قانون مدنی مطرح شده لذا باب هرگونه سوء استفاده زوج برای عدم پرداخت آن را مسدود می‌کند؛ زیرا از لحاظ حقوقی، حتی زوجه‌ای که با شرط عدم مهر پیوند زوجیت را آغاز می‌کند و مسائل اخلاقی و انسانی چنین موضوعی را بیشتر مد نظر قرار می‌دهد هم مستحق مهر مقرر شده از طرف مقنن می‌باشد و تنها می‌تواند درخواست این مهر را از شوهرش ننماید، ولی مهریه یکی از حقوق زن محسوب می‌شود که وی بذل نموده وگرنه اصل استحقاق آن برای زن ثابت است. مهریه یا مهر یکی از حقوق مالی زن است که به موجب ازدواج و جاری شدن صیغه نکاح دائم یا موقت به زن تعلق می‌گیرد. طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، زن به محض اینکه مالک مهر شود می‌تواند هر نوع تصرفی در آن داشته باشد. مهریه‌ای که مشخص می‌شود باید قابلیت تملک و تصرف داشته باشد و به جز زوجه به فرد دیگری تعلق نداشته باشد.

وضع قوانین مربوط به پرداخت مهریه از جمله راهکارهای مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان می‌باشد، اما ضمانت اجرایی آن موید نهایی عدم تضعیف حقوق زنان در مهریه است.

۳-۳- عدم استقلال مالی

یکی از حقوقی که در قرن اخیر در جهت رفع خشونت اقتصادی زنان مطرح شده، حق استقلال اقتصادی زنان است. دین اسلام متمایز از سایر مکاتب از ۱۴ قرن قبل برخلاف عقیده مردم زمان خود استقلال زن را همچون مرد در تملک و تصرف اموالش به رسمیت شناخته و حق مالکیت را از جمله حقوقی میدانند که مشترک بین زن و مرد است. همان گونه که مرد اختیار اموال و دارایی‌های خودش را دارد، اختیار اموال و دارایی‌های زن هم به عهده خود اوست و هیچ کس نمی‌تواند در تصرف و تملک دارایی‌های زن دخالت کند. (وطنی، «بررسی اشتراکات و افتراقات تدابیر مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی»، ۷۴) استقلال در تصرفات مالی، اصل پذیرفته شده در اسلام تحت عنوان قاعده تسلط در مال است که در آن هر انسانی بر اموال متعلق به خود تسلط دارد و به هر صورتی که بخواهد می‌تواند در آنها تصرف کند و اشخاص دیگر نمی‌توانند مانع آن شوند مگر در مواردی که وی شرعاً از تصرف در مال خود منع شده باشد. در این مسئله فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. (طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۲۷۲) قانون مدنی نیز استقلال مالی زنان را به رسمیت شناخته است: زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند. (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی) استقلال مالی زنان موضوعی است که همیشه نادیده گرفته شده است. سراسر تاریخ پر است از مردانی که زنان را همواره تابع خودشان دانسته‌اند. کار زنان شامل ماندن در خانه، آشپزی، نظافت و تربیت فرزندان بود؛ در حالی که مردان کار می‌کردند، خانه می‌ساختند یا شکار می‌رفتند. و با این طرز تفکر زنان را موجوداتی وابسته تلقی نموده‌اند اما از نظر اسلام زنان نیز مانند مردان باید از استقلال مالی برخوردار باشند و در این راستا حقوقی نیز برای ایشان تعریف شده است. نتیجه اینکه به رسمیت شناختن استقلال مالی و وضع قوانین از راهکارهای اسلام در جهت کاهش خشونت اقتصادی علیه زنان است.

۴- انواع خشونت اقتصادی علیه زنان در جامعه و راهکارهای حقوقی آن

افزون بر خشونت‌های اقتصادی علیه زنان در خانواده، در اجتماع نیز اقسامی از این خشونت‌ها علیه زنان وجود دارد که در این مبحث به مواردی اشاره می‌شود.

۴-۱- شرایط کاری انعطاف‌ناپذیر

دین اسلام با وجود اهمیتی که برای نقش زنان در محیط خانواده قائل است، با اشتغال بانوان در خارج از منزل مخالفتی ندارد به شرط آنکه به سلامت اخلاقی و عفت آنان صدمه‌ای وارد

نشود و بنیان خانواده مورد آسیب قرار نگیرد؛ از این رو شرایط کاری زنان باید به گونه ای باشد که آنان را در ایفای مسئولیت های خانوادگی با مشکل مواجه نسازد.

یکی از خشونت های اقتصادی علیه زنان در جامعه، شرایط کاری انعطاف ناپذیرپذیر است. با داشتن ساعت کاری منعطف، زنان می‌توانند مزایای بسیاری داشته باشند. اولین موردی که بسیاری از زنان به آن اشاره می‌کنند، داشتن زمان کافی برای تامین نیازهای خانواده، تعهدات شخصی و مسئولیت های زندگی است که در ساعت کاری منعطف به این موارد دست پیدا می‌کنند.

مطابق ماده ۳۱ قانون مدیریت خدمات کشوری ساعات کار هفتگی بانوان شاغل اعم از رسمی، پیمانی و قراردادی، ثابت و چهل و چهار ساعت در هفته است.

زنان در صورت استفاده از ساعت کار انعطاف پذیر می‌توانند ضمن حفظ حضور خود در جامعه به ایفای بهتر مسئولیت های خانوادگی خویش و همچنین تربیت فرزندان سالم و شایسته که مورد تأکید دین اسلام است بپردازند. بر این اساس توصیه می‌شود برنامه ریزان و مسئولین امر (دولت و مجلس) در جهت تسهیل انعطاف پذیری ساعت کار زنان و تعمیم آن اقدامات لازم را به عمل آورند. بنابراین ضمانت های اجرایی در جهت تسهیل شرایط کاری انعطاف پذیر برای زنان یکی از راهکارهای کاهش خشونت اقتصادی علیه زنان در حوزه اجتماع می‌باشد.

۴-۲- دستمزد و حقوق اندک

یکی دیگر از خشونت های اقتصادی علیه زنان در جامعه پرداخت دستمزد و حقوق اندک در مقابل کار مساوی با مردان است.

در ارتباط با پرداخت مزد یا حقوق به زنان یکی از عمده ترین مسائلی که جلب نظر می‌کند، اصل تساوی مزد در برابر کار مساوی است. تا مدتها پس از انقلاب صنعتی قانونی که اصل مذکور را داشته باشد، وجود نداشت و اغلب کارفرمایان ضعف جسمانی زنان را بهانه کرده و به آنها مزد پایین تری پرداخت می‌کردند. (عزادوره حقوق کار، ۲۲۳)

مردان و زنان باید در برابر کار با ارزش مساوی مزد مساوی دریافت کنند، اصلی است که در سال ۱۹۱۹ در زمره اصول کلی مندرج در متن اولیه اساسنامه سازمان بین المللی کار ذکر گردید و در سال ۱۹۴۶ که این اساسنامه مورد تجدیدنظر قرار گرفت نیز این اصل در مقدمه اساسنامه جدید سازمان بیان شد. (علویون، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، ۱۷۵)

در ماده ۳۸ قانون کار در کشور ایران آمده: «برای انجام کار مساوی و در شرایط مساوی در یک کارگاه باید مزد زن و مرد به طور مساوی پرداخت شود و تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.» (ماده ۳۸ قانون کار)

نتیجه اینکه ضمانت اجرایی قانون دستمزد مساوی بین زنان و مردان از راهکارهای مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان است. اگرچه قوانین حفاظتی برای زنان همواره در طول تاریخ یک موضوع بحث‌برانگیز در جنبش زنان بوده است. مخالفان قوانین حفاظتی بر این عقیده هستند که قوانین تصویب شده برای محافظت از زنان حتی در موارد کاری، مبارزه زنان برای برابری با مردان را بی‌اثر می‌نماید. آن‌ها ادعا می‌کنند که قوانین کار مبتنی بر جنسیت، زنان را به عنوان گزینه‌های ضعیف و بی‌دفاع به حساب می‌آورد و موقعیت‌های شغلی آن‌ها را محدود می‌نماید و همچنین باعث تقویت نظریه ماندن زنان در خانه می‌شود و لذا باید بازنگری شود.

۴-۳- حضور در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد

یکی دیگر از خشونت‌های اقتصادی علیه زنان تبعیض در مشاغل رسمی است و به ناچار بسیاری از زنان مجبور هستند برای کسب درآمد در مشاغل غیر رسمی حضور داشته باشند.

در طی تاریخ بشر زنان همپای مردان در تولیدات مختلف فعالیت داشته‌اند و همواره بخش مهمی از نیروی کار تولیدی را چه در روستاها و چه در شهرها تشکیل داده‌اند. آنها در تولید اقتصادی و اجتماعی سهمیم بوده‌اند ولی متأسفانه در آمارهای اقتصاد کلان به آنها آنچنان که شایسته است، توجه نشده است. از آنجا که توسعه همه‌جانبه یک جامعه با به کارگیری نیروهای فعال آن ممکن است و زنان نیز نیمی از نیروهای مذکور را تشکیل دهند در عین حال تأمین امنیت اقتصادی خانواده به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و تأثیرگذار بر جامعه مطرح می‌شود، لذا توجه به وضعیت اشتغال زنان ضروری است. (اسفندیاری، «اقتصاد غیر رسمی، خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن»، ۲۲)

اشتغال زنان از اوایل دوره صنعتی و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم به نحو چشمگیری افزایش یافته است. رشد اشتغال زنان از آن پس (بعد از پایان جنگ جهانی دوم) با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیک داشته است که در بخش خدمات بیش تر از سایر بخش‌ها و به خصوص مشاغل حرفه‌ای و مدیریتی بوده است. مشاغلی که دستمزدهای اندک دارند و فرصت

کمی برای پیشرفت و ترفیع شغلی وجود دارد. (جعفری مهرآبادی، «ویژگی های اقتصادی- اجتماعی زنان شاغل در بخش غیر رسمی»، ۱۰۹)

حضور زنان در بخش غیررسمی در سراسر جهان زیاد است. این واقعیت اساسی چند جنبه دارد: اول اینکه بخش غیررسمی منبع اصلی اشتغال زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه اکثریت زنان فعال اقتصادی در بخش غیررسمی مشغول به کار هستند. دوم اینکه بخش غیررسمی برای زنان در مقایسه با مردان شغل بیش تری ایجاد می‌کند. در بسیاری از کشورها نسبت زنان کارگر در بخش غیررسمی بیش از مردان است. سومین جنبه از حضور زنان در بخش غیررسمی این است که طبق آمار موجود در کشورهای در حال توسعه به ازای هر ۲۱ نفر زن، ۹ نفر مرد، کل کار غیر کشاورزی را انجام می‌دهند. (همان)

مشارکت زنان در بازار کار ناشی از انگیزه های متفاوتی است که در جوامع گوناگون گاه مشترک و گاه متضادند. صاحب نظران دو انگیزه روانی و اقتصادی را در اشتغال زنان مهم و موثر می‌دانند که با توجه به فرهنگ، سطح سواد و طبقه اجتماعی متغیر است. (نساجی، « زنان؛ اشتغال، خانواده»، ۳)

می‌توان گفت اکثر زنان شاغل در بخش غیررسمی برای کمک به وضع اقتصادی خانواده خواسته یا ناخواسته هر شغلی را حتی با دستمزد کم می‌پذیرند. در واقع زنان به دلیل احساس مسئولیت نسبت به اعضای خانواده خواستار کمک به کسب درآمد خانواده هستند و اغلب آنان به دلیل کمبود فرصت اشتغال در بخش رسمی وارد بخش غیررسمی می‌شوند. عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که زنان را مجبور به اشتغال در بخش غیررسمی و مشارکت در سایر فعالیتهای کم درآمد می‌کند. زنان مشاغل خانوادگی را ترجیح دهند و کمبود خدمات مراقبت از کودک و پرستاری با قیمت مناسب از جمله عوامل حضور زنان در مشاغل غیر رسمی می‌باشد. هم چنین تبعیض های جنسیتی در بازار کار عوامل فرهنگی در بعضی از کشورها که قابلیت جابه جایی زنان را کاهش می‌دهند، مسئولیت پذیری زنان نسبت به خانواده و فرزندانشان منجر به حضور زنان در مشاغل غیر رسمی است. نتیجه اینکه با توجه به عوامل گرایش زنان به مشاغل غیر رسمی، چنانچه زمینه ای فراهم شود تا بانوان بتوانند در مشاغل رسمی حضور بیشتری داشته باشند می‌توان با این خشونت اقتصادی مقابله کرد و لزوم اجرایی شدن این طرح منوط به قانون گذاری است. (جعفری مهرآبادی، ویژگی های اقتصادی- اجتماعی زنان شاغل در بخش غیر رسمی»، ۱۰۹)

۴-۴- تبعیض در اشتغال

فعالیت انسان، به منظور تولید با تغییر شکل یا انتقال اشیاء و حاصل فعالیت مذکور «کار» نامیده می‌شود. کار را نباید با اشتغال یکسان دانست. کار از اول حیات بشری وجود داشته است، در حالی که اشتغال، پدیده‌ای جدید و مدرن است. کار و فعالیت، احتیاج به انگیزه ندارد؛ چون به تداوم حیات بشر مربوط می‌شود ولی در اشتغال، موضوع فرق می‌کند و انگیزه و خیزش لازم است. یکی از مباحث مطرح شده در اشتغال، اشتغال زنان است که تأثیرات نسبتاً گسترده‌ای را به دنبال آورده و دگرگونی‌های بنیادی در ساختار جامعه ایجاد کرده است. (میشل، جنبش اجتماعی زنان، ۲۴)

اشتغال، لازمه زندگی بشر است؛ زیرا دوام جامعه و زندگی فرد مستلزم کار و فعالیت است. اشتغال علاوه بر تأمین معاش، تقویت روحیه، احترام، اعتماد به نفس و سلامت را به همراه دارد.

یکی از مسائل چالش برانگیز در بحث اشتغال، عدم تبعیض و برابری جنسیتی است. برابری در محیط کار یعنی کارکنان سازمان فارغ از جنسیتشان، در سازمان منابع و فرصت‌های یکسانی برای پیشرفت و کسب پاداش داشته باشند. این یعنی کارمندانی که نقش‌های مشابه دارند و کارهای شبیه به یکدیگر انجام می‌دهند، باید حقوق یکسان دریافت کنند. همچنین همه کارمندان باید فرصت ارتقای شغلی و پیشرفت را داشته باشند. در سازمان‌های برابر، تنها معیار ارتقای شغلی شایستگی و توانمندی‌های افراد است نه جنسیتشان.

در کار و اشتغال از جنسیت به عنوان ملاکی برای تبعیض بیش از تفاوت‌های دیگر اجتماعی بهره جویی می‌شود. تقسیم کار جنسیتی، از مسائل عام و جهان شمولی است که در تمام جوامع و در طول تاریخ وجود داشته است و دارد اما اشکال متفاوت و مختلف مجموعه کارهای زنانه و مردانه گویای این واقعیت است که تقسیم کار جنسیتی امر اجتماعی است نه طبیعی. معمولاً کارفرمایان زنان را در زمینه‌های مختلف استثمار کرده و برای کسب سود بیشتر با پرداخت دستمزد کمتر نسبت به مردان از نیروی کار زنان بهره می‌برد. در شرایط بحرانی و تعدیل نیروی کار اخراج زنان از مراکز تولیدی و صنعتی بیش از مردان بوده است. (بلوردی، «بررسی فقهی و حقوقی تبعیض شغلی زنان با تأکید بر امنیت شغلی»، ۳۱)

برای جلوگیری از تبعیض در اشتغال در قانون مدنی مواردی بیان شده است: بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» تأکید دارد. اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«استفاده مساوی از تمام فرصت‌های شغلی موجود در جامعه، از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان محسوب شده که اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدان اشاره دارد همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانونی قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار می‌گردند.»

نتیجه اینکه اگرچه در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی موادی تحت حمایت از اشتغال زنان و عدم تبعیض وجود دارد؛ اما هم‌چنان تبعیض در این زمینه وجود دارد لذا با وضع جرائم و قوانین سخت‌گیرانه می‌توان تا حدودی آن را محدود نمود.

۵- نتیجه

با بررسی‌های انجام‌گرفته مشخص گردید، خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و به علت صرفاً زن بودن مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس مخالف قرار می‌گیرد. به‌طور کلی هر نوع عمل یا رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی و روانی یا محرومیت و عذاب زن منجر شود خشونت علیه زنان گفته می‌شود. خشونت اقتصادی علیه زنان یکی از انواع خشونت است که کمتر شناخته شده است. خشونت اقتصادی علیه زنان در حوزه خانواده و اجتماع قابل طرح است. عدم پرداخت نفقه، مهریه و استقلال مالی از انواع خشونت اقتصادی در حوزه خانواده و شرایط کاری انعطاف‌ناپذیر، دستمزد و حقوق کم، حضور در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد و تبعیض در اشتغال از انواع خشونت اقتصادی در حوزه اجتماع است. یافته‌های نشان می‌دهد اگرچه در هر دو حوزه خانواده و جامعه قوانینی برای کیفیت اقتصاد زنان وضع شده و عدم رعایت آن‌ها جرم تلقی می‌شود اما در بسیاری از موارد با بی‌توجهی افراد، آسیب‌های اقتصادی متوجه زنان است. مثلاً در باب پرداخت مهریه و نفقه اگرچه حقوق مسلم زن است اما بسیاری از مردان آن را حق زن تلقی ننموده و از پرداخت آن جلوگیری می‌کنند یا در سطح جامعه پرداخت حقوق کم در مقابل کاری که زنان انجام می‌دهند، بسیار مشهود است. نتیجه اینکه قوانین وضع شده با کاستی‌هایی روبروست که نتوانسته‌اند آنطور که شایسته است حقوق اقتصادی زنان را تامین کند؛ لذا نیازمند بازنگری است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. اسفندیاری، علی اصغر و همکاران، «اقتصاد غیر رسمی، خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن»، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ش ۴، ۱۳۹۲.
۲. بلوردی، طیبه، «بررسی فقهی و حقوقی تبعیض شغلی زنان با تاکید بر امنیت شغلی»، فصلنامه زن و جامعه، س ۱۱، ش ۳، ۱۳۹۹.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: بی نا، ۱۳۴۶.
۵. جعفری مهرآبادی، مریم و محمدزاده، ربابه، «ویژگی های اقتصادی-اجتماعی زنان شاغل در بخش غیر رسمی»، فصلنامه آمایش محیط، ش ۳۷، ۱۳۹۴.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۷. رضوانی، علی اصغر، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۶.
۸. عراقی، عزت الله، دوره حقوق کار، تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۶.
۹. علویون، محمدرضا، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۸۱.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: بهبودی، ۱۳۵۱.
۱۱. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذهب الخمسه، بیروت: دار التیار، ۱۴۲۱ق.
۱۲. میشل، آندره، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: نیکا، ۱۳۷۷.
۱۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بی جا: اسلامیه، ۱۳۹۲.
۱۴. نساجی، زهرا، «زنان؛ اشتغال، خانواده»، فصلنامه درس هایی از مکتب اسلام، ش ۶، ۱۳۸۴.
۱۵. وطنی، امیر و دیگران، «بررسی اشتراکات و افتراقات تدابیر مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان در اسلام و اسناد بین المللی»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ش ۱، ۱۴۰۲ق.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

مقایسه تطبیقی وجوب و حدود جهاد زن و مرد صص ۵۶-۴۱


فرشته رضایی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

جهاد مبارزه کردن در راه خدا با جان و مال با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن است. جهاد از مسائل مورد توجه در دین اسلام و یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی هر مسلمان است. جهاد به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود که هر یک دارای آداب و احکام خاصی است. یکی از مسائل مطرح شده در باب جهاد، وجوب و حدود جهاد زن و مرد است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت پذیرفته حاکی از آن است که وجوب جهاد ابتدایی مختص مردان است. اگرچه زنان در اموری غیر از میدان نبرد نظیر مشورت، پرستاری، کمک در پشت جبهه و... می‌توانند از فضیلت جهاد بهره‌مند شوند. اما در وجوب جهاد دفاعی بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد شکی نیست و برای دفاع از جان، مال، آبرو و... همگان باید در میدان نبرد حاضر شوند.

کلید واژه‌ها: جهاد، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، فقه، وجوب.

^۱. دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون  Fereshte.shahideh@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از احکام اجتماعی اسلام که از ضروریات شریعت اسلامی می‌باشد، مساله «جهاد» است. جهاد از ریشه جهد گرفته شده است که به معنای تلاش و کوشش بسیار، همچنین به معنای، مبالغه و بذل نهایتِ توان در راه جنگ می‌باشد.

معنای شرعی و اصطلاحی آن عبارت است از بذل مال و جان در راه اعتلای دین اسلام و برپا داشتن شعائر دینی که به دو نوع جهاد ابتدائی و جهاد دفاعی تقسیم می‌شود. در تعریف جهاد ابتدائی مسلمان می‌تواند ابتدا به مشرکان حمله و هجوم برده و آنها را نابود سازند و در جهاد دفاعی نیز مسلمان در برابر حملات و هجوم دشمن اقدام به جنگ و دفاع نماید. مکتب اسلام یک مکتب جامع و غنی است که در آن هم قشر زنان و هم مردان، سهم دارند و چرخ زندگی جامعه را هر دو قشر از جامعه می‌چرخانند و اسلام عنایات و توجهش را از هیچ کدام فروگذار نکرده است. جهاد نیز از این قانون مستثنی نیست، گرچه جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست؛ اما در جهاد دفاعی، زنان نیز همانند مردان موظف به دفاع از اسلام و حکومت اسلامی می‌باشند.

جهاد به عنوان یک حق طبیعی و مقدس حیات می‌باشد. از این رو آنجا که به عنوان یک حق حیات اجتماعی و در راستای دفاع از اسلام و ارزشهای اسلامی باشد، بر همه مردان و زنان واجب است از خود بلاد اسلامی و ارزشهای دینی دفاع کنند؛ زیرا دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است.

با تدبر در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام روشن می‌شود بسیاری از آیات جهاد، عام هستند که زنان و مردان را در بر می‌گیرد، مانند آیه ۷۲ انفال که می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَ هَاجِرٌ وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...؛ همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند» و نیز روایتی از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید: «أَجْوَدُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى؛ سخاوتمندترین مردم آن کسی است که جان و مال خود را جوانمردانه در راه خدای متعال تقدیم نماید.» (مستدرک، ج ۱۱، ص ۸) با توجه به اینکه در آیه و روایت از واژگان آمنوا و الناس استفاده شده، مشخص می‌شود شامل عموم زنان و مردان است.

با بررسی روایات مشخص می‌شود که جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست، مانند سخن امام امام علی علیه‌السلام در بخشی از حکمت ۱۳۶ «نهج البلاغه» که می‌فرماید: «وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنٌ

التَّبَعْلُ؛ جهادِ زن، شوهرداری شایسته است». بنابراین جمع بین آیات و روایات مشخص می‌شود، منظور از عام بودن جهاد، جهاد دفاعی است.

با استفاده از منابع و ادله قرآنی، شخصیت و جایگاه والای زنان به عنوان اعضای تشکیل دهنده‌ی جامعه اسلامی مشخص می‌شود ولی با وجود ایفای نقش زنان در تمام صحنه‌ها هنوز ابهاماتی پیرامون وجود و حدود جهاد زن و مرد، وجود دارد. با توجه به سوالات فراوانی که در این خصوص مطرح است بر ضرورت موضوع می‌افزاید و باعث می‌شود که با مطالعه دقیق‌تر مساله مورد نظر ضروری شود؛ لذا این تحقیق عهده دار بررسی تطبیقی وجود و حدود جهاد زن و مرد می‌باشد.

پیشینه

گرچه در این زمینه مستقلاً تحقیقی که عین موضوع مورد نظر باشد، صورت نگرفته است. اما از آنجا که آیات فراوانی در قرآن در زمینه ی جهاد وجود دارد پس می‌توان گفت سابقه این مسئله به نزول قرآن در صدر اسلام مربوط می‌شود. در این میان تلاش‌هایی صورت گرفته که هر کدام از بعدی به این موضوع پرداخته اند، برای نمونه کتاب «زن در آئینه جلال و جمال»، اثر عبدالله جوادی آملی که در سال ۱۳۷۷ به رشته ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. در کتاب مذکور، نگارنده در فصل چهارم به مساله زن و جهاد پرداخته است و هم چنین به حضور فعال زنان در جبهه اشاره می‌کند.

کتاب «جنگ و جهاد در قرآن»، اثر نمایندگی ولی فقیه در سپاه که در سال ۱۳۸۳ به رشته ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. پژوهش مذکور، با تقسیم شرکت زنان در جبهه به دو گونه مستقیم و غیر مستقیم؛ به جهاد ابتدایی و دفاعی می‌پردازد.

کتاب «جهاد»، اثر حسین نوری که در سال ۱۳۹۱ به رشته ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در کتاب مذکور، با بررسی جهاد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه و روایات نقش جهاد را در هر حوزه ای واضح بیان می‌کند.

پایان نامه «قلمرو فعالیت‌های سیاسی زنان در قرآن» اثر زهرا جمال آبادی که در سال ۱۳۹۹ به رشته ی تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در گفتار چهارم این پژوهش انواع جهاد بیان شده و دو گونه جهاد ابتدایی و دفاعی با بیان نمونه های تاریخی تبیین می‌گردد.

پایان نامه «جهاد زن از منظر قرآن و روایات»، اثر زهرا سیاهوشی، که در سال ۱۴۰۰ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-

تحلیلی و با استفاده از قرآن، تفاسیر معتبر، کتاب‌های حدیثی و تاریخی به روش کتابخانه‌ای به بررسی جهاد زن در قرآن و روایات می‌پردازد.

پایان نامه «بررسی جهاد ابتدایی و دفاعی و تفاوت حکم آن دو در زمان حضور و غیبت امام معصوم»، اثر زهره نعیمی که در سال ۱۳۹۱ به رشته تحریر در آمده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. این تحقیق که به روش تحلیلی و استنباطی نگاشته شده، تلاشی است برای بازخوانی برخی از مباحث جهاد از منظر فقه شیعه با عنایت به پرسش‌هایی مانند: جهاد ابتدایی و نسبت آن با دعوت اسلامی و آزادی عقیده، دفاع مشروع از سرزمین‌های اسلامی و سرنوشت جهاد در عصر غیبت.

مقاله «نگاهی نو به حکم فقهی جهاد زن»، اثر حمید مسجدسرای و دیگران که در سال ۱۴۰۱ به رشته تحریر در آمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این پژوهش اشاره دارد که جهاد ابتدایی از زن ساقط شده است، ولی می‌تواند در جهاد دفاعی ایفای نقش کند.

مقاله «جهاد زن با رویکردی بر جهاد اقتصادی»، اثر زهره نیک فرجام که در سال ۱۴۰۰ به رشته تحریر در آمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در این پژوهش با اشاره به این که زنان حق اشتغال دارند، جهاد را میان زن و مرد مشترک می‌داند و بیان می‌کند که انجام بسیاری از کارها در خانه توسط زنان حکم جهاد دارد و با بیان آیات و روایاتی حکم اشتغال و جهاد اقتصادی زنان را ثابت می‌کند.

مقاله «حضور نظامی زنان در صدر اسلام» اثر سهیلا جلالی کندی که در سال ۱۳۹۹ به رشته تحریر در آمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این پژوهش به نقش زنان در جبهه‌های نبرد می‌پردازد و جهاد نظامی زنان را به کمک‌های تدارکاتی پشت جبهه و نبرد مستقیم تقسیم می‌کند.

با بررسی آثار در حد احصاء، مشخص می‌شود؛ پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر در زمینه‌ی مفهوم جهاد و انواع آن صورت گرفته و پیرامون مساله جهاد زنان و وجوب و حدود آن بحثی به میان نیامده است؛ پژوهش حاضر ضمن تبیین موارد مذکور به بررسی تطبیقی وجوب و حدود جهاد زن و مرد می‌پردازد.

۲- مفهوم شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی از باب مقدمه ضرورت دارد، مفاهیم اصلی تبیین شود؛ لذا در ذیل به مفهوم واژه جهاد و وجوب بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱- واژه جهاد

جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی است. جهاد واژه‌ای عربی و از ریشه جهد به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی است. ابن‌اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ذیل «جهد»؛ جوهری، الصحاح، ذیل واژه)

مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و یاغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن. (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳ هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، ج ۱، ص ۴۴)

گفتنی است در متون دینی، علاوه بر معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به مفهوم لغوی و عام خود نیز بسیار به‌کار رفته است، مانند کاربرد تعبیر «جهاد اکبر» در باره مجاهدت و تلاش نفس در برابر شیطان و هوای نفس. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶)

۲-۲- واژه وجوب

وجوب در لغت به معنی ثبوت، لزوم و سقوط است. (ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۱، ص ۱۵)
وجوب، از اقسام احکام الزامی بوده و عبارت است از حکم تکلیفی شرعی که شارع به طور جزم و الزام، انجام متعلق آن را از مکلف خواسته و راضی به ترک آن نیست، و برای عمل به آن پاداش و برای ترکش کیفر قرار داده است مانند: وجوب نماز، روزه و ادای امانات. (سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۹۹)

۳- انواع جهاد

خداوند در آیات بسیاری مردم را به امر جهاد دعوت و تشویق می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما». (نساء: ۷۵) این آیه با استفهام «ما لکم» همه مؤمنان را - اعم از کسانی که ایمانشان خالص است و کسانی که ایمانشان خالص نیست - به جهاد تشویق می‌کند؛ مؤمنان خالص را با یاد خدا و اینکه برای اقامه حق، دعوت پروردگارش را اجابت کنند،

برمی‌انگیزد و مؤمنان ناخالص را- در صورتی که یاد خدا آنان را به حرکت و اندارد- این گونه تحریک می‌کند که برای رهایی مردان، زنان و کودکان مستضعفی که در چنگال ستمکاران اسیرند، غیرت و تعصب به خرج دهید و آنان را با جهاد آزاد کنید. (تقی زاده اکبری، سیری در آیات جهاد، ج ۱، ص ۴۰)

هم چنین در آیه ۹۵ سوره نساء آمده: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ مؤمنانی که بدون عذر و ضرر (مثل بیماری و معلولیت) از جهاد بازنشسته‌اند، با مجاهدانی که با اموال و جانهای خویش در راه خدا جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، جهادگران با اموال و جانشان را بر وانشستگان (از جنگ) به درجه‌ای برتری داده است. خداوند همه مؤمنان را وعده‌ی (پاداش) نیک‌تر داده است، ولی خدا مجاهدان را بر وانشستگان، با پاداش بزرگی برتری داده است.» (نساء: ۹۵)

این آیه درصدد تشویق مؤمنان به جهاد است و می‌خواهد روح ایمان آن‌ها را بر سبقت گرفتن در خیر بیدار کند. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۴۶)

صاحب تفسیر المیزان معتقد است برتری کسانی را که در راه خدا جهاد کردند، شهید شدند یا بر دشمن پیروز گردیدند بر کسانی که در این امر شرکت نکردند، انکار شدنی نیست. حتی اگر کسانی که جهاد نکرده‌اند، عذر موجه داشته باشند. (همان) جهاد از دیدگاه اسلام دارای اقسامی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی. در ادامه به تبیین این اقسام پرداخته می‌شود.

۳-۱- ابتدایی

جهاد ابتدایی، را جهادی دانسته‌اند که از سوی مسلمانان برای گسترش اسلام آغاز می‌شود، در واقع جهاد ابتدایی به معنای آغاز جنگ از سوی مسلمانان علیه مشرکان و کفار، با هدف گسترش اسلام و برقراری توحید و عدالت است (مؤمن، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، ص ۳) و از واجبات کفایی است. (مفتح، «جهاد ابتدایی در قرآن و سیره پیامبر»، ص ۸) بیشتر عالمان شیعه و به‌ویژه فقهای سده‌های نخست هجری، معتقدند جهاد ابتدایی با سه گروه واجب است؛ کفار، گروهی از اهل کتاب که پرداخت جزیه و زندگی با قوانین حکومت اسلامی را نمی‌پذیرند و همچنین کسانی که به بغی و محاربه می‌پردازند.

دین اسلام برای جهاد ارزش فراوانی قائل است و جهاد و پیکار در راه خداوند را مایه نجات انسانها و حفظ حقوق آنان می‌داند. اسلام معتقد است که جهاد در راه خداوند خواه برای دفاع از جامعه اسلامی و حمایت از مظلومان و خواه برای حفظ دین و گسترش آن در سرزمینهای دیگر باشد، در هر حال دفاع از حقوق انسانها محسوب می‌شود.

بنابر نظرات مشهور عالمان شیعه، جهاد ابتدایی سه شرط دارد:

اول اینکه حضور معصوم: بنابر این شرط، در صورت عدم حضور معصوم، مانند زمان غیبت، جهاد ابتدایی جایز نیست. دوما قدرت کافی مسلمانان برای آغاز جهاد. ثالثا دعوت کفار به اسلام و اتمام حجت با آنها، پیش از آغاز جنگ. (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ص ۱۳۹)

حضور امام معصوم و اجازه وی، بنابر قول مشهور فقهای شیعه از جمله شیخ طوسی، قاضی ابن براج، ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی و صاحب جواهر، شرط انجام جهاد ابتدایی است. (جاوید و محمد دوست، «حقوق بشر معاصر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر»، صص ۱۳۴-۱۲۹)

با این حال برخی از فقها مانند شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، و سلار دیلمی، حضور امام معصوم را شرط جهاد ابتدایی نمی‌دانند از این رو انجام آن در زمان غیبت را جایز می‌شمرند. (همان، صص ۱۲۷-۱۲۹)

برخی فقهای معاصر از جمله سید ابوالقاسم خویی (رئیس زاده، «خویی، ابوالقاسم»، دانشنامه جهان اسلام، ۵۱۸) و محمد مؤمن هم شرط حضور امام معصوم را بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان، غیر قابل اثبات دانسته و معتقدند جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم هم، به شرط فراهم بودن شرایط، واجب است. (مؤمن، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، ص ۵۱)

۲-۳- دفاعی

جهاد دفاعی عبارت است از پیکار با هدف دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی در برابر دشمن مهاجمی که اساس اسلام را تهدید می‌کند یا قصد استیلا بر سرزمین‌های اسلامی و ناموس و اموال مسلمانان یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد. (ابن براج، المهذب، ج ۱، ص ۲۹۷؛ شهید ثانی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، ج ۲، ص ۳۸۱)

جهاد دفاعی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از جهاد ابتدایی متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: عدم اشتراط حضور امام علیه السلام یا نایب خاص او؛ برخلاف جهاد ابتدایی. و جوب بر هر فرد توانمند؛ اعم از مرد و زن، پیر و جوان و غیر آنان؛ برخلاف قتال ابتدایی که بر گروهی واجب نیست. اختصاص و جوب به صورت بیشتر از دو برابر نبودن شمار کفار نسبت به مسلمانان در قتال ابتدایی، برخلاف قتال دفاعی که ملاک و جوب، توانایی بر جنگیدن است؛ هرچند شمار دشمن بیش از دو برابر خودی باشد. جواز جهاد دفاعی در ماه‌های حرام و عدم جواز جهاد ابتدایی در آنها و نیز عدم و جوب دعوت به اسلام در جهاد دفاعی؛ بر خلاف جهاد ابتدایی. اختصاص و جوب جهاد ابتدایی به یک بار در سال بنا بر قول گروهی؛ بدین معنا که در یک سال دو بار جهاد ابتدایی واجب نیست؛ برخلاف جهاد دفاعی. (کاشف الغطاء، کشف الغطاء عَنْ مُبَهَمَاتِ الشَّرِيعَةِ الْغَرَاءِ، ج ۴، ص ۲۹۰؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۹)

با مقایسه احکام جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی (مثل جواز جهاد دفاعی در ماه‌های حرام و عدم جواز جهاد ابتدایی در آنها، و جوب دفاع بر هر فرد توانمند؛ اعم از مرد و زن، پیر و جوان و غیر آنان؛ برخلاف جهاد ابتدایی که بر گروهی واجب نیست، عدم و جوب دعوت به اسلام در جهاد دفاعی؛ بر خلاف جهاد ابتدایی، اختصاص و جوب جهاد ابتدایی به یک بار در سال بدین معنا که در یک سال دو بار جهاد ابتدایی واجب نیست؛ برخلاف جهاد دفاعی که هر گاه لازم باشد واجب است) به خوبی بر می‌آید که جهاد دفاعی از جهاتی بر جهاد ابتدایی ترجیح دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جهاد ابتدایی به منظور دعوت کار به اسلام و گسترش دامنه اسلام است، اما جهاد دفاعی به منظور جلوگیری از محو اسلام و از بین رفتن جامعه اسلامی و حراست از استقلال، جان، مال و ناموس مسلمان‌ها است.

۴- حکم و حدود جهاد زن

یکی از مباحث مطرح شده در بحث جهاد ابتدایی و دفاعی نقش زنان است. اینکه و جوب جهاد در کدام یک از اقسام جهاد برای زنان ثابت است، از سوالات مطرح شده در باب جهاد است. در ادامه به جهت پاسخگویی به مباحث ذیل پرداخته می‌شود.

۴-۱- در جهاد ابتدایی

و جوب جهاد ابتدایی منوط به تحقق این شرایط است: بلوغ، عقل، آزاد بودن (حریت)، مرد بودن و معذور نبودن بنا بر این، جهاد ابتدایی بر نابالغ، دیوانه، برده، زن، پیرمرد و معذور از شرکت

در امر جهاد، مانند کور، زمین‌گیر، نقص عضو و بیمار ناتوان از سوار شدن بر مرکب و دویدن و همچنین فقیر ناتوان از تأمین مخارج خانواده خویش و نیز هزینه‌های راه و تهیه سلاح واجب نیست. (طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲)

اگر اشتغال به نبرد و جنگ در جبهه از زنان برداشته شده، ولی شرکت آنان در جنگ به جهت کمک رسانی و مداوا برداشته نشده است. همان گونه که در برخی از جنگ‌های رسول خدا ﷺ زنان در این زمینه حضور فعال داشته و برخی از یاران امام زمان علیه السلام نیز از زنانند که در این زمینه از آنان استفاده می‌شود.

علامه طباطبایی (رحمه الله) می‌فرماید: «اجازه ندادن به زن برای شرکت در جهاد تنها در مورد جنگ و قتال است نه این که او از مطلق حضور و کمک کردن در امور منع شده باشد». (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۷۳)

با توجه به شواهد تاریخی می‌توان حضور زنان را در میدان جهاد اثبات نمود. به طور مثال ام عماره در چند غزوه برای کمک به زخمیان حضور داشت و به ویژه در غزوه احد، چون پیامبر ﷺ را در تنگنا دید، جان فشانی بسیار از خود نشان داد، چنان که زخم‌های زیادی برداشت و به همین سبب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را ستایش و سپس از وی عبادت کرد. وی اگرچه به سبب زخمهایی که در اخذ برداشته بود، از شرکت در غزوه حمراء الاسد بازماند؛ اما در برخی از دیگر غزوات و حوادث از جمله غزوه خیبر و غزوه حنین، همراه لشکریان اسلام بود. ام عماره در دوره خلافت ابوبکر، در جنگ یمامه نیز شرکت جست و در همین جنگ یک دست خود را از دست داد. (سیاهوشی، «جهاد زن از منظر قرآن و روایات»، ص ۶۴)

ایفای نقش فرماندهی زنان نمونه‌ی دیگری از فعالیت زنان است. زنان می‌توانند به عنوان فرمانده حاضر شوند؛ می‌توانند نقشه‌ی نظامی داشته باشند و هر جا بایسته بود آن را به کار گیرند و لذا حکم از اینجا مشخص می‌شود. برای مثال: در جنگ جمل هنگامی که عایشه و یارانش شکست خوردند حضرت علی علیه السلام مخفیانه به چهل زن از زنانی که در جنگ جمل حضور داشتند دستور داد لباس مردان بپوشند و با هیئت نظامی عایشه را تا مدینه همراهی و از او محافظت کنند تا جایی که عایشه گمان کرد که حضرت علی علیه السلام حرمت او را شکسته و مردان نامحرم را برای محافظت از او فرستاده اما در پایان سفر متوجه سیاست حضرت علی علیه السلام در این زمینه، شد با توجه به اهمیت موضوع این چهل نفر به گونه کامل از فنون نظامی آگاهی داشته و آموزش نظامی دیده بودند، چرا که بسیاری از فراریان جنگ جمل ممکن بود به عایشه بپیوندند و دوباره فتنه‌ای

جدید به وجود بیاید بنابراین آنان باید مبارزه می‌کردند چنین گروهی نیز باید فرماندهی داشته باشد تا آنان را مدیریت کند. بنابراین این مسئله مورد تایید امام علیه السلام بوده است. (همان، ص ۶۵)

۴-۲- در جهاد دفاعی

برای جهاد دفاعی بسیاری از شرایط مذکور از جمله اجازه امام لازم نیست، زیرا دفاع از جان و مال و حیثیت مسلمانان بر هر مسلمانی که توان دفاع دارد، در هر شرایطی واجب است. (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۳۷)

جهاد دفاعی تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته اند، بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته اند، دفاع کنند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نمایند به خصوص اگر کسانی که مورد حمله قرار گرفته اند توانایی مقاومت در برابر مهاجمان را نداشته باشند.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در احادیثی چون «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم؛ کسی که بشنود مردی مسلمانان را به کمک می‌خواند پس او را اجابت نکند، مسلمان نیست.» (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۱۹) و «من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم؛ کسی که روز خود را بدون توجه به کارها و گرفتاری های مسلمانان آغاز کند، مسلمان نیست.» (همان، ج ۲، ص ۱۶۳) و «المؤمنون اخوه تنکافی دمائهم وهم ید علی من سواهم؛ مؤمنان خون هایشان در سطح هم است، و آنان در برابر دیگران یکپارچه و یک دست اند، و کوچکترین آنان ذمه دیگران را به عهده می‌گیرد.» (همان، ج ۱، ص ۴۰۴)

مسئولیتی همگانی را برای مسلمانان اثبات می‌کند.

ابوالصلاح حلبی می‌نویسد: «اگر خطر از جانب بعضی از کافران یا محاربان بر سرزمین های اسلامی متوجه شود بر اهل هر منطقه دفاع از دار الایمان و جنگ با کسانی که در نزدیکی آنها هستند واجب است و بر کسانی که در مناطق دوردست زندگی می‌کنند، واجب است به نزدیک ترین مرزهای نبرد با کفار کوچ کنند البته مشروط بر اینکه مناطق درگیر با کفار نیازمند یاری آنها باشند تا بدین وسیله هر منطقه ای از سرزمین های اسلامی از وجود مجاهدان و مدافعان از حریم اسلام و مسلمین برخوردار شود و در این صورت بر دیگران که در مناطق دور زندگی می‌کنند کوچ ساقط شود.» (حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۲۴۶)

شهید ثانی با صراحت اعلام می‌کند که «جهاد دفاعی تنها بر مسلمانانی واجب نیست که مورد هجوم دشمن اند بلکه بر هر کسی که خبر از وضعیت مسلمین دارد، واجب است.» (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۸)

کاشف الغطاء نیز آن را بر همگان واجب کفایی شمرده است و مادامی که به مقدار نیاز به دفاع برخاسته باشند، تکلیف از هیچ کس ساقط نمی‌شود. (کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ص ۲۹۱)

بنابر آنچه گذشت، معلوم گردید جهاد دفاعی یکی از مهمترین ارکان دینی است و وجوب آن از ضروریات اسلام به شمار می‌رود. اگر از زن، جهاد و جنگ با مشرکان برداشته شده است این در جنگ‌های ابتدایی است نه جنگ‌هایی که حکم دفاع را دارد؛ زیرا در این نوع جنگ‌ها شرکت زن و مرد به مقدار کفایت واجب است (سایت آئین رحمت) لذا جهاد دفاعی بر زنان نیز واجب است. بنابر این زنان نیز می‌توانند برای حفظ جان خود و سایر مسلمانان از خود دفاع کنند و با تعلیم آموزش نظامی و سایر آموزش‌های مورد نیاز از کیان اسلام در مواقع ضرورت دفاع نمایند. هم چنین زنان می‌توانند در پشت جبهه به کارهای جهادی بپردازند و با رساندن تدارکات و آب و غذا و همچنین مداوای مجروحان و پرستاری به فعالیت‌های جهادی بپردازند.

۵- حکم و حدود جهاد مرد

در این بخش به حکم و حدود جهاد ابتدایی و دفاعی برای مردان پرداخته می‌شود.

۵-۱- در جهاد ابتدایی

همانطور که در مباحث قبلی آمده، یکی از شرایط تحقق جهاد ابتدایی مرد بودن است. (ر.ک: طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲) جهاد ابتدایی آن است که برای برداشتن موانع دعوت به اسلام انجام شود و سپاه اسلام بدون آن که حمله‌ای از سوی دشمن شده باشد با هدف از بین بردن موانع تبلیغ اسلام و برداشتن موانع مسلمان شدن سرزمین‌های دیگر و گسترش اسلام و اعلای کلمه‌ی حق و برپایی شعائر دینی و هدایت کفار و مشرکان و برانداختن شرک و بت‌پرستی به جنگ و جهاد بپردازند. در حقیقت هدف از جهاد ابتدایی کشور گشایی نیست، بلکه دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که به توسط قدرتهای کفر و شرک و استکبار از خدا پرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند، (سایت KHAMENEI.ir) لذا بر مردان واجب است که جهاد کنند.

در تحقق حاکمیت دین اسلام جهاد ابتدایی لازم و وجوب آن اثبات می‌شود. همانگونه که خداوند متعال در آیه ۱۹۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ

فَإِنْ أَنْتَهُوْا فَلَا عُدُوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و با آنها بجنگید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.» (بقره: ۱۹۳) در خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز در این باره آمده و حضرت فرمودند: «فرض الله الإیمان تطهیر من الشکرک... و الجهاد عزا للاسلام؛ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۳) خداوند ایمان را برای پاک شدن از شر و جهاد را برای عزت اسلام واجب گردانیده لذا اسلام با جهاد، عرت بیشتری پیدا می‌کند.»

۵-۲- در جهاد دفاعی

اولین آیه ای که بنا بر قول بعضی از مفسران^۱ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۶۲) پس از تحمل سال‌ها شکنجه و اذیت و آزار مشرکین بر پیامبر ﷺ و مسلمانان نازل شد و ایشان را به مقابله با مشرکان فراخواند، آیات ۳۹-۴۰ سوره حج است: «أَنْ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ هُوَ الَّذِي أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَ بِيَعَ وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدَ يَذْكَرُ فِيهَا اسْمَ اللّٰهِ بِيْرٍ وَ يَنْصُرُ اللَّهُ مَن يَنْصُرُ إِنْ اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (مظلومان مورد تهاجم) کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد، و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است.» (حج: ۳۹-۴۰)

در این آیه، خداوند سبحانه به کسانی که تحت ظلم و ستم قرار گرفته اند، اذن جنگ و جهاد داده است. شأن نزول آیه مسلمانانی بودند که از شهر و دیار خود - مکه - اخراج شدند و اموالشان توسط مشرکان آن دیار مصادره شد. از این رو مصداق مظلومان در این آیه، کسانی هستند که به ناحق از سرزمینشان - تنها به جرم آنکه دعوت حق را لبیک گفته اند و به اسلام گرویده اند و خداوند سبحانه را پروردگار خود خوانده اند - بیرون رانده شدند. (طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴۳) از این آیه به خوبی بر می‌آید که بیرون راندن مردم از سرزمینشان از مصادیق آشکار ظلم است و جنگ با دشمن مهاجم و ستمگر حق مشروع ستمدیدگان از هر آیینی

است؛ «بائهم ظلموا»؛ از این رو حتی اگر عده‌ای غیر مسلمان تحت ستم قرار گیرند و به ناحق از خانه، کاشانه و سرزمینشان اخراج شوند، حق جهاد دفاعی برای آنان محفوظ است.

از جمله «الذین یقاتلون» بر می‌آید که مراد از این اذن، اذن به قتال است و به همین جهت فرمود: «اذن للذین آمنوا بلکه فرمود: اذن للذین یقاتلون».. یقاتلونه که معنایش اینست: کسانی که مورد کشتار مشرکین واقع شده اند (یعنی کسانی که مشرکین ایشان را می‌کشند) و فلسفه این اجازه هم همین است که مشرکان آغاز به این عمل کردند، و اصولاً خواستار جنگ و نزاعند. (همان)

آیه دیگری که ظهور روشنی در وجوب جهاد دفاعی دارد و مجوز جنگ با کفار محارب است آیات ۱۹۰-۱۹۱ سوره بقره است: «... وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ اخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ؛ او در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و (وقت جنگ از حدود شرعی و قوانین عقلایی جنگ) تجاوز نکنید (بدون عذر قانونی حمله ننمایید، با هم پیمان متارکه نجنگید، ضعیفان بی آزار را مکشید، کشته‌ها را مثله نکنید و اموال را بی جهت اتلاف ننمایید) که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. و هر جا به آنها (به مشرکین مکه) دست یافتید آنها را بکشید، و از جایی که شما را بیرون راندند (از مکه بیرون رانید، و فتنه (شرک آنها و آزار دادن مسلمانها و بیرون کردن آنها از مکه) از کشتن بدتر است. و با آنها در نزد مسجد الحرام نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند، پس اگر در آنجا با شما جنگیدند آنها را بکشید، که کیفر کافران همین است « (بقره: ۱۹۰-۱۹۱)

بنابراین جهاد دفاعی بر همه واجب است و مردان و زنان برای دفاع از سرزمین خود باید با دشمنان مبارزه کنند.

۶- وجوه اشتراک و افتراق جهاد زن و مرد

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص می‌شود؛ جهاد ابتدایی بر مردان واجب است ولی بدین معنا نیست که زنان حق جهاد نداشته باشند و مطلقاً در میدان جهاد حاضر نشوند، بلکه زنان نیز می‌توانند در اموری چون پرستاری، خدمات پشت جبهه و... به مردان کمک کنند.

جنگاوری و جهاد به مردان اختصاص دارد؛ زیرا که این امور به قوای جسمانی احتیاج فراوان دارند و در مقابل پرورش و نگهداری اولاد و تربیت آنها و تدبیر امور منزل را به زن واگذار نماید

چون این امور احتیاج بیشتری به اعمال عاطفه و احساسات لطیف دارند. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۴۷)

از طرفی زن میتواند در بخش مهمی از امور مربوط به جهاد حضور یابد، چرا که تمام جهاد در سنگر بودن و تیراندازی کردن نیست علاوه بر کمکهای تداکارتی پشت جبهه و متن، جبهه نقشه کشیدن و راهنمایی کردن نیز بخشهای مهمی از جهاد به شمار می‌آید مگر آنان که در متن جنگ حضور دارند همه کار نظامی می‌نمایند؟ بخش قابل توجهی از آنان امور مربوط به نقشه برداری اطلاعات جنگی و ... را به عهده دارند. زنها فقط امور تنگاتنگ نظامی را که کار شاق و دشواری است به عهده نمی‌گیرند نه این که از فیض جهاد محروم باشند.

جهاد دفاعی چون به منظور دفاع از جان و مال، آبرو و ناموس و سرزمین است بر عموم مسلمانان واجب است و تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و عموم مسلمانان باید در این جهاد شرکت داشته باشند. اگر کشوری در حال جنگ و دفاع است و از طرف بیگانه‌ها تهدید می‌شود زنها باید دفاع کنند و لازمه دفاع آموزش نظامی دیدن است. پس در هیچ یک از این مسائل زن محروم نیست بلکه در اکثر دشواری‌ها و در بسیاری از مصائب و مشکلات زن همتای مرد است. جهاد امر مقدسی است که اسلام آن را مایه‌ی نجات انسانها و حفظ حقوق ایشان داشته است. قرآن کریم فضیلت و پاداش بزرگی برای مجاهدان فی سبیل الله ذکر کرده است در عدم وجوب جهاد بر زن از نظر فقهی هیچ شک و شبهه‌ای نیست؛ اما جهادی که از زن برداشته شده جهاد ابتدایی است نه جهاد دفاعی، حال آنکه جهاد به گونه‌هایی تقسیم میشود که زنان میتوانند در آنها نقش آفرینی کنند. دفاع از اسلام و ارزشهای اسلامی و جان و مال مسلمانان اختصاص به مردان ندارد و زنان نیز در این زمینه تکالیفی دارند زیرا آنان نیز عضو امت اسلامی هستند؛ زیرا جهاد فقط در سنگر بودن نیست بلکه کمکهای تداکارتی پشت جبهه نیز اهمیت دارد که زنان به خوبی می‌توانند عهده دار آن باشند.

۷- نتیجه

با تامل در موضوع مورد نظر مشخص گردید؛ جهاد یکی از مفاهیم دین اسلام است که در لغت از ماده جهد و به معنی کوشش و مبارزه و فعالیت است و در اصطلاح در معنای کوشش و مبارزه در راه خداوند به کار می‌رود.

جهاد به عنوان یک حق طبیعی و مقدس حیات می‌باشد. از این رو آنجا که به عنوان یک حق حیات اجتماعی و در راستای دفاع از اسلام و ارزشهای اسلامی باشد، بر همه مردان و زنان واجب

است از خود بلاد اسلامی و ارزشهای دینی دفاع کنند؛ زیرا دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است.

جهاد به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. هر کدام از اقسام جهاد آداب خاصی دارند که باید بدان توجه شود. جهاد دفاعی چون به منظور دفاع از جان و مال، آبرو و ناموس و سرزمین است بر عموم مسلمانان واجب است و تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و عموم مسلمانان باید در این جهاد شرکت داشته باشند، پس تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. اما جهاد ابتدایی بر مردان واجب است ولی این وجوب به این معنا نیست که زن‌ها مطلقاً نمی‌توانند در صحنه‌ی جهاد حاضر شوند، بلکه زنان نیز می‌توانند در اموری چون مشورت، پرستاری، خدمات پشت جبهه و... به مردان کمک کنند.

منابع

*قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: افست، ۱۳۶۴.
۲. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱.
۳. ابن براج، عبد العزیز بن نحریر، المهدب، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ق.
۴. تقی زاده اکبری، علی، سیری در آیات جهاد، بی جا: بنیاد عترت، ۱۳۸۳.
۵. جوهری، اسماعیل بن حمار، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، بی جا: امیری، ۱۳۶۹.
۶. جاوید، محمدجواد و محمددوست، علی، «حقوق بشر معاصر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال یازدهم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش.
۷. حلبی، تقی الدین بن نجم، الکافی فی الفقه، اصفهان: مولف، ۱۴۰۳ق.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بی جا: کتابچی، ۱۳۸۶.
۹. رئیس‌زاده، محمد، «خویی، ابوالقاسم»، دانشنامه جهان اسلام، بی جا: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۰. سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، ۱۳۷۳.
۱۱. سایت آئین رحمت
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ق.

۱۳. همو، مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: کشفی، ۱۳۸۷.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: ناصر خسرو، ۱۴۲۵ق.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۱۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، بیروت: آل البيت (علیهم السلام)، بی تا.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، بی جا: دار الثقلین، ۱۳۹۳.
۱۹. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعۃ الغراء، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۰. مؤمن، محمد، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، مجله فقه اهل بیت، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۰ش.
۲۱. مفتاح، محمدهادی، «جهاد ابتدایی در قرآن و سیره پیامبر»، مجله علوم حدیث، ش ۵۶، تابستان ۱۳۸۹ش.
۲۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: اسلامیه، ۱۳۹۲.
۲۳. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، بی جا: اسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۴. هیکل، محمد خیر، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، بی جا: دار البیارق، ۱۹۹۶م.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

انواع بلایا، فلسفه و راه مقابله با آن با محوریت نهج البلاغه صص ۷۲-۵۷


مینا مرادی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

بلا به هر سختی و فشار تحمل‌ناپذیری اطلاق می‌شود که بر انسان عارض شده و او خود را در مقابله با آن عاجز می‌یابد. گاهی بلاهای وارد شده، آدمی را دچار لطمات جبران‌ناپذیر روحی و جسمی کرده، چه بسا در عاقبت او تأثیر گذاشته و او را به قهقرا می‌کشاند. شناخت فلسفه بلایا و راه‌های مقابله با آن به خصوص با بهره‌گیری از کلام بزرگان دینی، انسان را در مقابله با بلایا تجهیز و آثار مخرب آن را کاهش می‌دهد. یافته‌های این پژوهش که به روش نقلی-وحيانی و گردآوری کتابخانه‌ای با محوریت کلام امیرمؤمنان صورت پذیرفته حاکی از آن است که فلسفه انواع بلایا که در یک نگاه به بلای فقر، بیماری تن، بیماری دل و تفرقه تقسیم می‌شوند، آزمون الهی، تذکر و بیداری، یادآوری نعمت‌های الهی و شکوفایی استعدادهای نهفته انسان است که راهکارهایی از جمله دعا و تضرع، شکیبایی، عبرت آموزی، دنیاگریزی و بهره‌وری از مواهب الهی برای آن متصور است.

کلید واژه‌ها: انسان، بلایا، راه مقابله با بلایا، نهج البلاغه.

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون  Mina۱۳۵۱۱۰۱۳۵۱۱۰@gmail.com

۱- مقدمه

از آن زمان که انسان در زمین زندگی را آغاز کرده با بلا یا مواجهه بوده و همواره با هر شیرینی لذت و کامیابی، تلخی بلا و ناکامی را چشیده است. مواجهه آدمی با انواع بلا یا در زندگی نظیر سیل، زلزله، طوفان، انواع بیماری‌ها و غیره موجب بروز رفتارهای متفاوتی از او می‌شود. گاهی او را دچار اضطراب و نگرانی می‌کند، گاهی او را افسرده کرده، گاهی نیز موجب بروز استعدادهای نهان او می‌شود.

از آنجا که از منظر عقل برای دریافت بهترین راهکار در هر مسئله‌ای مراجعه به متخصص ضروری است، در موضوع بلا یا نیز که در حیطه مسائل اعتقادی است، کتاب شریف نهج‌البلاغه راهگشا است. این کتاب عظیم که «برادر قرآن» نام گرفته و بعد از قرآن کریم، بهترین و عظیم‌ترین اثر جاودانه اسلامی است با مضامین بلند خود به انسان‌ها راه را نشان می‌دهد. نهج‌البلاغه که حاوی فرمایشات امیرالمومنین علیه السلام است، صادر شده از قلب متصل به منبع وحی و علم و عظمت الهی است که گوینده آن از روی علم و معرفت و نهایت دلسوزی سخن می‌گوید (شرح نهج‌البلاغه، ص ۲۷). چه اعتباری از این بالاتر که امام علی علیه السلام با تمام مزایای علمی و عملی که داشته، یک انسان بوده است که به تمام نیازها و ظرایف روحی او آگاهی دارد. انسانی که معنی انسانیت و راه و رسم زندگی را فقط باید از او پرسید و در وجود بی‌مانند او جستجو کرد.

پیشینه

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با بلا یا و فلسفه آن صورت گرفته است. موضوع بلا یا و شرور بیشتر در کتب اعتقادی و در مباحثی همچون عدل و حکمت الهی بحث شده است. از جمله این کتب، می‌توان به کتاب «آموزش عقاید» نوشته محمدتقی مصباح‌یزدی که در سال ۱۳۷۷ نگاشته شده، اشاره کرد. نگارنده در این کتاب، ذیل مبحث عدل الهی به حل چند شبهه از جمله سازگاری عدل الهی با انواع بلا یا پرداخته است.

کتاب «تلخیص اصول عقاید» از محسن قرائتی که در سال ۱۳۸۶ نگاشته شده، اثری دیگر در این رابطه است. در این کتاب به مباحثی چون توحید، عدل الهی، نبوت، امامت، معاد و غیره پرداخته شده که در قسمت عدل الهی در مورد بلا یا و فواید آن سخن به میان آمده است.

پایان نامه «ابتلا از دیدگاه قرآن و سنت» نوشته مجتبی بیگلری که در سال ۱۳۷۳ به رشته تحریر در آمده، اثری دیگر در موضوع مورد بحث است. پژوهش مذکور، گامی است در جهت

ابهام‌زدایی و پاسخ به سؤالات بسیاری که معمولاً در مورد فلسفه ابتلا، علم ازلی خداوند و ابتلا، عدل خداوند و ابتلا و غیر اینها مطرح می‌شود. پایان نامه «اسوه‌های سنت ابتلا در قرآن» اثر صغری فضلی نژاد که در سال ۱۳۸۹ نگاشته شده، پژوهشی دیگر در این رابطه است. در فصل اول از سه فصل این پژوهش، مفهوم شناسی ابتلا و فلسفه و اهداف مصائب و بلاها را مطرح شده است. فصل دوم ابزار و مصادیق ابتلا را عنوان می‌کند و در فصل سوم به آثار ابتلای اسوه‌ها از جمله ارتقای معنوی، توبه و دوری از غفلت می‌پردازد. مقاله «پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین به مسئله شر» اثر سیدمرتضی حسینی‌شاهرودی و کوکب دارابی در سال ۱۳۹۵ اثری مرتبط در این رابطه است. در این نوشتار پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین که عبارتند از عدمی و نسبی دانستن شرور، احسن بودن نظام هستی، و لازمه عالم ماده بودن شرور از نظر گذشته است.

مقاله «نااخلاقی بودن نسبت علت متمایز در نزول بلاها و نعم به خداوند» نوشته علی‌اصغر محمدزاده در سال ۱۳۹۸ که در آن به تأثیر اعمال انسان‌ها در ظهور حوادث ناگوار پرداخته، اثری دیگر در این رابطه است. در این مقاله اثبات می‌شود که نسبت دادن ابتلا یا نعمت به علت مشخص به صورت یقینی از نظر اخلاقی موجه نیست و این نسبت که قطعاً خداوند به این دلیل خاص، نعمت یا مصیبت را نازل کرده، صحیح نمی‌باشد. همانطور که از نظر گذشت، آثار متعددی به وجوه مختلف بلا پرداخته‌اند ولی تا حد احصاء، پژوهشی که به انواع بلاها و فلسفه و راه مقابله با آن با محوریت نهج البلاغه بپردازد، یافت نشد.

۳- انواع بلاها

بلاها از منظرهای متفاوت دسته‌بندی‌های مختلفی دارند. از آنجایی که این پژوهش با محوریت نهج‌البلاغه است، انواع بلاها از منظر امام علی علیه السلام که عبارتند از فقر، بیماری تن، بیماری دل و تفرقه از نظر می‌گذرد.

۳-۱- فقر

قال علی علیه السلام: «أَلَا وَ إِنَّ مِنْ الْبَلَاءِ الْفَقَاءَ، وَ أَشَدُّ مِنْ الْفَقَاءِ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛ آگاه باشید که فقر نوعی بلا است و سخت‌تر از تنگدستی، بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است (نهج‌البلاغه، ح ۳۸۸، ص ۵۱۷؛ امالی طوسی، ص ۱۶۶؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۸۷). طبق این فرمایش حضرت، فقر بلا دانسته شده که از لحاظ سختی در درجه کمتری نسبت به بیماری تن و قلب قرار دارد.

در قرآن نیز به بلا و ابتلای آدمی اشاره شده است. طبق آیات قرآن، هر گروهی به مشکلی آزمایشی می‌شوند؛ گروهی با فقر، گروهی با ثروت؛ ولی انسان غافل از اینکه مورد آزمایش واقع شود، ناامید می‌شود. خداوند در این رابطه در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره فجر می‌فرماید: «فاما الانسان اذا ما ابتلاه ربه فاكرمه ونعمه فيقول ربي اكرمن واما اذا ما ابتلاه فقدر عليه رزقه فيقول ربي اهانن؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد (مغرور می‌شود و) می‌گوید پروردگارم مرا گرامی داشته است! و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مأیوس می‌شود و) می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است».

پس چنان نیست که هر کس قدرت و ثروت داشته باشد، محبوب خدا باشد و هر کس که تنگدست باشد، مبعوض خدا باشد. انسان اگر بداند خداوند روزی هر شخص را بنابر حکمتش مقدر کرده است، اگر غنی باشد به شکر نعمت و دستگیری از دیگران می‌پردازد و اگر فقیر باشد، صبر می‌کند (امتحان، ص ۴۱).

۲-۳- بیماری تن

امام علی علیه السلام در خطبه مذکور، بیماری تن را از فقر سخت‌تر دانسته است. چه بسیار بیمارانی که ثروت فراوان دارند و حاضر هستند تمام دارایی خود بدهند ولی بدنی سالم داشته باشند.

حضرت در خطبه دیگر می‌فرماید: «او را بر نعمتهایی که عطا فرموده ستایش می‌کنیم، و در کارهای خود از او استعانت می‌جوییم؛ از او سلامت در دین می‌خواهیم همان گونه که تندرستی در بدن از او تقاضا داریم» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ص ۲۰۹) انسان مرکب از جسم و روح است و بین جسم و روح نوعی اتحاد و تعلق وجود دارد. سلامتی روح بر سلامتی جسم اثر می‌گذارد و سلامتی جسم بر سلامتی روح. انسانی که بیماری تن دارد از لحاظ روحی و روانی نیز تحت فشار است.

ابن میثم بحرانی در مورد بیماری در کتاب خود اینطور آورده است که امام علی علیه السلام به یکی از یارانش که بیمار بود فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ شُكْوَاكَ حَطًّا لِسَيِّئَاتِكَ- فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أُجْرَ فِيهِ- وَ لَكِنَّهُ يَحْطُّ السَّيِّئَاتِ وَ يَحْتُهَا حَتَّ الْأُزْرَاقِ- وَ إِنَّمَا الْأُجْرُ فِي الْقَوْلِ بِاللِّسَانِ- وَ الْعَمَلُ بِالْأَيْدِي وَ الْأَقْدَامِ- وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصِدْقِ النَّيِّهِ- وَ السَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ؛ خداوند، رنج تو را باعث برطرف شدن گناهانت قرار داده، البته بیماری پاداشی ندارد، اما گناهان را از بین می‌برد و آنها را مانند برگ درختان می‌ریزد، بلکه پاداش در گروی گفتار زبان و کردار دست

و پاهاست، خداوند پاک- هر که را از بندگانش بخواهد- به دلیل شایستگی و پاکدلی وارد بهشت می‌سازد» سید رضی - خدایش رحمت کند-می‌گوید: «مقصود امام (ع) این است که بیماری خود پاداشی ندارد، زیرا بیماری از قبیل چیزهایی است که سزاوار عوض دادن است، از آن رو که فعل خدای متعال از بیماری و درد و نظیر اینها نسبت به بنده عوض دارد، اما مزد و پاداش تنها در برابر کاری است که بنده انجام می‌دهد، بنا بر این امام (ع) فرق بین عوض و پاداش را بر اساس علم فراوان و اندیشه رسای خود بیان کرده است» (ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۴۴۸).

۳-۳- بیماری دل

به عقیده امیرمؤمنان علیه السلام، چنانچه گذشت، بیماری دل از بین انواع بلاها از همه سخت‌تر است. وقتی دل بیمار شود دیگر پند نمی‌پذیرد و از رشد و کمال باز می‌ماند. دل بیمار فقط متوجه دنیا بوده و نجات و رستگاری را در به دست آوردن دنیا می‌داند. این دل راهی را که نباید، می‌رود. مکارم‌شیرازی ذیل حکمت مذکور، منظور امام از بیماری قلب را فساد اخلاق و انحراف عقیده بیان کرده است (نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ج ۱، ص ۸۳۵).

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس به چیزی عشق ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار می‌سازد، سپس با چشمی معیوب می‌نگرد و با گوشی غیر شنوا می‌شنود، خواسته‌های دل، عقلش را نابود ساخته، دنیا قلبش را می‌میراند و شیفته آن می‌کند. او بنده دنیاست و بنده کسی که چیزی از دنیا در دست دارد. دنیا به هر طرف بلغزد، او هم می‌لغزد و به هر جانب رو کند، به همان سو رو می‌نماید. هر چه بيمش دهند از خدا نمی‌ترسد و از هیچ واعظی پند نمی‌پذیرد، در حالی که می‌بیند عده‌ای ناگهان گرفتار شدند (و مرگ، آنها را از پای درآورد) در جایی که نه فسخ پیمان ممکن است و نه راه بازگشتی دارد. چگونه بلاهایی که نمی‌دانستند و انتظار آن را هم نداشتند بر سر آنها فرود آمد و دنیایی را که جاودانی و ایمن می‌پنداشتند، از آن جدا شدند و به آنچه در آخرت به آنها وعده داده بودند، رسیدند» (نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ج ۱، ص ۲۳۵، خطبه ۱۰۹).

۳-۴- تفرقه

حضرت علی علیه السلام در مذمت تفرقه بر این باور است که هنگامی که گروهی به تفرقه و پراکندگی روی بیاورند، مهربانی و دوستی آنان از بین می‌رود، سخنان آنها مختلف و دل‌هایشان از هم جدا می‌گردد، خداوند نعمت‌های خود را از آنها می‌گیرد. وقتی افراد یک جامعه همدیگر را

یاری نکنند و خیرخواه یکدیگر نباشند، تفرقه بین آنان زیاد می‌شود (نهج البلاغه، خ ۱۹۲، ص ۲۸۱).

ایشان در پرهیز از تنهایی که از ثمرات تفرقه و جدایی از جمع می‌فرماید: «همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، بهره شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود» (نهج البلاغه، خ ۱۲۷، ص ۱۷۱)

۴- فلسفه بلایا

در این بخش به فلسفه و چرایی وجود بلایا در زندگی انسان پرداخته می‌شود.

۴-۱- آزمون الهی

در منابع دینی و روایات متعدد به این نکته اشاره شده است که بخشی از بلایا جنبه آزمون الهی دارند. از جمله این روایات، فرمایش امام علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه است که می‌فرماید: «...ولکن الله یختبر بأنواع الشدائد و یتعبدهم بأنواع المجاهد و یتلهم بضروب المکاره...؛ ولی خداوند بندگان را با انواع شداید می‌آزماید و با اقسام مشکلات به عبادت فرا می‌خواند و به انواع گرفتاری‌ها مبتلا می‌نماید».

حضرت در نامه‌ای خطاب به معاویه در سال ۳۷ هجری پیش از نبرد صفین اینطور مرقوم می‌فرماید: «پس از یاد خدا و درود! همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشته تا روشن شود کدام یک نیکوکار است...» (نهج البلاغه، نامه ۵۵).

در قرآن کریم نیز آیاتی در خصوص این موضوع آمده است؛ از جمله در سوره بقره آیه ۱۵۵ می‌فرماید: «ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الاموال و الانفوس و الثمرات و بشر الصابرين؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!» در این آیه به مساله آزمایش و چهره‌های گوناگون آن اشاره می‌کند (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۹).

شایان ذکر است فلسفه آزمایش‌های الهی با آزمایش‌های نوع بشر بسیار متفاوت است. آزمایش‌های انسان‌ها برای شناخت بیشتر و رفع ابهام و جهل است؛ اما آزمایش الهی، پرورش و تربیت است. خداوند در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران این مسئله را بیان کرده و می‌فرماید: «برای این

است که خداوند آنچه را در سینه‌هایتان دارید، بیازماید و آنچه را که در دل‌های شما است، خالص گرداند و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست باخبر است».

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره فلسفه آزمایش‌های الهی می‌فرماید: «اگرچه خداوند پاک، بندگان را بهتر است خود آنان می‌شناسد؛ اما می‌آزماید تا کردارهایی که پاداش و کیفر سزوار آن است، پدیدار شود» (همان، ص ۱۵۱).

۲-۴- تذکر و بیداری

در آیات متعددی از قرآن کریم این موضوع بیان شده است؛ از جمله آیه ۹۴ سوره اعراف که می‌فرماید: «و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم، شاید باز گردند و تضرع کنند».

به طور معمول، افرادی که در ناز و نعمت به سر می‌برند، آمادگی کمتری برای پذیرش حق دارند؛ اما هنگامی که در تنگنای مشکلات قرار می‌گیرند، نور فطرت و توحید آنها آشکار می‌گردد و بی‌اختیار به یاد خدا می‌افتند و دل‌هایشان آماده پذیرش حق می‌شود. البته این بیداری، در بسیاری از افراد موقتی است و دوامی ندارد به محض برطرف شدن مشکلات، و رفع بلا یا بار دیگر در خواب غفلت فرو می‌روند، ولی برای جمعی دیگر نقطه عطفی در زندگی محسوب می‌شود و برای همیشه به سوی حق باز می‌گردند (برگزیده تفسیر نمونه ج ۲، ص ۶۸).

در تفسیر آیه ۲۱ سوره سجده آمده است که خداوند هرگز نمی‌خواهد بندگان گرفتار عذاب جاوید شوند، به همین دلیل از تمام وسایل بیدارکننده برای نجات آنها استفاده می‌کند، از جمله اینکه آنها در دنیا دچار مصائب و بلا یا و رنج‌ها می‌شوند (همان، ج ۳، ص ۵۹۱).

امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إن البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للأنبياء درجة و للاولياء كرامة؛ سختی برای افراد ظالم وسیله هشدار و زنگ بیدار باش و برای مؤمنان وسیله آزمایش و رشد و برای انبیاء، درجه و مقام و برای مردان وارسته و اولیای خدا، کرامت و وسیله کسب مقام است» (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۵، ح ۵۴؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ نفحات القرآن، ج ۴، ص ۳۷۲).

امام علی علیه السلام در این زمینه در حدیث دیگری می‌فرماید: «هر گاه دیدی خدای پاک پیاپی بر تو بلا نازل می‌کند، بدان که تو را (از خواب غفلت) بیدار کرده است و چون دیدی خدای سبحان با

آن که گناه می‌کنی، پیاپی به تو نعمت می‌دهد، بدان که این دامی است برای غافگیر کردن تو» (غررالحکم، ح ۴۰۴۶؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۴).

۳-۴- یادآوری نعمت‌های الهی

انسان‌ها غالباً هنگام سختی و ناراحتی یاد روزهای خوش و راحتی خود می‌فروشند و این مسئله باعث می‌شود قدر نعمت‌های الهی را بیشتر بدانند. در این رابطه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ان الله یبتلی عباده عند الاعمال السیئه بنقص الثمرات و حبس البرکات و إغلاق خزائن الخیرات لیتوب تائب و یقلع مقطوع و یتذکر متذکر و یزدجر مزدجر؛ خداوند بندگان خویش را هنگامی که به اعمال زشت دست زدند با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات، بستن درهای گنج‌های خیرات به روی آنان آزمایش می‌کند تا آنان که اهل توبه هستند، توبه کنند و آنان که باید از گناه دست کشند، خودداری نمایند و پند پذیران پند گیرند و آنان که آماده‌اند، از گناه باز ایستند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵).

۴-۴- شکوفایی استعدادهای نهفته انسان

امام علی علیه السلام در تأثیر بلایا و سختی‌ها را در شکوفایی استعدادهای نهفته انسان این طور بیان می‌کند: «ألا و إن الشجره البریه اصلب عودا و الرواع الخضره أرق جلودا و النباتات العذیه أقوی و وقودا و أبطا خمودا؛ بدان که شاخه درختی که در بیابان می‌روید، سخت‌تر و پوست سبزه‌های خوش‌نما، نازک‌تر و آتش گیاهان صحرائی افروخته‌تر و خاموشی آنها دیرتر است» (نهج البلاغه، نامه ۴۵؛ بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۵).

وجود بلایا و رنج و گرفتاری‌ها از یک سو، موجب تلاش انسان برای کشف اسرار طبیعت و به وجود آمدن دانش‌ها و صنایع مختلف می‌شود و از سوی دیگر، عامل بزرگی برای رشد و شکوفایی استعدادها و ترقی و تکامل انسان‌ها است. تحمل هر سختی و بلایی در این جهان، پاداش بسیار ارزنده‌ای در جهان ابدی خواهد داشت و به نحو احسن، جبران خواهد شد (آموزش عقاید، ص ۱۶۷).

۵- راه‌های مقابله با بلایا

انسان‌ها در هنگام مواجهه با بلایا و مشکلات گاهی سرگردان و حیران شده و ترس و وجودشان را فرا می‌گیرد. در این زمان، بهترین راهکار مراجع به کلام معصومین علیهم السلام می‌باشد.

۱-۵- دعا

امیرالمومنین امام علی علیه السلام در هنگام مواجهه با بلاها و گرفتاری‌ها چندین راهکار فرمودند از جمله دعا کردن. حضرت در حکمت ۱۳۸ فرمودند: «وادفعوا امواج البلاء بالدعاء؛ گرفتاری‌های پی در پی را با دعا و درخواست دور نمایید». همچنین در جای دیگری فرمودند: «ما المبتلی الذی قد اشتدَّ به البلاء بأحوج الی الدعاء من المعافی الذی لا یأمن البلاء؛ گرفتاری که اندوه و درد به او سخت گرفته است نیازمندتر به دعا نیست از تندرستی که از بلا و درد در امان نمی‌باشد». منظور این که هر دو به دعا و درخواست از خدا نیازمندند؛ مبتلا برای بهبودی یافتن و زوال بلا و معافی برای دوام تندرستی (ترجمه و شرح نهج البلاغه، حکمت ۲۹۴).

انسان‌ها به هنگام مواجهه با بلاها دچار استرس و نگرانی می‌شوند که دعا کردن و درخواست از خداوند موجب آرامش روحی و آسان شدن تحمل بلا و سختی می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بیماران را با صدقه مداوا کنید و بلا را با دعا دفع نمایید و نزول رزق را به وسیله صدقه بطلبید، زیرا که صدقه رزق را از میان دو فکّه هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آن هستند، رها می‌سازد. هیچ چیز برای شیطان سنگین‌تر از صدقه به مؤمن نیست. صدقه پیش از آنکه در دست بنده واقع شود، در دست خدای تبارک و تعالی قرار می‌گیرد (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۴).

علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن‌ابی عمیر، از هشام بن سالم روایت کرده است که گفت: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «آیا درازی بلا را از کوتاهی آن می‌شناسید و می‌دانید که نشانه کوتاه و دراز آن چه چیز است؟ عرض کردیم: نه. فرمود که چون یکی از شما در نزد بلا به دعا ملهم شود، پس بدانید که آن بلا کوتاه است و زود تمام می‌شود» (اصول کافی، ج ۴، ص ۳۱۱).

۲-۵- تضرع

امام علی علیه السلام فرمودند: «و لو أن الناس حین تنزل بهم النقم و تزول عنهم النعم فزعوا الی ربهم بصدق من نیاتهم و وله قلوبهم لردّ علیهم کل شارد، و أصلح لهم کل فاسد؛ و اگر مردم هنگامی که سختی‌ها به ایشان رو آورد و نعمت‌ها از آنها زائل گردد، با نیت‌های راست و دل‌های شیفته به پروردگارش پناه ببرند، آنچه از دست رفته به آنها باز می‌گرداند، و هر فسادی را برای ایشان اصلاح می‌فرماید». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۷).

قرآن کریم در مورد تضرع انسان‌ها آیات مختلفی دارد از جمله در آیه ۴۲ از سوره انعام می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ؛ ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند)، آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق)، خضوع کنند و تسلیم گردند!».

خداوند متعال در این رابطه در آیه ۶۳ سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يُجِيبُكُمْ مِّنْ ظُلْمَتٍ أَلْبَرٌ وَأَلْبَحْرٍ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّكْرِينَ؛ چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید؛ (و می‌گویید): اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می‌بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود». براساس این آیات، اعتقاد انسان به ضعف و ذلت نفس در برابر خداوند و عظمت وی و احساس درماندگی به هنگام شدايد و گرفتاریها از عواملی است که وی را به تضرع وا می‌دارد و در مقابل، اصرار بر کفر، لجاجت، پیروی از وسوسه شیطان و انجام گناهان و غرور نسبت به اعمال او را از تضرع در برابر خداوند متعالی بازمی‌دارد (دائرة المعارف قرآن، ج ۷، ص ۲۵).

۳-۵- شکیبایی

امام علی علیه السلام فرمودند: «پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد و رنج و سختی آن تمام می‌شود. هر مدت و مهلتی در آن به پایان می‌رسد و هر موجود زنده ای به سوی مرگ می‌رود» (همان، خطبه ۹۹).

به درستی اگر انسان به هنگام مواجهه با بلا یا به نکته توجه کند که این سختی موقتی است و دائمی نیست تحمل آن برای انسان راحت‌تر می‌شود. شکوه و ناشکیبایی و ابراز زبانی سختی از لحاظ روانی انسان را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد.

تمحیص ربعی از حضرت صادق علیه السلام اینگونه نقل می‌کند که امام فرمود: «صبر و گرفتاری در رسیدن به مؤمن مسابقه دارند که هر یک زودتر به او برسند؛ ولی قبل از رسیدن بلاء، صبر رسیده است و وقتی بلاء و گرفتاری می‌رسد، مؤمن، صبور و شکیبا است. جزع و بلاء هم نسبت به کافر

مسابقه دارند ولی جزع و بی‌تابی قبل از بلاء به کافر رسیده و وقتی بلاء می‌رسد، کافر بی‌تاب و مضطرب است» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۱).

در توصیه به صبر و شکیبایی امام صادق علیه السلام در جایی دیگر می‌فرماید: «بر (گرفتاریهای) دنیا صبر کنید، همانا دنیا ساعتی بیش نیست، ساعتی که گذشته است که از درد و شادی آن چیزی در پیش نیست و ساعتی که نیامده است که نمی‌دانی چه خواهد بود، پس به حقیقت دنیا در همان ساعت است (که متوجه هستی) پس در آن صبر کن به اطاعت خداوند و صبر کن از انجام معصیت خداوند» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۹).

۵-۴- عبرت آموزی

عبرت از گذشتگان و نوع رفتار آنان هنگام مواجهه با سختی و بلا یا نعمت و فزونی و اینکه در نهایت چه از آنان ماند و چه ثمری برداشتند، برای انسان در مقابله درست با بلا یا سودمند است.

در این رابطه از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه آمده است که فرمودند: «آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید؟ عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر و آرزوی شان درازتر و افرادشان بیشتر و لشگریان‌شان انبوه‌تر بودند. دنیا را چگونه پرستیدند و آن را چگونه بر خود برگزیدند؟ و سپس از آن رخت بریستند و رفتند. بی‌توشه‌ای که آنان را برای رسیدن به منزلگاه کفایت کند، و بی‌مرکبی که آنان را به منزل‌شان رساند. آیا شنیده‌اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد؟ یا به گونه‌ای یاری‌شان داده یا با آنان به نیکی به سر برده باشد؟ نه هرگز! بلکه سختی و مشکلات دنیا چنان به آنها رسید که پوست و گوشت‌شان را درید، با سختی‌ها آنان را سست و با مصیبت‌ها ذلیل و خوارشان کرد و بینی آنان را به خاک مالید و لگدمال کرد و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخت. شما دیدید که دنیا آن کس را که برابر آن فروتنی کرد و آن را برگزید و بر همه چیز مقلّم داشت که گویا جاودانه می‌ماند، نشناخت و روی خوش نشان نداد تا آن که از دنیا رفت. آیا جز گرسنگی توشه‌ای به آنها سپرد؟ آیا جز در سختی فرودشان نیاورد و آیا روشنی دنیا جز تاریکی و سرانجامش جز پشیمانی بود؟» (نهج البلاغه، خ ۱۱۱).

نکته مهمی که امام علی علیه السلام در این خطبه به آن می‌پردازد، توجه دادن به گذشته دنیا و دنیاداران است که می‌تواند آینه عبرتی برای آینده و آیندگان باشد. دیدن انگیزه‌های موفقیت گذشتگان، مطالعه علل شکست و تباهی ملل و اقوام تاریخی، دگرگونی و ناپایداری دنیا در رابطه

با پادشاهان و اربابان دنیا و ده‌ها مسئله دیگر، همگی موضوعات روشنی هستند که در راستای کسب تجربه از تاریخ و عبرت‌آموزی از حوادث آن، تاثیرگذار هستند؛ چرا که برخی از دنیا، همسان برخی دیگر است و حوادث دنیا، حوادثی هستند که در ظرف‌های مختلف زمانی، به طور مرتب، تکرار می‌شوند. گذشته دنیا، مرگ و نیستی دنیاداران را نشان می‌دهد، حال دنیا رنگ گرفته از گذشته است و آینده آن نیز، به حال و گذشته می‌ماند که در نهایت راهی جز نابودی وجود ندارد. از این رو امام می‌فرماید: «و اعتبر بما مضى من الدنيا لما بقى منها فإن بعضها يشبه بعضا و آخرها لاحق بأولها و كلها حائل مفارق؛ به گذشته از دنیا عبرت بگیر برای باقیمانده از آن، چرا که دنیا برخی از آن، شبیه برخی دیگر است و اول و آخر آن یکی است و سرانجام همه‌اش، در معرض نابودی و زوال است» (شرح نهج البلاغه علی عليه السلام، ص ۲۵۸).

همانطور که از نظر گذشت، توجه به احوال گذشتگان و عبرت‌آموزی از آن می‌تواند ظرفیت انسان را افزایش داده توانی برای مقابله با بلایا به دست دهد.

۵-۵- دنیاگریزی

امام علی عليه السلام فرمودند: «پس از حمد بر خدا و درود بر پیغمبر اکرم، شما را از دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا دنیا شیرین و سبز و حرم است. به شهوت‌ها و خواهش‌های بی‌پایه پیچیده شده است و به وسیله متاع‌های زود از بین رفته اظهار دوستی می‌نماید و به زیورهای اندک (مردم را) به شگفت آورده، شاد می‌نماید و برای آرزوها و فریب خویش را آرایش نموده است. شادی آن پایدار نیست و از درد و اندوهش آسوده نمی‌باید گشت. بسیار فریبنده و زیان‌رساننده است، تغییردهنده حالات است. فانی و نابود و تباه می‌گردد. شکم خواره‌ای است که هلاک می‌نماید. زمانی که آرزوی مشتاقان به دنیا که به آن خشنود هستند به نهایت رسید، دنیا از اینکه می‌باشد، تجاوز نمی‌کند. همچنانکه خداوند تعالی (در قرآن کریم سوره ۱۸ آیه ۴۵) می‌فرماید: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ، نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ...؛ مثل دنیا مانند گیاه زمین است که به آبی که آنرا از آسمان فرستادیم، آمیخته شد پس بامداد آن گیاه خشک گردید به قسمی که بادهای آنرا پراکنده می‌سازند و خداوند بر همه چیز قادر و توانا است» (ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱).

همانطور که در خطبه مذکور مشاهده می‌شود حضرت عليه السلام به دل بریدن از دنیا توصیه می‌فرماید، دنیایی که ظاهرش شیرین و با طراوت، و در لابه لای شهوات پیچیده شده است، به

خاطر نقد بودنش جلب توجه می‌کند ولی باید توجه داشت که شادمانی و نعمت‌اش پایدار نیست، متغیر و زوال‌پذیر، پایان‌گیرنده و نابودشدنی است و از دردها و مشکلاتش کسی در امان نمی‌باشد (پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۲۲).

۶۵- بهره‌وری از مواهب الهی

بهره‌وری از انواع مواهب الهی می‌تواند جسم و روح انسان را در مقابله با انواع بلا یا مقاوم سازد. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «والطیب نشرة، و العسر نشرة، و الركوب نشرة، و النظر إلى الخضرة نشرة؛ بوی خوش، درمان‌کننده و نشاط‌آور، عسل درمان‌کننده و نشاط‌آور، سواری بهبودی‌آور و نگاه به سبزه‌زار، درمان‌کننده و نشاط‌آور است» (نهج البلاغه، ص ۵۱۹، ح ۴۰۰).

همانطور که در این توصیه مشاهده می‌شود حضرت بهره‌وری از مواهب الهی را درمان‌کننده و نشاط‌آور می‌خوانند. بر کسی پوشیده نیست که نشاط یکی از ارکان اساسی در مقابله با بلا یا است. اصولاً بلا اولین کاری که با انسان می‌کند، او را افسرده، ناامید و بی‌انگیزه می‌سازد. پر واضح است که نشاط می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر در مقابله با بلا یا باشد.

یکی از مواردی که حضرت بدان توصیه فرموده، عسل است. امروزه اثر درمانی عسل بر کسی پوشیده نیست. ابن سینا عسل را برای درمان سل، در مراحل اولیه بیماری، تجویز می‌کرد. تحقیقات جدید نیز تاثیر شگفت‌انگیز عسل را در درمان انواع بیماری‌ها از جمله عفونت‌های ریوی تایید می‌کند (عسل درمانی؛ شگفتی قرآن، ص ۳۶).

توصیه دیگر حضرت علی علیه السلام سوارکاری است. این ورزش از جمله ورزش‌های مورد تاکید اسلام است. اسب سواری قدمت طولانی داشته و بعد از اسلام رواج زیادی پیدا کرده؛ چرا که علاوه بر تقویت جسمانی، مطابق با گفته خداوند است و در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ، هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!» (انفال، آیه ۶۰).

در این آیه به صراحت از اسب و سیله‌ای برای چیره شدن بر تهدیدهای دشمنان یاد کرده است. از طرفی اسلام نیز، فراگیر اسب سواری را واجب کفایی بر شمرده است. گذشته از ارزش نظامی اسب سواری مسلمانان در زمان فراغت خود در مسابقات اسب سواری (حبله) شرکت می‌کردند و بر اساس روایات پیامبر اکرم خود نیز در این مسابقات شرکت کرده و هدایای برندگان را از اموال خود اهدا می‌کرد. حضرت، همواره در ترویج اسب سواری در بین مسلمان تلاش کرده و به والدین تاکید می‌فرمود که اسب سواری را به فرزندان خود بیاموزید (اسب و اسب سواری از منظر اسلام، ص ۱۱).

۶- نتیجه

با تحقیق و بررسی در کتاب شریف نهج البلاغه و با توجه به خطبه‌ها و نامه‌های متعدد انواع بلاها را می‌توان به چهار دسته فقر، بیماری تن، بیماری دل، تفرقه به عنوان یک بلائی اجتماعی تقسیم کرد.

در این کتاب شریف برای هر یک از بلاهای مذکور فلسفه‌ای بیان شده است. گاهی بلا یا جنبه آزمون الهی دارند. گاهی باعث شکوفایی استعدادهای نهفته انسان می‌شوند. گاهی با بلا، انسان قدر نعمت‌های الهی را بیشتر می‌داند. گاهی بلا یا ابزار آزمایش خداوند هستند و گاهی جنبه هشدار و بیدارگری دارند.

برای مقابله با بلا یا در نهج البلاغه چندین راهکار آمده است از جمله شکیبا بودن و ناله و زاری نکردن، تقوا پیشه کردن، تضرع و زاری در درگاه الهی، که این امر باعث بازگشت نعمت به انسان و اصلاح امور فساد می‌شود. از دیگر راهکارهای حضرت هنگام مواجهه با بلا یا، کوچک شمردن مصائب و بلا یا برای خود و عبرت گرفتن از گذشتگان و دقت به روش برخورد آنان در هنگام مواجهه با سختی و بلا یا است. توجه به این نکته که بلا و مصیبت موقتی است و هیچ حالتی در دنیا پایدار و همیشگی نیست و اعتقاد به این امر که زمین، خانه آزمایش‌ها است در عین حال محل گذر است و دائمی نیست نیز می‌تواند در کوچک کردن و مقابله با بلا مؤثر باشد.

توصیه دیگر حضرت در مقابله با بلا یا، بهره‌وری از مواهب الهی از جمله استفاده از بوی خوش، سوارکاری، استفاده از غسل و نگاه به سبزه‌زار است که این موارد به عنوان عوامل نشاط آور و درمان کننده می‌تواند مؤثر باشد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم
۳. اردکانی، محمدعلی، ۱۳۷۸، تحفه الاولیاء، ترجمه اصول کافی، تهران
۴. اصل احمدی، یاسمن سادات، اسب و اسب سواری از منظر اسلام، کنکره بین المللی سلامت وصنعت اسب، ۱۳۹۷؛ <https://civilica.com/doc/۸۲۸۶۲۳>
۵. اعرافی، محمد، تضرع، نشریه دائره المعارف قرآن، ۱۳۸۸
۶. التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم
۷. العاملی، محمد بن الحسن الحر، بی تا، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت
۸. بحرانی، ابن میثم، ۱۴۱۷ ق، ترجمه شرح نهج البلاغه، محمدی مقدم و نوایی، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد
۹. جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۷۸، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۱۰. حمیدزاده گیوی، اکبر، ۱۳۹۵، شرح نهج البلاغه علی علیه السلام، کوثر، تهران
۱۱. خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۹۹، راه روشن مدیران شرح نهج البلاغه، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۲. خدادادی، جمشید، ۱۳۹۰، غسل درمانی؛ شگفتی قرآن، موسسه نشر شهر، تهران
۱۳. رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۸۴، غررالحکم ودررالکلام درآمدی با شرح و ترجمه فارسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۱۴. سبزواری، محمد، بی تا، جامع الاخبار، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم
۱۵. صحت، علی، جهادالنفس، ۱۳۶۴، ترجمه وسائل الشیعه، ناس، تهران
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، الامالی، دارالتقافه، قم
۱۷. غفاری، علی اکبر؛ بلاغی، محمد جواد، ۱۳۶۷، ترجمه من لا یحضره الفقیه، نشر صدوق، تهران

۱۸. فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۵۱، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی جا
۱۹. قرائتی، محسن، ۱۳۸۶، تلخیص اصول عقاید، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۷، الکافی، دارالحدیث، قم
۲۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار، موسسه الوفاء، قم
۲۲. محدثی، جواد، ۱۳۸۴، امتحان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۶، درس‌های از اصول عقاید اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۴. _____، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۲، آموزش عقاید، چاپ و نشر بین‌الملل تهران
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب، تهران
۲۷. _____، ۱۳۸۶، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران
۲۸. _____، ۱۴۲۶ه.ق، نفحات القرآن، مدرسه امام علی بن ابی طالب قم
۲۹. _____، ۱۳۸۴، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم
۳۰. موسوی همدانی، ابوالحسن، ۱۳۶۵، ترجمه بحارالانوار، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

راه‌های رسیدن به عبودیت از منظر قرآن کریم و روایات صص ۷۳-۸۸

فاطمه خلق احمدی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

دعوت انبیا و پیامبران دعوت به عبودیت حق است. عبودیت به معنی خضوع در مقابل عظمت مولا و مطیع بلافصل پروردگار بودن است که به راه‌های گوناگون حاصل می‌شود؛ البته در این میان بیراه‌ها رهن بوده و موجب اتلاف عمر و سردرگمی‌های بسیار می‌شوند. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای با هدف تحقیق در جهت یافتن راه‌های ساده و آسان برای رسیدن به قرب الهی و عبودیت در دو بعد مادی و معنوی و به جهت نجات از نابسامانی روحی و روانی و سرگشتگی می‌باشد. ذکر و یاد خدا، کسب مال حلال و اطمینان به خدا، تهذیب نفس و مبارزه با هوای نفس، امر به معروف و نهی از منکر، صلح رحم، طلب علم با تعقل و صبر مواردی است که در آیات قرآن کریم و روایات از راه‌های رسیدن به قرب الهی شمرده شده و ترک آنها آسیب‌های فردی و اجتماعی در بردارد.

کلید واژه‌ها: بندگی، راه‌های رسیدن به عبودیت، قرب الهی، آسیب‌های دور از عبودیت.

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون  ahmadifati548@gmail.com

۱- مقدمه

خالق حکیم به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی اجتماعی بندگان کاملاً آگاه است و برای این منظور احکامی را صادر کرده تا بندگان با استفاده از آن به سعادت و قرب برسند. عبودیت حقیقت انسان را آشکار، روح را پاک و آماده کسب سعادت می‌کند، بر همین اساس دعوت انبیا و پیامبران دعوت به عبودیت حق است.

آنچه که راه بندگی را هموار می‌سازد، تعلیم و تعلم و امری است که ناخالصی عبد را بزداید. مسیر راه عبودیت را می‌بایست صادقانه و خالصانه پیمود لذا در این امر قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام راهگشا و راهنما می‌باشند.

عبودیت یعنی اطاعت هر آنچه که امر خداست و فقط به اعمال فیزیکی مانند نماز، روزه، حج و ... یا وظایف مالی نظیر خمس، زکات، صدقه و ... منحصر نیست؛ بلکه فراتر بوده و اطاعت خداوند در تمامی امور را شامل می‌شود. در بندگی کردن هیچگونه اجبار و تحمیلی تاثیر گذار نیست، گام نهادن در راه عبودیت جز با اختیار آدمی و داشتن شوق و نشاط فراهم نمی‌شود. یکی از راه‌های ایجاد شوق و نشاط، تفکر است که از سال‌ها عبادات بدنی برتر شمرده شده است. قرآن کریم تفکر و تعقل را از شروط بندگی و عبادت و ناشی از عقل سلیم می‌داند. امیرالمومنین حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «تفکر در ملکوت آسمانها و زمین عبادت مخلصین است» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۷۲).

آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده از آن جمله: کتاب «آثار تقوا و عبودیت» اثر همت سهراب پور که در سال ۱۳۹۱ به زیور چاپ آراسته گشته است و به توضیحاتی درباره نفس و پیامدهای پیروی از آن همچنین روش‌های مبارزه با آن و مراحل خودسازی پرداخته است ولی راهی برای طی شدن مراحل رسیدن به عبودیت بیان نکرده است. کتاب «عبودیت در دینداری و در پرتو قرآن» که برگرفته از مجموعه سخنرانیهای استاد حسین انصاریان در سال ۱۳۹۵ است، اثری دیگر در این زمینه است که به بررسی مفهوم عبودیت در حیطه قرآن پرداخته است. پایان نامه «مبانی نظری عبودیت و بندگی در قرآن و حدیث» از نیلوفر احمدی زاده در سال ۱۳۹۴ از دیگر آثار مرتبط در این زمینه است که در آن نویسنده مبحث عبودیت را از مبانی آغاز و در سه حیطه «خدا شناسی»، «انسان شناسی» و «جهان شناسی» مورد بررسی قرار می‌دهد. اثر دیگر، پایان نامه «بررسی بندگی و عبودیت در قرآن و حدیث» اثر عارفه درویش در سال ۱۳۹۱ می‌باشد که در آن

نویسنده، بندگی و عبودیت را از جهت سیر صعودی به سوی کمال مطلق تشریح و آن را با سیر تکاملی سایر موجودات بررسی کرده است. مقاله «روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا» اثر آیت‌الله علی خامنه‌ای در سال ۱۳۸۸ پژوهشی دیگر در این زمینه است که در آن نویسنده موضوع را از دیدگاه جهان بینی عمومی، مطالعه و قضاوت در باره انسان و خط‌مشی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقاله «واکاوی نقش محبت به خدا در عبودیت از نگاه قرآن» از فاطمه افراسیابی در سال ۱۴۰۰ اثری دیگر در موضوع مورد بحث است که در آن نویسنده به بررسی نقش محبت به خدا بر عبودیت با استناد به قرآن و روایات و با تأکید بر نظر آیت‌الله جوادی‌آملی می‌پردازد. مقاله «عشق و عبودیت در دعاهای حضرات معصومین (علیهم‌السلام)» که در سال ۱۳۸۵ توسط سید قوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است که به بررسی عبودیت از منظر حضرات معصومین ع می‌پردازد.

چنانچه از نظر گذشت بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون مفهوم بندگی و آثار آن بوده و تا حد احصاء پژوهشی که اختصاصاً به بررسی راه‌های دست‌یابی به عبودیت با توجه به ظرفیت‌های فردی و با بهره‌گیری از آیات و روایات پردازد، مشاهده نمی‌شود. این مقاله در پی آن است که به واکاوی آیات قرآن و روایات برای راهیابی به مسیر عبودیت در عصر پرهیاهوی حاضر که افراد در آن درگیر بوده و شاید در روزمرگی‌ها کمتر به این مسائل توجه دارند، پردازد.

۲- مفهوم‌شناسی عبودیت

در این بخش به مفهوم‌شناسی عبودیت در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

۲-۱- در لغت

عبودیت در لغت به معنی پرستش و بندگی، حفظ حدود و رضای به موجود و صبر بر مفقود است (جرجانی، تفسیر گازر، ص ۱۲۷).

۲-۲- در اصطلاح

انسان نسبت به فطرتش شناخت کامل داشته و می‌داند که امانتی از سوی خداوند بر دوش دارد و آن امانت عبادت است لذا می‌بایست که آن را پاس داشته و حقیقت ادا کند (برگرفته از احمدی زاده، مبانی نظری عبودیت و بندگی در قرآن و حدیث).

عبودیت نهایت اوج تکامل روح یک انسان و قرب به خداست. تسلیم مطلق در برابر ذات پاکِ الله است. عبودیت ترک دعوی و تحمل بلا و حب مولا است. عبودیت، ترک اختیار است و لازمه آن خواری و افتقار می‌باشد. برخی از اهل نظر عبودیت را در سه چیز معنا کرده‌اند؛ منع نفس از هوی، بازداشت نفس از منهیات، طاعت در امر مولی و در نهایت عبودیت حریت و آزادی است (تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ص ۹۴۸)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عبودیت، گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته است». این حدیث اشاره دارد که عبد تلاش و کوشش کند که خود را در صفات شبیه به معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال خدا را در خود منعکس کند. این بنده در سایه عبودیت به جایی می‌رسد که به اذن پروردگار می‌تواند در جهان تکوین، تدبیر و تصرف کند و صاحب ولایت تکوینی شود، همانطور که آهن سرد و سیاه بر اثر مجاورت با آتش گرم و سرخ و فروزان می‌شود، این حرارت و نورانیت از درون ذات او نیست؛ بلکه پرتویی از آتش به او افتاده و به این رنگ در آمده است (عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، ص ۶۰۴)

۳- اقسام عبودیت

عبودیت به انحاء مختلفی صورت می‌پذیرد که در این بخش اقسام عبودیت از منظر قرآن و روایات بررسی می‌شود.

۳-۱- از منظر قرآن کریم و روایات

دو نوع عبودیت از منظر قرآن کریم متصور است: بندگی تکوینی و بندگی اختیاری. قرآن کریم، بندگی تکوینی را با اطاعت همراه می‌داند و می‌فرماید: «هر که در آسمان و زمین است جز بنده وار به سوی خدای رحمان نمی‌آید» (بقره: ۳۹). مراد از بندگی اختیاری، اظهار خضوع در برابر ذات اقدس الهی از روی شعور و اختیار می‌باشد. بالاترین افتخار پیامبران الهی عبودیت و بندگی آنان دانسته شده و عناوین و درجات دیگر پس از آن قرار دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم پروردگار خود را پرستش کنید آن کس که شما و کسانی که پیش از شما بودند را آفرید تا پرهیزکار شوید» (بقره: ۲۱) این عبودیت دعوتی از سوی پروردگار است که متوجه به ذات اقدس الهی می‌باشد.

امام علی علیه السلام عبادت را سه سنخ می‌داند. عبادت ناشی از ترس که مخصوص بردگان برای دوری از دوزخ می‌باشد. عبادت مبنی بر کسب که در خصوص بازرگانان برای نزدیکی به بهشت

است. عبادت ناشی از میل به سپاس که هدف آن، تقدس و سپاس از خداوند است. برای گروه اخیر، عبادت یک فعالیت خودمختار است و این پرستش آزادگان است و هدف و ابزاری مورد نظر پرستش‌کننده نیست (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷). حضرت علی علیه السلام از نمونه شخصیت های بارز و مظهر عبودیت و بندگی می‌باشد که با شناخت کامل خداوند به این مرحله رسیده و به تعبیر نهج البلاغه قلب خود را به خدا بخشیده است.

۴- راه های رسیدن به عبودیت

اصل عبودیت، خضوع در برابر حضرت حق است. عبد، مطیع بلافصل مولای خود می‌باشد. عبودیت دری است برای کسانی که می‌خواهند به تهذیب نفس راه یافته و به درجه قرب الهی برسند.

۴-۱- از منظر قرآن کریم و روایات

با توجه به آموزه های قرآن کریم فهمیده می‌شود که تنها راه کمال جویی عبودیت است که از آن به صراط مستقیم و راهی که در مسیر حق است، تعبیر می‌شود. عبودیت شامل خواست های حضرت حق است که رعایت آن توسط عبد، او را به بالاترین مقام بندگی می‌رساند و استمرار عبادت روح را به مرتبه عبودیت و ربوبیت می‌رساند. خداوند در قرآن کریم فلسفه و هدف از آفرینش را عبادت حق معرفی کرده است «فقط خداوند را عبادت کنند» (ذاریات: ۵۶). علت هم آن است که از این راه، انسان صفات و اسماء الهی را به ظهور می‌رساند و به آن فعلیت می‌بخشد.

۴-۱-۱- ذکر و یاد خدا

ذکر، یادکردن و یادآوری است خواه با زبان یا با قلب. برای بندگی کردن و رسیدن به عبودیت می‌بایست انسان لحظات عمرش را با ذکر و یاد خداوند آمیخته کند تا لحظه‌ای دچار نسیان و غفلت نشده و در مسیر عبودیت به هدف خلقت که بندگی کردن است نزدیک شود. برای موفق شدن باید از آرزوهای طولانی و بلند و هوای نفسانی بگذرد. هوس انسان را از یاد خدا باز داشته و آرزوهای طولانی انسان را از یاد آخرت دور نگه می‌دارد. آرزوهای طولانی نه فقط در زندگی فردی انسان تأثیر سوء دارد؛ بلکه در زندگی اجتماعی نیز اثرات نامطلوب به بار می‌آورد.

اگر خواسته های ما مطابق خواسته های خدا نباشد، هوای نفس و خواسته های نفسانی نام دارد که نتیجه آن، غفلت از یاد خدا وند، فراموش کردن نعمت ها و نیکی ها، حکومت و اقتدار

الهی و پیروی از شیطان می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «پیروی از هوای نفس مورد مذمت قرار گرفته و کسانی که از آن پیروی نکنند مورد ستایش و تشویق پروردگار قرار می‌گیرند» (نازعات: ۴۱).

خداوند می‌فرماید: «هدایت یافتگان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دلهاشان به ذکر خدا مطمئن و آرام است» (رعد: ۲۸). همچنین می‌فرماید: «ذکر خداوند از نماز هم بالاتر است» (عنکبوت: ۴۵).

قرآن کریم می‌فرماید: «یاد پروردگاری که جواد، کریم، رحمان، بخشنده و بنده نواز است انسان را از لحاظ فضایل اخلاقی پرورش داده و نفس او را مطمئن و آرام کرده و می‌فرماید: ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت بازگرد» (فجر: ۲۷-۲۹).

در روایات ذکر بردو قسم دانسته شده؛ ذکر لفظی و ذکر قلبی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ذکر خدا موجب شفای دلهاست (متقی هندی، کنز العمال، ح ۱۷۵۱) امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس قلب خود را با یاد پیوسته الهی آباد کند، اعمال او در پنهان و آشکار نیکو می‌شود (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۸۹)

در جای دیگر امیرالمومنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: یاد خدا عقل را آرامش می‌دهد، دل را روشن می‌کند و رحمت او را فرود می‌آورد (همان، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۸۵۸). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خدای عزوجل به موسی (ع) وحی کرد: موسی در هیچ حالی مرا فراموش نکن و به ثروت زیاد شاد نشو؛ زیرا از یاد بردن من دلها را سخت می‌کند و همراه ثروت زیاد، گناهان زیاد است (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۴۵، ح ۸).

۴-۱-۲- کسب مال حلال و اطمینان به خدا

از نظر آیات قرآنی، فقر ارزش و نعمت نیست. قرآن کریم یکی از ابزار رسیدن به عبودیت و بندگی را فعالیت و تلاش در جهت کسب روزی حلال می‌داند. انسان در کسب روزی و به دست آوردن متاع زندگی آزاد است؛ اما هرگز اجازه ندارد مسیری را در پیش گیرد که او را در معرض دوری از بندگی سوق دهد که این امر باعث فساد هم برای فرد و هم برای جامعه می‌گردد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «حرص طبیعی انسان و آزمندی او نسبت به مال و ثروت، حلال و حرام و پاک و ناپاک را در هم می‌آمیزد و مصرف می‌کند» (عادیات: ۶-۸). همچنین می‌فرماید: «ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید» (بقره: ۱۶۸). در جایی دیگر می‌فرماید: «از نعمتهای

پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید» (بقره: ۵۷). بنابر آنچه گذشت معلوم گردید که کسب روزی حلال مورد تأکید حضرت حق بوده و از آنجا که روزی هر کس ثابت است نیازی به تلاش از راه‌های حرام نیست. چنانکه در آیات الهی بیان شده است: «هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا می‌باشد، خداوند قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند و همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است» (هود: ۶).

برای رسیدن به قرب الهی و بندگی کردن و عبودیت باید که جان و روح انسان خالی از ناپاکی‌ها و حرام‌ها باشد؛ زیرا مال ناپاک و حرام اثر روانی بدی بر زندگی فرد و اثر سوء بر زندگی اجتماعی دارد و در احادیث به این موارد اشاره شده است.

امام حسین علیه السلام در خطبه روز عاشورا به مردمی که به جنگ او آمده بودند فرمود: شکم‌های شما از مال حرام پر شده است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه لقمه حرام در شکم بنده ای از بندگان خدا قرار گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می‌کنند یعنی از خداوند، دوری از رحمت الهی را برای چنین فردی درخواست می‌کنند (راوندی، الدعوات، ص ۲۵).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آثار کسب حرام در نسل آدمی آشکار می‌شود (کلینی، فروع کافی، ج ۵) زیرا در اثر تغذیه حرام زمینه ی گمراهی، برای فرزند فراهم می‌گردد و خود فرد هم از راه مستقیم و قرب به خداوند منحرف می‌شود.

از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام فهمیده می‌شود که برای قرار گرفتن در مسیر مستقیم و هدایت و عبودیت خود و فرزندانمان، باید در طلب مال حلال تلاش کرده و از استفاده مال حرام پرهیز گردد.

۴-۱-۳- تهذیب نفس

یکی دیگر از راه‌های رسیدن به قرب و عبودیت پروردگار، پاک کردن نفس خود از هرگونه تمایلات افراطی است که به آن شهوات هم گفته می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «سپس سرانجام کار کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به اینجا رسید که آیات خدا را تکذیب کرده و آن را به سخره گرفتند» (روم: ۱۰). همچنین می‌فرماید: «از تمام لذت

های دنیا بهتر، لذت‌هایی است که در عالی‌ترین کیفیت و طولانی‌ترین مدت یعنی ابدیت برای شما در آخرت پیش خداوند محفوظ است به شرطی که تقوا داشته باشید» (محمد: ۱۵).

قرآن کریم زندگی دنیا را سراسر سیر و سفر می‌داند؛ یک سیر تکوینی به سوی خدا برای همه و یک سیر تشریحی برای کسانی که عاقلانه و آگاهانه دنبال او هستند (شقاق: ۶) و می‌فرماید: شما غم و غصه‌های دیگر را دور بریزید، آنچه که هم و غم است مربوط به مقصد است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸) و همچنین خداوند می‌فرماید: «برای چنین افرادی که هم و غم مقصد را دارند در آنجا خوف و اندوهی نیست» (بقره: ۲۷۷)

نفس را باید از انجام رفتارهای پلید نظیر حرام‌خواری، حرص، طمع، خیانت، حسد و رزی و شهوات باز داشت. به خصوص وقتی که هدف رسیدن به عبودیت و بندگی کردن و قرب به خدا باشد و چنین فردی باید از لذایذ و شهوات چشم‌پوشی کند تا دچار لغزش و سقوط نشود.

حضرت علی علیه السلام در وصف بندگان شایسته خدا می‌فرماید: اینها پیراهن شهوات را از قامت خودشان دور می‌کنند و از هم و غم عالم جز اندوهی که به تنهایی آن را تحمل می‌کنند، راحت می‌شوند (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۸۷).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ترک گناه سخت است و سخت‌تر از آن ترک بهشت است و در این راستا تقوا پیشه کردن و کنترل ذهن برای رهایی از این معضل می‌تواند انسان را نجات دهد (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۴۰) همچنین پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید: در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه خدا، بدتر از هوا و هوس باشد که انسان را به دنبال خود می‌کشاند (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۳)

امیر مومنان می‌فرماید: کسی که خود را گرمی دارد هوای نفس و هوس را خوار می‌شمارد (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید: ترک شهوات برترین عبادت و زیباترین عادت است. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۸).

۴-۱-۴- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از راه‌های رسیدن به عبودیت، امر به معروف و نهی از منکر است. عبودیت، تنها امری فردی نیست؛ بلکه یک امر اجتماعی است. برای سالم ماندن یک فرد، نیاز است که جامعه سالم باشد. این دو فریضه الهی از آن جهت اهمیت دارند که انسان در بسیاری از موارد فراموشکار

می‌شود لذا امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که انسان برای رسیدن به کمال و اطاعت از خدا و رسولش به آن نیازمند است. قرآن کریم می‌فرماید: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان آفریده شده‌اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰). همچنین قرآن در این مورد می‌فرماید: «مردم و زنان مومنه دوست و یاور یکدیگر هستند، به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست‌ها باز می‌دارند» (توبه: ۷۱). خداوند می‌فرماید: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (آل عمران: ۱۰۴).

امر به معروف و نهی از منکر نه تنها اثر فردی دارد؛ بلکه اثر اجتماعی آن به شدت محسوس می‌شود. انسان نمی‌تواند در برابر زشتی‌ها و پلیدی‌ها و حرام‌ها بی تفاوت بوده ولی انتظار داشته باشد که به قرب الهی و عبودیت هم دسترسی پیدا کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن‌ها بر پا می‌شوند و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تامین می‌گردد، در سایه آن زمین آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۳ ح ۶)

در انجام این دو وظیفه که فریضه می‌باشد کمالات و پاداشی برای آمر و ناهی می‌باشد. از آن جمله سلامتی در دنیا و آرامش در آخرت. لذا برای بندگی کردن و رسیدن به عبودیت می‌بایست که با زبانی ملین و با صبر و بردباری به این دو فریضه در جامعه اقدام کرد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که امر به معروف می‌کند، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول خداست. از جایگاه رفیع و بلند مرتبه برخوردار بوده و مورد توجه خاص حق تعالی و پیشوایان دینی می‌باشد (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۴)

امر به معروف و نهی از منکر، واجب الهی و انجام آن گامی به سوی عبودیت الهی است (محدث دهلوی، تحفه اثنی عشریه، ص ۲۵)

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: همانا من از روی سبک سری و گردنکشی و نیز برای ایجاد فساد و ستمگری دست به این قیام نزدم؛ بلکه می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام عمل کنم (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

۴-۱-۵- صله رحم

صله رحم، واجب دینی است که به منظور رسیدن به عبودیت و قرب الهی می‌بایست مورد توجه و عمل قرار گیرد. منظور از صله رحم، توجه داشتن به انسان‌هایی است خویشان محسوب می‌شوند و نیازمند کمک و مهربانی هستند. باید توجه داشت که چشم پوشی از نیاز و خواسته آنها از روی حقد و کینه شخصی مورد رضای الهی نیست. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید و زنهار از خویشاوندان مبرید هر آینه خدا مراقب شماست» (نسا: ۱۰).

برای صله رحم کند نیازی به ثروت زیاد نیست بلکه برطبق دین اسلام با دادن جرعه آب، سلام کردن به یکدیگر، آزار نرساندن، میتوان از اجر و پاداش خداوند رحمان که در مقابل انجام صله رحم مقرر فرموده بهره مند گردید (محمود بهبهانی حائری، آداب معاشرت با خویشاوندان، ص ۳۸-۳۹).

در آیات الهی اینطور بیان شده که نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدای عالم، روز قیامت، فرشتگان، کتب آسمانی، پیغمبران ایمان داشته و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان و یتیمان، فقیران، رهگذران و گدایان بذل کرده و زکات مال بپردازد و به عهد خود به هر کس به موقع وفا کند» (بقره: ۱۷۷).

صله رحم یکی از فرایضی است که از نظر اسلام اهمیت خاص داشته و گاهی واجب و گاهی مستحب است و از آموزه های اخلاقی اسلام است و بهترین عمل پس از ایمان و بهترین خصلت مومن می‌باشد (طاهری خرم آبادی و حائری، صله الرحم و قطیعتها، صص ۲۹_۵۱)

بنا به حدیث قدسی، صله رحم از رحمت خداست و هر کس آن را ترک کند از رحمت او محروم خواهد ماند. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کس که نمی‌تواند با ما معصومین علیهم السلام پیوند نماید باید به مستمندان از شیعیان ما رسیدگی و پیوند کند و آنان که توانایی زیارت قبور ما را ندارند باید به دیدار برادران دینی خوب، ما بروند (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۱، ح

۴-۱-۶- طلب علم با تعقل

حقیقت جویی از گرایش‌های فطری انسان است. انسان با شناخت خود و جهان پیرامون قادر خواهد بود که واقعیات خلقت که سبب قرب به خداوند می‌شوند را بشناسد. از اینجا اهمیت تحصیل علم از منابع حقیقی آن یعنی آیات آشکار گشته و باعث پرورش قوه درک حقایق شده که در مسیر رسیدن به عبودیت راهگشا خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می‌دهد که جزء او معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش هم شهادت می‌دهند» (آل عمران: ۳).

قرآن می‌فرماید: «خداوند، کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلند مرتبه می‌نماید» (مجادله: ۱۱). همچنین می‌فرماید: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند» (زمر: ۹). اصولاً انسان به مقام عبودیت نمی‌رسد مگر آنکه با پای تعقل، مسیر را طی کند و از طرفی باید دانست که بدون عبودیت و استواری در آن، دینداری میسر نمی‌گردد (برگرفته از خیراللهی، جایگاه عقل در قلمرو دین).

آگاهی برای انجام هر کاری چه لفظی و چه قلبی از ضروریات است؛ زیرا هدف بدون آگاهی، انسان را سردرگم و منزوی می‌گرداند و برای رسیدن به عبودیت برای بنده چاره‌ای نیست مگر آنکه با علم و آگاهی از طی این مسیر همراه با صبر و بردباری در انجام اعمال مربوطه، خود را به قرب الهی برساند. ارتباط علم با تعقل نیز به خوبی در کلام معصومین علیهم‌السلام به خوبی مشاهده می‌گردد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف نگر در دین می‌گرداند (فیض کاشانی، المحججه البیضاء، ج ۱، ص ۱۷) همچنین حضرت می‌فرماید: عالم ۷۰ درجه از عابد برتر است. (همان، ص ۱۸)

حضرت علی علیه‌السلام به کمیل فرمود: ای کمیل! هیچ حرکتی نیست جز آن که تو در آن نیازمند دانشی هستی (حکیمی، الحیاه، ج ۸، ص ۳۵)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: علم نوری است که خداوند در قلب کسی که، او را اراده کرده است می‌تاباند تا آن کس را هدایت کند پس اگر علم می‌خواهی باید حقیقت عبودیت یعنی جوهر بندگی را در نزد خود طلب کنی (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴).

۴-۱-۷- صبر

از دیگر لوازم رسیدن به عبودیت؛ صبر در تحمل مصائب، صبر در گناه، صبر برای رسیدن به هدف اصلی خلقت یعنی عبودیت، صبر بر بدی دیگران، صبر در یادگیری علم و ... می‌باشد.

قرآن کریم، صبر را برای رسیدن به عبودیت ملاک قرار داده است (انسان: ۲۴) و نیز می‌فرماید: «هر که شکیبایی ورزد و در گذرد، البته این در گذشتن از بدی بدکاران، از کارهایی است که با اراده قوی انجام می‌گیرد و اراده قوی از خصال پسندیده می‌باشد» (شورا: ۴۳) و می‌فرماید: «پس صبر کن آنگونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای عذاب آنها شتاب مکن» (قاف: ۳۵).

خداوند متعال در جای دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که ایمان آوردید، در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید که رستگار گردید» (آل عمران: ۲۰۰). همچنین می‌فرماید: «فرشتگان بر در بهشت به استقبال صابران می‌آیند و می‌گویند؛ سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان چه نیکو است سرانجام آن سرای جاوید» (رعد: ۲۴).

برای بندگی کردن و رسیدن به عبودیت لازم است که انسان صبر و بردباری را در انجام امور خود داشته باشد. در پرتو صبر و بردباری از آموزه‌های دینی بهره گرفته و راه و مسیر بندگی را برای خود هموار و آسان گرداند. صبر سبب قوی‌تر و راسخ‌تر شدن ایمان می‌شود. از فضیلت‌های اخلاقی صبر، وفا به عهد و پیمان می‌باشد، پیمانی که در روز الست با خداوند بسته شد به جهت قرب به خدا و پیمودن مسیر عبودیت.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: صبر و بردباری سه گونه است. صبر بر مصیبت، صبر بر گناه و نافرمانی و صبر بر اطاعت (مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۰۲). همچنین حضرت می‌فرماید: ایمان بر چهار پایه بنا شده است؛ یقین، صبر، عدل، جهاد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۷).

در این زمینه امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: مصیبت برای شکیبا یکی است و برای بی‌قرار دوتاست (حرانی، تحف العقول، صفحه ۴۱۴). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: چون روز رستاخیز شود، ندا دهنده ای فریاد برآورد؛ کجایند بردباران؟ پس گروهی از مردم بایستند. پس آنگاه ندا دهنده ای ندا دهد؛ کجایند تحمل‌کنندگان؟ پس گروهی از مردم به پا خیزند. راوی عرض کرد

فدایت کردم بردباران و تحمل کنندگان چه کسانی هستند؟ پس امام (ع) فرمود: بردباران بر انجام واجبات و تحمل کنندگان بر دوری از گناهان صبر پیشه کردند (همان)

۵- آسیبهای دوری از عبودیت

عبادت هدف خلقت انسان و بعثت پیامبران الهی است. عبادت از اعتقادات برمی‌خیزد و ثمره‌ی آن به صورت ملکات فاضله اخلاقی متجلی می‌گردد و انسان در سایه آن به سوی عبودیت و قرب الهی حرکت می‌کند. استمرار عبادت و آگاهی از حکمت عبادتها در آیات و احادیث، انسان را برای رسیدن به ساحت قرب الهی و حرکت در مسیر عبودیت پشتیبانی می‌کند؛ اما چنانچه انسان در مسیر عبودیت غافل باشد، آسیبهایی در زندگی بر او وارد می‌گردد که ممکن است جبران ناپذیر باشد و جامعه نیز درگیر این آسیبها شده و ناامنی فراگیر شود. آسیبها بردو قسم هستند؛ آسیب‌های فردی و اجتماعی که وظایف و مسئولیت‌هایی را برای انسان ایجاد می‌کند.

۱-۵- فردی

دوری از عبودیت موجب صدماتی بر روح و جان انسان می‌شود. انسان همانگونه که در قبال جسم خود مسئول است به طریق اولی نسبت به بُعد معنوی و روحی خود نیز وظایفی دارد که بسیار سنگین است. دوری از عبودیت موجب حس دلسردی، ناامیدی، بی‌پناهی در انسان می‌شود. انسانی که از مسیر عبودیت دور افتاده به هر وسیله‌ای در دنیا متوسل می‌شود تا به هدف خود برسد و چه بسا بسیاری از این وسایل انسان را به قهقرا بکشاند.

از موانع وصول انسان به مقامی که شایسته آن است، پیروی از هوای نفس و دلبستگی و حب به دنیا است. پیروی کردن از وسوسه‌های شیطانی (جن و انس)، غفلت، پندارهای غلط در سر پروراندن، همه اینها باعث می‌شود که دل انسان زنگار گرفته و چشم دل کور و ترازوی سنجش عقلش، توازن نداشته، سرانجام خدا را ندیده و یا وارونه می‌بیند (برگرفته از کرباسیون، درآمدی بر علل انحراف انسان از نظر قرآن و روایات)

۲-۵- اجتماعی

انسان باید به آسیب‌ها در بُعد اجتماعی توجه داشته باشد و مسئولیتش در این باب را در یابد؛ زیرا بدون حضور در میان اجتماع، پیمودن راه کمال در مسیر عبودیت و بندگی میسر نیست. در

اسلام بر این مسئولیت‌ها تأکید شده است. چنانکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: رهبانیت و ترک دنیا در اسلام نیست (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۴، ح ۱).

مسئولیت اجتماعی دو قسم است. وظایفی که مربوط به خانواده است و به آن تدبیر منزل می‌گویند. وظایفی که عمومی است و انسان‌ها نسبت به یکدیگر دارند. انسان اگر نسبت به هر کدام از این وظایف کوتاهی کند، گناهکار است. آموزه‌های دینی، هویت انسانی را برای افراد رقم می‌زنند و با شناخت آن آموزه‌ها، راه برای رسیدن انسان به بندگی و عبودیت و قرب به خداوند هموار گردیده و از بسیاری آسیب‌ها از جمله: خود فراموشی، غفلت نمودن، سردرگمی، ناامیدی، بحران‌های روحی روانی، تحت تأثیرات تبلیغات دشمنان قرار گرفتن و سقوط از جایگاه والای انسانی نجات یافته و نسبت به ارزش والای انسانی خود و ارزش‌های ملی و مذهبی خویش پایبند و معتقد شده و مسیر عبودیت را به سلامت طی و به هدف نهایی آفرینش یعنی به درجه کمال دسترسی پیدا می‌کند (آسیب بحران هویت، پرتال جامع علوم انسانی)

دسته دیگر، عوامل آسیب‌زای محیطی و اجتماعی هستند که باعث دور شدن انسان از خدا و عبودیت می‌شوند از قبیل: فرهنگ ناسالم، رسانه‌های گروه‌های منحرف خصوصاً در شبکه‌های مجازی، مقاله‌ها و کتب ضاله، و محیط خانواده ناسالم و... که اثرات سوء بر فرد دارند.

دوستی و همنشینی با افراد ناباب و فاسد هم نقش بسزایی در انحراف فرد و دور ماندن او از پروردگار و عبودیت دارد که در اثر این آسیب‌های اجتماعی، پیکره جامعه دچار انحطاط و پاشیدگی می‌گردد. اگر هر فردی توجه به خالق هستی داشته باشد و برای رسیدن به مقام والای انسانی راه عبودیت را طی کند جامعه نیز از سقوط و انحرافات مصون خواهد ماند (برگرفته از کرباسیون، درآمدی بر علل انحراف انسان از نظر قرآن و روایات).

۶- نتیجه

جوهره انسانی، در عبودیت خداوند نهفته است که همان بندگی خالصانه است. اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای مردم خدا را پرستش کنید» (بقره: ۲۱) منظور همان عبودیت و ملبس شدن به لباس تقوا است. خودداری از عبادت خداوند، بستن راه‌های رسیدن به کمالات؛ زیرا تنها مسیر رسیدن به درجات کمال، اطاعت محض از پروردگار است که همان پیمودن طریق بندگی و سیر و سلوک الی الله بدون خودرأیی می‌باشد.

آنچه در مسیر قرب الهی و مزین شدن به فضایل اخلاقی مهم است، نیت و عمل صادقانه در عمل و گفتار و ذکر و یاد دائمی حق تعالی است که روح را جلا داده و منشأ خیر و برکات برای خود و جامعه است.

تحول و ایجاد انگیزه برای بندگی محض در گرو شناخت عمیق دین خدا و احکام آن است. در این مسیر، ایمان به پیامبر ﷺ کافی نبود بلکه عمل به دستوراتشان و تحمل و صبوری در سختی‌ها و جهد و کوشش در تهذیب نفس و دستگیری از نیازمندان، طبق آیات و روایات ضروریست.

کسب مال حلال و اطمینان به خدا، تهذیب نفس و مبارزه با هوای نفس، امر به معروف و نهی از منکر، صلح رحم، طلب علم با تعقل از دیگر مواردی است که آیات قرآن و روایات بر آن تأکید دارند و ترک آنها موجب آسیب‌های فردی و اجتماعی است.

منابع

قران کریم؛ ترجمه حسین انصاریان

نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی

۱. احمدی زاده، نیلوفر، ۱۳۹۴ش، مبانی نظری عبودیت و بندگی در قرآن و حدیث، موسسه آموزش عالی باختر، ایلام.
۲. تهنوی، محمدعلی، ۱۱۵۸ق، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، انتشارات مکتبه لبنان ناشرون. لبنان..
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، نشر دارالکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم.
۴. جرجانی، حسین بن حسن، ۱۳۷۷ش، تفسیر گازر، انتشارات محدث ارموی، تهران.
۵. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۸۲ش، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، انتشارات آل علی، قم.
۶. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۹۵ش، الحیاه ج ۸، انتشارات دلیل ما، قم.
۷. خیر اللهی، محمود، ۱۳۸۷ش، جایگاه عقل در قلمرو دین، انتشارات معرفت، شماره ۱۳۲، ص ۷۳ - ۹۰..

۸. شاهسواری، زهرا؛ حافظی، فرنوش، ۱۳۹۶ش، آسیب شناسی بحران هویت، پرتال جامع علوم انسانی، اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی.
۹. شیبانی جزری، مبارک بن محمد بن عبدالواحد، ۱۴۲۱ق، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، مصحح: محمود محمد طناحی؛ طاهر احمد زاوی، موسسه اسماعیلیان، قم.
۱۰. طبرسی، ابو علی فضل بن الحسن، ۱۳۱۴ق، تفسیر مجمع البیان، مصحح: محمد موسوی دامغانی، مترجم: احمد بهشتی، انتشارات فراهانی، تهران.
۱۱. راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۷ق، الدعوات، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
۱۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۳۸۳ش، المحججه البیضاء، مصحح: علی اکبر غفاری، مدرسین، قم.
۱۳. طاهری خرم آبادی، سید حسن؛ حائری، مرتضی، ۱۳۹۲ش، صله الرحم و قطعيتها، دفتر نشر اسلامی، قم.
۱۴. کرباسیون، صفورا، در آمدی بر علل انحراف انسان از نظر قرآن و روایات، سایت مرسلات، موسسه آموزش عالی مجتهده امین (ره).
۱۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۱۱ق، کافی، مصحح: محمد جعفر شمس الدین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۱۶. _____، ۱۳۹۴ش، فروع کافی، انتشارات: قدس.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، مصحح: محمد باقر محمودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۱۹ق، کنز الاعمال، مصحح: محمود عمر؛ حیاطی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۹. محدث دهلوی، شاه عبدالعزیز، ۱۴۱۵ق، تحفه اثنی عشریه، محقق: مرتضی وفایی، چاپخانه حسنی، دهلی.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، بی تا، الارشاد فی معرفه الله علی العباد، محقق: هاشم رسولی، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسلامیه، تهران.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

تنوع طلبی مذموم در آیه‌های آیات و روایات صص ۱۰۴-۸۹

شهین بالایی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

تنوع‌طلبی به معنای راضی نبودن فرد به موقعیت و داشته‌هایی است که در زمان حال دارد و خواهان تغییر در وضعیت موجود است که به دو نوع ممدوح و مذموم قابل قسمت است. تنوع‌طلبی ممدوح می‌تواند موجب انگیزش‌زایی در فرد شده، اثر سازنده بر او گذاشته و راه‌های بسته را برای او باز نماید. در مقابل تنوع‌طلبی مذموم، تأثیرات سوء عمیقی در زندگی و سرنوشت انسان داشته، شخصیت فرد را متزلزل و ناراضی کرده و او را به کام عدم موفقیت می‌کشاند. این مقاله که به روش نقلی-وحيانی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. به برخی از اقسام تنوع طلبی مذموم و علل فردی و اجتماعی آن با بهره‌گیری از روایات می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که علل فیزیولوژیکی، حس کنجکاوی، ابراز وجود و دیده شدن و هیجان طلبی از علل فردی تنوع طلبی و الگو پذیری، تأثیر فضای مجازی، فخر فروشی، کسب موقعیت اجتماعی از علل اجتماعی تنوع طلبی مذموم است.

کلید واژه‌ها: تنوع طلبی مذموم، تأثیر تنوع طلبی، علل تنوع طلبی

^۱ دانش‌پژوه حوزه نجمه‌خاتون shahinbalai1348@gmail.com

۱- مقدمه

تنوع‌طلبی از جمله خصلت‌هایی است که به صورت ممدوح و مذموم متصور است. تنوع‌طلبی ممدوح تنوع‌طلبی متعادلی است که باعث نشاط روح شده و در بسیاری از موارد موجب پیشرفت می‌شود لذا این نوع تنوع‌طلبی اگر از تعادل خارج نشده و به اسراف کشیده نشود، به میزان متعارف آن مورد نیاز است. در مقابل، تنوع‌طلبی مذموم قرار دارد که به انحای مختلف صورت می‌پذیرد از جمله تنوع‌طلبی در موقعیت شغلی، تحصیلی، جنسی، ظاهری و غیره. این نوع تنوع‌طلبی ثمری جز اسراف، هدر رفتن انرژی و زمان، درگیری‌های ذهنی و آشفتگی‌های روحی ندارد.

اسلام به عنوان کاملترین و جامعترین دین الهی، انسانها را به خوشبختی و رستگاری رهنمون می‌سازد. یکی از ارزشمندترین مسائلی که همواره در جامعه اسلامی مطرح است، اصلاح آشفتگی‌ها و ناهنجاریهای موجود در جامعه می‌باشد که تنوع‌طلبی مذموم یکی از عوامل ایجاد آن است. پر واضح است که اگر به مسئله مذکور پرداخته نشود باعث اعتیاد انسان به خوشی‌های لحظه‌ای و تنوع‌ناپایدار در زندگی اش شده و در نتیجه سقوط فرد را در پی خواهد داشت؛ چرا که اگر که فرد از عهده مقابله با نفس اماره برنیاید و در جهاد اکبر پیروز نباشد و زمام کار خویش را به نفس اماره بسپارد، نمی‌تواند به تربیت نفس خود بپردازد لذا ضروری است علل فردی و اجتماعی مسئله تنوع‌طلبی مذموم ریشه یابی شود.

این مسئله به قدری مهم است که در روایات نیز بدان پرداخته شده است. امام صادق علیه السلام در کتاب الکافی درباره تنوع‌طلبی میفرماید: «قطعاً خداوند عزوجل مردانی را که تنوع طلب هستند و زانیشان را زیاد طلاق می‌دهند را دشمن میدارد و از آنان متنفر است».

علیرغم تلاشهای صورت گرفته از طریق نگارش کتابها و مقاله‌ها و... همچنان مشکلاتی از جمله نبود پایداری در شخصیت افراد، افسردگی، عدم رضایت و و مسائلی از این دست که هر روز به شمار آنها افزوده می‌شود، اهمیت تحقیق در این موضوع را چندین برابر می‌کند.

این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت می‌پذیرد، در تلاش است به برخی علل فردی تنوع‌طلبی نظیر علل فیزیولوژیکی، حس کنجکاوی، ابراز وجود و میل به دیده شدن، تأییدطلبی، هیجان‌طلبی همچنین عوامل اجتماعی آن همچون الگوپذیری از دوستان تنوع طلب، تأثیر فضای مجازی، فخرفروشی، کسب موقعیت اجتماعی اشاره کند. به امید آنکه

گامی در جهت از بین بردن معضلات ناشی از ناهنجاریهای تنوع طلبی برداشته و رضایت واقعی در زندگی فردی و اجتماعی حاصل گردد.

پیشینه

پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است از جمله کتاب «روانشناسی مدگرایی» نوشته مسعود نویدی مقدم که در سال ۱۴۰۰ به زیور چاپ آراسته شده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. این پژوهش به یکی از مسائل مهم دنیای امروز یعنی تنوع طلبی در مد و مدگرایی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که در تغییر به سوی مدرنیته، فرصت شکوفایی و تحرک از زنان سلب شده است.

کتاب «روانشناسی جنسی با رویکرد تکاملی به جذابیت تنوع طلبی» نوشته داود محمدی که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است، نوشته ای در این رابطه است که به سه محور جذابیت جنسی، تنوع طلبی و بی وفایی پرداخته است.

کتاب «سلامت روانی مردان تنوع طلب» نوشته شهریانو پرخو که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط است که نویسنده درباره بهزیستی ذهنی و بهداشت روانشناختی مردان بحث کرده است.

مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده از جمله مقاله «تبیین تنوع طلبی جنسی» به نوشته حسین رضاییان بیلندی و همکاران که در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. این پژوهش، تنوع طلبی جنسی را نوعی از رفتار جنسی می‌داند که با میزان اشتغال ذهنی فرد به روابط جنسی متعدد و برقراری روابط جنسی با افراد جدید رابطه مستقیم دارد.

مقاله «اثر بخشی خانواده درمانی شناختی-رفتاری بر اختلال تنوع طلبی جنسی» به قلم نویسندگان محمد خدایاری فرد و همکاران که در سال ۱۳۹۵ چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط در این موضوع است که به بررسی کارکرد خانواده درمانی توأم با روش‌های شناختی-رفتاری در درمان تنوع طلبی جنسی می‌پردازد.

مقاله «ریشه‌یابی گرایش به تنوع طلبی در جامعه‌ی اسلامی و غربی» به قلم نویسندگان علی عطاfer و احسان نامدار که سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. این مقاله به بررسی خواسته‌های تنوع طلبی انسان می‌پردازد و معتقد است تنوع طلبی در راستای الگوی مبتنی بر مادی‌گرایی غربی و لذت طلبی صرف بوجود آمده است.

پایان نامه هایی نیز در رابطه با این موضوع به رشته تحریر درآمده از جمله پایان نامه «رابطه هیجان خواهی و حمایت اجتماعی ادراک شده با تنوع طلبی جنسی» به نوشته نرگس خان کرمی که در سال ۱۳۹۵ نوشته شده، پژوهشی در باره بررسی رابطه هیجان خواهی و حمایت اجتماعی ادراک شده با تنوع طلبی در جمعی از مردان متاهل می‌باشد. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که میزان هیجان خواهی افراد تا حدی به میزان تنوع طلبی آنها بستگی دارد.

پایان نامه «مد و مدگرایی بر اساس سبک زندگی اسلامی با تکیه بر پوشش و آراستگی» اثر فاطمه خرمایی که سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط است که به مدگرایی و پیامدهای آن پرداخته و حس زیبایی طلبی را از عوامل آن دانسته و گوشزد می‌کند که تنوع طلبی یکی از علت‌های مهم مدگرایی می‌باشد.

با بررسی آثار مرتبط در این زمینه در حد امکان مشاهده شد که بیشتر آثار به تنوع طلبی جنسی پرداخته به نحوی که با وجود جستجوی بسیار در منابع، اثری که به سایر انحای تنوع طلبی پرداخته باشد، یافت نشد لذا این پژوهش بر آن شد که در سایر اقسام تنوع طلبی نیز تحقیق کرده و به برخی از علل فردی و اجتماعی تنوع طلبی مذموم با بهره‌گیری از روایات بپردازد.

۲- انحاء تنوع طلبی مذموم

تنوع طلبی مذموم در واقع رفتار اشتباهی است که برخی از افراد به صورت اختیاری نسبت به خود و نحوه زندگی شان در پیش می‌گیرند. این تنوع طلبی به انحای مختلفی از جمله در تنوع طلبی در خوراک، پوشاک، وسیله سواری، وسایل منزل، محل سکونت، چهره ظاهری، شغل و حرفه و امور جنسی مشاهده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یکی از انحای تنوع طلبی، تنوع طلبی در خوراک است که این رفتار در طول تاریخ مصادیقی دارد از جمله قوم بنی اسرائیل که بر یک نوع غذا صبر نکرده و با تنوع طلبی خود از حضرت موسی علیه السلام خواستند که برای آنها خوراکیهای متنوع بیاورد.

خدایتعالی در قرآن در باره آنها می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (به یاد آرید) وقتی که به موسی اعتراض کردید که ما بر یک نوع طعام صبر نخواهیم کرد،

از خدای خود بخواه تا برای ما از زمین نباتاتی برآورد مانند سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا می‌خواهید غذای بهتری را که دارید به پست‌تر از آن تبدیل کنید؟ (حال که تقاضای شما این است) به شهر مصر فرود آید که در آنجا آنچه درخواست کردید مهیاست. و بر آن‌ها ذلت و خواری مقرر گردید، و چون دست از ستمکاری و عصیان برداشته و به آیات خدا کافر می‌گشتند و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار شدند» (سوره بقره، آیه ۶۱).

آیه مورد بحث چگونگی کفران و ناسپاسی قوم بنی اسرائیل را در برابر نعمت‌های بزرگ الهی منعکس کرده و نشان می‌دهد که آنها بر اثر تنوع طلبی من و سلوی را که هرچند طعام الهی و خوب و لذیذی بوده آن را با عبارت «واذا قلت یا موسی لن نصبر علی طعام واحد» پس زده و به این ترتیب کفران نعمت می‌کنند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۶).

نوع دیگری از تنوع‌طلبی، تنوع‌طلبی در ظاهر است که شامل تنوع طلبی در پوشاک و چهره ظاهری می‌شود. گرایش به سوی لباس‌های متنوع و مارک‌دار از جلوات این نوع تنوع‌طلبی است که خود موجب اتلاف زمان و هزینه شده و معمولاً رضایت فرد را به دنبال ندارد. از دیگر اقسام تنوع‌طلبی ظاهری، تنوع‌طلبی در چهره و اندام ظاهری است که انواع عمل‌های زیبایی را به دنبال دارد.

از دیگر اقسام تنوع‌طلبی ظاهری، تنوع‌طلبی در لوازم منزل، در وسیله نقلیه و در محل سکونت است که انسان را دچار وسواس فکری و غفلت کرده، ثمری جز اسراف نداشته و هدف آفرینش را از یاد او می‌برد.

نوع دیگری از تنوع‌طلبی، تنوع طلبی در شغل و حرفه است که اثرات بسیار مخرب بر زندگی افراد می‌گذارد. منظور از این نوع تنوع طلبی، این است که افراد در شغل خود، ثبات و ایستایی نداشته و هر روز از یک حرفه به حرفه دیگر رفته و فعالیت قبلی خود را رها می‌کنند. این موضوع بقدری در زندگی این افراد مشهود است که دیگران به راحتی این موضوع را درک کرده و برایشان قابل لمس می‌باشد. برخی از افراد بدون اینکه خود و مهارت‌های خود را بشناسند و آگاهی از شخصیت خود داشته باشند مدام شغل خود را عوض کرده و قبل از اینکه در یک شغلی موفق شوند و آن شغل به ثمر برسد آن را ناقص رها کرده و به سوی شغل و حرفه دیگر می‌روند. این رفتار در جایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی و خانوادگی آنها اثر گذاشته و از این افراد،

شخصیت متزلزل اجتماعی می‌سازد (برگرفته از حسن زاده، ۵۵ نکته جهت رهایی از استرس، ۱۳۸۴).

یکی دیگر از انحای تنوع‌طلبی، تنوع‌طلبی در رشته تحصیلی است که امروزه در قشر جوان به وفور مشاهده می‌شود. شاید تغییر رشته در مواردی که واقعا علاقه وجود ندارد، صحیح باشد ولی تکرار در این امر، موجب اتلاف وقت و سردرگمی است. شرکت در کلاس‌های مختلف و نیمه‌رها کردن آنها نیز از مصادیق همین مورد است. بسیاری از جوانان با شور و هیجان زیاد در کلاسهای هنری، ورزشی و حتی اعتقادی شرکت می‌کنند ولی بعد از چند جلسه این شور و هیجان کم شده و دیگر ادامه نمی‌دهند که این خود در طول موجب حس ناتوانی و ناکارآمدی در شخص می‌شود (برگرفته از حسن زاده، استرس نه؟!).

یکی دیگر از انواع تنوع‌طلبی، تنوع‌طلبی جنسی است که آسیب‌های خطرناکی داشته و خانواده را تهدید کرده و مانع تحکیم این رکن مقدس می‌شود. درست است که اسلام با لحاظ شروطی سخت مانند برقراری عدالت، چند همسری را تجویز کرده؛ اما این به معنای جواز تنوع‌طلبی و رفتار خودخواهانه مرد در ارتباط با زن نیست. هرگاه مرد بخواهد از این جواز شرعی سوء استفاده کند و بدون هیچ دلیلی همسرش را رها کند، این عمل نزد خداوند متعال منفور است. از امام باقر علیه السلام در این باره روایت شده که میفرماید: «خداوند متعال از مردان پرطلاق و تنوع‌طلب در ازدواج نفرت دارد» (دانشنامه تحلیلی بر آسیب‌های تنوع‌طلبی، ج ۳، ص ۱۲۶، ح ۶۴۷).

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام از تنوع‌طلبی جنسی مردان بی‌زاری جسته و نفرت و انزجار خود را از این دسته مردان اعلام می‌دارد. قال صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مُطَّلَقٍ ذَوَّاقٍ. قطعاً خداوند عزوجل مردانی را که تنوع‌طلب هستند و زنانشان را زیاد طلاق می‌دهند، دشمن میدارد و از آنها متنفر است» (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۵).

۳- برخی از علل تنوع‌طلبی مذموم

در این قسمت به برخی از علل فردی و اجتماعی تنوع‌طلبی پرداخته می‌شود.

۳-۱- علل فردی

علل فیزیولوژیکی، حس کنجکاوی، ابراز وجود و میل به دیده شدن، هیجان‌طلبی از علل فردی انسان تنوع‌طلب است.

۳-۱-۱- علل فیزیولوژیکی

یکی از عللی که منجر به تنوع طلبی مذموم در انسان می‌شود، علل فیزیولوژیکی است. انسانها با توجه به ژن و عقبه خانوادگی که دارند، زمینه ثبات شخصیت یا تزلزل و تنوع طلبی در آنها متفاوت است. از همین جهت است در خانواده ای که مادر یا پدر تنوع طلب هستند تمایل فرزندان به تنوع طلبی بیشتر است. بخشی از این شباهت رفتاری به انتقال وراثتی مربوط می‌شود.

تفاوت در تمایلات بر اثر علل فیزیولوژیکی در حوزه جنسی بیش از سایر حوزه‌ها مشاهده می‌شود. افرادی هستند که به جهت ساختمان جسمی که دارند در کنترل نیازهای خود با سختی بیشتری نسبت به سایر افراد روبرو هستند. البته باید توجه داشت که انسان نمی‌تواند به دلیل مداخلات ژنتیکی و فیزیولوژیکی بدن و امثال آن به رفتارهایی که منافی اصل کرامت انسانی هستند، رضایت دهد. چنانکه امام صادق(ع) در این باره می‌فرمایند: «به راستی که پروردگار تمام امور مؤمن را از نظر تصمیم‌گیری به خود او واگذار نموده است اما به وی اجازه ذلیل کردن نفس خود را نداده است» (خبر گذاری مهر، دین و اندیشه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲)؛ اما اثری که وراثت بر وجود انسان می‌گذارد غیرقابل انکار بوده و در زندگی فردی و اجتماعی او تأثیرگذار است.

نکته قابل توجه دیگر این است که رفتارهای بشر تحت تاثیر عوامل زیادی قرار می‌گیرند. آنچه از جهت ژنتیک به فرزند منتقل می‌شود، ممکن است در ثبات شخصیت او و رفتارهای تنوع طلبانه‌اش به خصوص در حوزه جنسی تأثیر داشته باشد ولی نمی‌توان منکر تأثیر عوامل محیطی یا تجربه‌های زندگی شد. محققان در این رابطه به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود شواهد قوی در تأثیر عوامل ژنتیکی بر رفتارهای جنسی؛ اما تأثیر عوامل فرهنگی و محیطی بر این زمینه اثری باعث تفاوت در این رفتارها می‌شوند و به فرد کمک می‌کند تا با شرایط و موقعیت خود را تطبیق دهد. دانشمندان دانشگاه آکسفورد به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار جنسی هر فرد محصول ترکیبی از ژنتیک و عوامل فرهنگی و اجتماعی است (برگرفته از سالک حسینی، تنوع طلبی چیست؛ <https://ravannik.com>).

۳-۱-۲- حس کنجکاو

یکی دیگر از علل تنوع طلبی مذموم، حس کنجکاو است که باعث ایجاد عدم آرامش و امنیت در انسان می‌شود و علت این کنجکاو هیجان‌ات خاموش نشده ای است که بخاطر کشف نادیده‌ها و میل به تجربه کردن انحاء تنوع طلبی‌ها و ناتوانی در حل تعارضات خواسته‌ها ایجاد

می‌گردد. انتهای این کنجکاوی به سردر گمی در زندگی و هدف انسان منجر می‌گردد و باعث بیماری تنوع طلبی مذموم می‌شود.

فرد کنجکاو با کنکاش در امور مردم و مقایسه زندگی خود با دیگران، گرفتار نوعی خود کم بینی شده و خود و داشته هایش را در میان دارایی‌های دیگران، خوار و پست می‌شمارد. کنجکاوی و چشم داشتن به داشته های دیگران یکی از خطراتی است که سعادت دنیوی و اخروی ما را به شدت تهدید می‌کند. اگر کسی به این ورطه افتاد که هر چه دیگران دارند، بهترش را داشته باشد، دست به اعمالی خواهد زد که آخرت سوز و ویرانگر است. این فرد چون از داشته های خودش ارضاء نمی‌گردد، همیشه در سدد بدست آوردن نمونه بعدی بوده و هیچگاه از داشته های خودش لذت نخواهد برد و این همان تنوع طلبی مذموم است.

قرآن کریم در مواردی افراد را از پرس و جو منع می‌کند. کنجکاوی و پرس و جو درباره آنچه که دانستنش حرام است یا برای انسان مشکل می‌آفریند یا تکلیف او را سنگین و طاقت فرسا می‌کند تا جایی که ممکن است منشأ کفر و الحاد او بشود. آیه ۱۲ سوره حجرات در این رابطه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و [هرگز در کار دیگران] تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند» (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۴۷). یکی از مصادیق این تجسس، تجسس و کنجکاوی در دارایی مردم و به تبع آن تنوع طلب شدن است.

کنجکاوی نه تنها باعث دخالت در حریم زندگی خصوصی مردم می‌شود بلکه باعث می‌شود فرد کنجکاو تحت تاثیر دارایی های فرد مقابل قرار گرفته و مرغ همسایه را غاز پنداشته و از داشته های خود بهره نبرده و مدام در حال تغییر و تحول باشد.

۳-۱-۳- ابراز وجود و میل به دیده شدن

ابراز وجود و میل به دیده شدن یکی از عللی است که باعث تنوع طلبی فرد می‌شود. اگر فرد در محیطی ناامن و بدون آرامش بزرگ شود و نیازهای او مورد بی توجهی والدین قرار گیرد، برای ارضای نیازهای خود مدام راه های گوناگونی را تجربه می‌کند و یکی از این راه ها میل به دیده شدن است.

عوامل متعددی در شکل‌گیری روحیه ابراز وجود و میل به دیده شدن دخیل است از جمله حس ناامنی و عزت نفس کم.

مواجهه با ناامنی‌های فیزیکی و عاطفی ممکن است، میل به توجه‌خواهی را در افراد تقویت کند. گرچه توجه‌طلبی در نگاه نخست رفتار آسیب‌زنده‌ای به نظر نمی‌رسد؛ اما روش بسیار ناسالمی برای مواجهه با احساس ناامنی است. علاوه بر این، احتمال دارد که چنین خصیصه‌ای روابط فرد با خانواده و دوستانش یا حتی با غریبه‌ها را هم دچار تنش کند. (برگرفته از مقاله افخمی، نشریه چطور، سلامتی، روانشناسی).

اختلال‌های شخصیتی نیز ممکن است منجر به بروز رفتارهای توجه‌جویانه شوند. آن دسته از افرادی که به بیماری‌هایی همچون شخصیت خودشیفته یا اختلال شخصیت مرزی دچارند، در بیشتر موارد دست به اعمال توجه‌جویانه می‌زنند.

یکی از علائم اولیه و اصلی افراد مبتلا به اختلال شخصیت نمایشی نیز این است که افزون بر بروز واکنش‌های احساسی و عاطفی شدید، رفتار توجه‌جویانه از خود به نمایش می‌گذارند. ابتلا به عارضه‌های دیگری همچون بیش‌فعالی (ADHD)، اضطراب و دوقطبی هم ممکن است فرد را به‌سوی بروز رفتار توجه‌جویانه سوق دهد (همان).

فرد به خاطر میل به دیده شدن و این که با دیده شدن ارضاء می‌شود، مجبور است لباسهای متنوع و عجیب بپوشد یا تغییراتی در ظاهر خود ایجاد کند ولو این تغییرات زیبا نباشد ولی همین که جلب توجه کند، برای فرد کافی است.

۳-۱-۴- هیجان طلبی

یکی از علل ایجاد تنوع طلبی مذموم، هیجان طلبی است. اگر به رفتارهای ناسالم دقت نگردد باعث می‌شود هیجانانگیز شدن شخص کنترل نشده و بیراهه رفته و سراز خیال پردازی‌ها در آورده و از حقیقت‌ها و واقعیت‌ها دور شود و انسان را درگیر تنوع طلبی‌های متعدد مذموم نماید که نتیجه‌ای جز سرخورده‌گی و ابتلای به انواع اختلالات روانی ندارد.

فرد هیجان‌خواه، تحریک بیرونی دائمی مغز را ترجیح می‌دهد، از کارهای عادی خسته می‌شود و مرتباً در جستجوی راه‌های برای افزایش انگیزندگی از طریق تجربه‌های هیجان‌انگیز است. فرد

کم هیجان خواه، هجوم مداوم تحریک مغزی کمتری را ترجیح می‌دهد و کارهای عادی را نسبتاً خوب تحمل می‌کند (برگرفته از کرمانی، ویژگی‌های افراد هیجان خواه، ۱۳۹۹).

گاهی شادی انسان‌ها همراه با اموری می‌شود که شایسته یک فرد مؤمن نیست، طبق آیات قرآن، شادی کافران در دنیا به چند صورت جلوه می‌کند، سرور کافران در دنیا آمیخته با غرور است، هر گروهی از منحرفان و مشرکان از راهی که انتخاب کرده اند، خوشحالند و همان را حق می‌پندارند که دلیل این تصویر آن است که هوی و هوس کارش زینت کردن خواسته‌های دل در نظر انسان است و این تزئین، نتیجه دلبستگی هر چه بیشتر و خوشحالی به خاطر راهی است که برگزیده، هر چند بیراهه و گمراهی باشد. طلب شادی و هیجان یکی از عوامل مبتلا شدن به تنوع‌طلبی مذموم است که آثاری بس مهلک دارد. (برگرفته از قاهری، فرح و شادمانی ممدوح و مذموم از منظر قرآن و روایات).

پس انسان بخاطر هیجان طلبی مذموم خود ناچار است راه‌های گوناگونی را انتخاب کند که هرکدام بیراهه است و به هرج و مرج بیماری تنوع‌طلبی می‌رسد.

۳-۲- علل اجتماعی

تنوع‌طلبی مذموم علل اجتماعی دارد که در تمام زوایای انسان تاثیر گذار است. چند مورد در این مبحث ذکر می‌شود.

۳-۲-۱- الگو پذیری از دوستان

انسان‌ها به طور طبیعی تمایل دارند تا الگوهایی را در دنیای اطراف خود جستجو کنند؛ زیرا مغز به دنبال الگوها و ارتباطات است. الگو پذیری می‌تواند بر باورهای شخصی و تصمیم‌گیری فردی تأثیر بگذارد که این امر می‌تواند منجر به سوگیری‌ها و باورهای نادرست شود و بر زندگی شخصی و حرفه‌ای فرد تأثیر بگذارد (برگرفته از مقاله کلینیک روانشناسی آوان، ۱۴۰۲).

مردم، قهرمانان خود را الگوی فرهنگی و الگوی رفتار و منش خود می‌شمارند، حتی اگر به آنها دسترسی نداشته باشند در عالم خیال و رویا از بسیاری جهات او را الگوی رفتار خویش قرار می‌دهند و از تصور خاص او، رفتار و از گفتار او شیوه لباس پوشیدن و قیافه او و هرچیز دیگر الهام می‌گیرند.

یکی از عوامل پیدایش تنوع طلبی این است که انسان، رفتار گروه یا فردی را برای خود الگو و ملاک قرار دهد و از طریق آنها و الگو پذیری از آنها افکار و نگرش خود را بر اساس آن تغییر دهد.

یکی از دلایل الگوپذیری از دوستان، ویژگی کمال گرایی است. این ویژگی باعث می‌شود تا فرد یا افرادی که در نظر او، شخصی کامل و دارای صفات خوب هستند را برای خود الگو قرار دهد و سعی کند در ظاهر و باطن شبیه این الگو شود.

اجتناب از الگو پذیری های مداوم از دوستان تنوع طلب مورد تاکید قرآن است. آیات معرف الگوهای منفی آیاتی هستند که «لاتطع»، «لاتطیعوا» و «لاتتبع» در آنها آمده، و الگوهای منفی را معرفی می‌فرماید. از جمله هیه ۴۸ سوره احزاب که می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُوا الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ؛ و از کافران و منافقان اطاعت نکن (قرآنی، پرسش و پاسخهای قرآنی، ص ۱۹).

ایجاد باورهای نادرست و هدایت بدون تفکر انسان به سوی الگوهای غیر استاندارد و نادرست از معایب الگو پذیری بوده و انسان را بعد از گمراهی به نابودی اخلاقی و دینی و ... می‌کشاند.

۲-۲-۳ تأثیر فضای مجازی

یکی از عواملی که باعث تنوع طلبی فرد می‌شود و او را به نا آرامی و سردرگمی می‌کشاند استفاده از فضاهای مجازی و شبکه های ماهواره ای است. فضاهای نامبرده به این دلیل که مملو از ایده ها و الگوهای جدید است و با گسترش تکنولوژی به راحتی در دسترس قرار می‌گیرد، حس تنوع طلبی افراد را افزایش می‌دهد.

تأثیر فضای مجازی به این نحو است که افراد به دارایی های خودشان راضی نبوده و مدام در فکر تغییر وسایل منزل، موقعیت جدید، محل سکونت، تغییر رشته و حتی تغییر رابطه جنسی و غیره هستند که حاصلی جز تشتت و پریشانی فکر ندارد.

به عنوان نمونه در باب تنوع طلبی جنسی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ مِنْ تَرْكِهَا لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ اَعْقِبَهُ اللّٰهُ اِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ؛ نگاه به نامحرم تیر زهرآلوده ای از تیرهای شیطان است. هر کس آن را برای خدا ترک کند نه بخاطر غیر او، خدا ایمانی به او می‌دهد که مزه آن را می‌چشد» (شیخ صدوق، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، ص ۶۰۴) که امروزه زمینه نگاه به نامحرم و به تبع آن دچار تنوع طلبی شدن بیش از گذشته فراهم است.

تعاملاتی که در این فضا اتفاق می‌افتد، برای کاربران اینترنتی، ذهنیت و گرایش جدیدی ایجاد می‌کند که می‌تواند رفتار و تعاملات آن‌ها را در دنیای حقیقی، تحت تأثیر قرار بدهد. ضمن این که ارتباطات اینترنتی می‌تواند انگیزه بیشتری را برای کاربران در بازی با هویت، رفتارهای آزمایشی و ارائه تصویری غیرواقعی فراهم سازد (برگرفته از طاهریان، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر خانواده و فرهنگ).

بنابراین وقتی رسانه‌ها، شبکه‌های مجازی با الگوها و منابع ضد ایرانی و ضد اسلامی همسو باشند و با تبلیغات غیرهمگون و همراه با فشارهای روحی و روانی حرکت کنند باعث انحراف فرد در مسائل فرهنگی اعتقادی و اجتماعی می‌شوند. این شبکه‌ها در فضاهای مجازی با اهدافی متفاوت روی نیازهای حساس انسان سایه افکنده و منجر به ایجاد حس پرشوری تنوع طلبی مذموم گشته و میل انسان را به داشتن همه کالاها و ایده‌ها و تغییرها تحریک می‌کند.

۳-۲-۳- فخرفروشی

فخر فروشی یکی از دلالتی است که باعث ایجاد تنوع طلبی مذموم در انسان می‌شود. فردی که به رذیله فخر فروشی مبتلا شده، مدام با تغییر لباس، اتومبیل، چهره، شغل و غیره تلاش می‌کند دارایی خود را به رخ دیگران کشیده و ابراز وجود کند.

در این باره حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «أَهْلَكَ النَّاسَ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلَبُ الْفَخْرِ؛ دو چیز مردم را هلاک کرده: ترس از نداری و فخرطلبی» (شیخ صدوق، الخصال، ج ۶۹، ص ۱۰۲).

و همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «إِنَّ لِإِبْلِيسَ كُحْلًا وَ أَعْوَقًا وَ سَعَوَطًا، فَكُحْلُهُ النَّعَاسُ وَ أَعْوَقُهُ الْكَذِبُ وَ سَعَوَطُهُ الْفَخْرُ؛ شیطان سرمه‌ای دارد و لیسک و انفیه‌ای؛ سرمه‌اش چُرت است و لیسکش دروغ و انفیه‌اش فخر فروشی» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۳۴). چنان که ملاحظه شد فخرفروشی یکی از ابزارهای شیطان و از مواردی که اگر اصلاح نشود انسان را به هلاک می‌اندازد.

یکی از عللی که فخرفروشی را مهلک می‌سازد، انگیزه‌ای است که این رذیله برای تنوع‌طلبی ایجاد می‌کند و چون فخرفروشی نو به نو در انسان تازه می‌شود، حس تنوع‌طلبی فرد نیز انتهایی نداشته و ارضاء نمی‌شود. چنین فردی از اهداف والای آفرینش و مقصودی که برای آن خلق شده به دور مانده و مشغول بازی‌های دنیا می‌شود.

۳-۲-۴- کسب موقعیت اجتماعی

جایگاه، رتبه و موقعیت اجتماعی از موارد اکتسابی است. انسان می‌تواند به عنوان یک انسان خالق زندگی خود، به خواسته‌های خود رسیده ولی اگر این کسب موقعیت‌ها به افراط کشیده شود به تنوع طلبی‌های گوناگون در این زمینه کشیده می‌شود.

یکی از عوامل تنوع طلبی، کسب موقعیت اجتماعی می‌باشد. گاهی افراد به خاطر موفقیت خود در موقعیت اجتماعی از حرفه و شغلی به شغل دیگر روی آورده و می‌پندارند با داشتن برخی از اولویت‌ها امکان ورود به تعدادی از حرفه‌ها دارند این افراد مدت محدودی در حرفه‌های مختلف باقی می‌مانند و با وجود کسب مهارت‌های متنوع در حرفه‌های مختلف ثابت قدم نمانده و دچار تنوع طلبی در کسب موقعیت‌های اجتماعی می‌شوند. این افراد به دلیل این که قادر نیستند پیش بینی کنند که آینده شغلی آنها چگونه است، مهارت‌های متفاوتی رو کسب کرده ولی به خاطر تنوع طلبی اجازه نمی‌دهند تلاش‌هایشان به ثمر نمی‌رسانند و به امید حرفه‌ای بهتر و موقعیت اجتماعی بالاتر سرگردان و بی‌ثمر می‌مانند. در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إذا كان الرجل علی عمل فليدم عليه سنه، ثم يتحول عنه إن شاء الی غیره؛ هرگاه شخصی کاری را آغاز کند، باید تا یک سال آن را ادامه بدهد» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲).

یکی از مهم‌ترین ارکان هر کار، هدف آن است؛ هر کاری با شناخت هدف شروع شود سریع‌تر و بهتر به نتیجه می‌رسد. تمام کارهای انسان می‌تواند با داشتن هدف صحیح عبادت به حساب آید، تا هم مورد توجه پروردگار قرار گیرد و هم انسان با انجام دادن آنها به هدف نهایی خود نزدیک‌تر گردد. اگر انسان در همین کارهای تجاری و مبادلات هم توجه به هدف و شرائط آن داشته باشد، می‌تواند همه آنها را به عنوان اطاعت الهی انجام دهد و خود را به هدف برساند. اما گاهی بزرگترین اهداف انسان از جمله کسب موقعیت‌های اجتماعی، بزرگترین دشمن انسان شده و فرد با پیروی کورکورانه بدون تمرکز در مسیر آن قدم برمی‌دارند و گرفتار تنوع‌های مذموم و مدل‌های گوناگون راه شده و هرروز از هدف نهایی خود دورتر خواهند شد. کسب موقعیت‌های اجتماعی مختلف بدون داشتن مسیر درست و شفاف در انتها به بیراهه‌های متنوع و زودگذر خواهد رسید.

۴- نتیجه

تنوع طلبی مذموم انحاء و اقسامی دارد از جمله در ظاهر انسان، درمحل سکونت، شغل و حرفه، رشته تحصیلی، تنوع جنسی، تغییر در وسایل منزل.

تنوع طلبی دارای علل فردی و اجتماعی است. در حوزه علل فردی، می‌توان به عوامل فیزیولوژیکی اشاره کرد. برخی از افراد به دلیل نوع آفرینش و خلقت و ژنی که به همراه دارند، زمینه بیشتری در تنوع طلبی دارند. از عوامل فردی دیگر تنوع طلبی می‌توان به حس کنجکاوی اشاره کرد که به عنوان مثال فرد را به تغییرات در چهره و شغل و .. ترغیب می‌سازد.

ابراز وجود و میل به دیده شدن از دیگر علل فردی تنوع طلبی است به این نحو که فرد به تغییرات مختلف و متنوع دست می‌زند تا این تغییرات موجب جلب نظر و توجه دیگران شود.

در جانب علل اجتماعی هم میتوان به الگو پذیری از دوستان اشاره کرد. فرد با الگوگیری از دوستان تنوع طلب به این وادی افتاده و وجه همت خود را بر آن می‌گمارد. در علل اجتماعی تنوع طلبی می‌توان به تاثیر فضای مجازی اشاره کرد که اثرات بسیار مخربی در مسائل فرهنگی و اعتقادی و اجتماعی و اخلاقی ایجاد می‌کند. کسب موقعیت اجتماعی هم از دیگر علل اجتماعی تنوع طلبی مذموم است. فرد در این مورد برای رسیدن به موقعیت اجتماعی دلخواه از این رشته درسی به آن رشته و از این شغل به آن شغل پرداخته که این امر ثمری جز هدر رفتن عمر و سرمایه عایدی ندارد لذا انسان باید در این موارد کمال دقت و توجه را داشته باشد چون بعد از طی زمانی طولانی و از دست رفتن توان و معونه، حاصلی برای چنین انسان باقی نمانده و زندگی دنیا و آخرت او نابود می‌شود.

چه بسیارند افرادی که با تنوع طلبی مذموم، نه تنها از داشته‌های خود لذت نمی‌برند، بلکه به بیماریهای روحی و روانی از جمله افسردگی مبتلا شده و تبدیل به یک فرد بدون انگیزه و بی اراده می‌شوند که هر لحظه خواستار تغییر و تنوع در زندگی خود می‌باشند. از این رو در آیین های الهی به خصوص دین مبین اسلام از تنوع مذموم نهی گردیده است.

منابع

قرآن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الخصال، قم: نشر جامعه، مدرسین، ۱۳۶۲
۲. _____، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، نشر رضی، ۱۳۶۸
۳. پرخو، شهربانو، "سلامت روانی مردان تنوع طلب، تهران: انتشارات آتری سا، ۱۳۹۶
۴. حسن زاده، محسن، "۵۵ نکته جهت رهایی از استرس"، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بنفشه، ۱۳۸۹
۵. _____، "استرس نه" مشهد مقدس: انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۱
۶. خان کرمی، نرگس، پایان نامه "هیجان خواهی و حمایت اجتماعی ادراک شده با تنوع طلبی جنسی"، تهران: دانشکده آزاد روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۵
۷. خدایاری فرد، محمد و همکاران، مقاله "اثر بخشی روان شناختی خانواده محور، مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی بر رضایت زناشویی"، نشریه روانشناسی خانواده، سال ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۱، صص ۳۰-۱۷
۸. دانشنامه "تحلیلی بر آسیب های تنوع طلبی"
۹. رضاییان بیلیدی، حسین و همکاران، "تبیین تنوع طلبی جنسی بر اساس طرح وارده های ناسازگار اولیه سبک های فرزند پروری و خلق و خو"، انتشارات اندیشه و رفتار، ۱۳۹۶، مجله روان شناسی بالینی دوره ۱۱ش، ۱۳۹۵، صص ۱۶-۷
۱۰. سالک حسینی، الهه، "تنوع طلبی چیست؟"، موسسه روان نیک، آرامش و آگاهی، مرکز مشاوره روانشناسی آنلاین؛ [Comhttps://ravannik](https://ravannik.com)
۱۱. صالحی، سیدعباس، خبرگذاری مهر، دین و اندیشه، "دو معیار اسلام برای انجام تغییرات بدن، مالکیت انسان بر بدنش مشروط است"، تهران، ۱۳۹۲؛ <https://www.mehrnews.com>
۱۲. عطا فر، علی؛ نامدار، احسان، "مقاله ریشه یابی گرایش تنوع طلبی در جامعه اسلامی و غربی"، ۱۳۹۷
۱۳. فرهادیان، ویژگی های افراد هیجان خواه، " ۱۳۹۱
۱۴. قاهر، الهام، "مقاله فرح و شادمانی ممدوح و مذموم در منظر قرآن و روایت"، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۸

۱۵. قرائتی، محسن، "پرسش و پاسخهای قرآنی"، انتشارات فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۴-۱۳۸۷
۱۶. کرمانی، فاطمه، "بررسی رابطه سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی با میزان هیجان خواهی در امداد گران"، ۱۳۹۹
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۶۳
۱۸. کیانی، محمد صادق، "الگو پذیری و راه های مقابله با آن"، آوان کلینیک، مددکار اجتماعی، ۱۴۰۲
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۱۵
۲۰. محمدی، داود، "روانشناختی جنسی، رویکرد تکاملی به جذابیت تنوع طلبی، تهران: انتشارات آذر فر، ۱۳۹۷
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، "اخلاق در قرآن"، قم: مدرسه علی بن ابیطالب ع، ۱۳۷۷
۲۲. نویدی مقدم، مسعود، "روانشناختی مدگرایی"، تهران: انتشارات خط آفرین، ۱۴۰۰.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

راهکارهای علمی کنترل نفس از منظر قرآن صص ۱۰۵-۱۲۲


اعظم هاشمی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

نفس به معنای ذات و حقیقت شیء و کنترل نفس به حالتی درونی گفته می‌شود که انسان به واسطه آن خود را ملزم به انجام یا ترک برخی امور می‌کند. مطابق آموزه‌های دینی، انسان برای رسیدن به سعادت و تکامل باید بر نفس خود، مدیریت داشته باشد تا بتواند آن را کنترل کند، زیرا عدم کنترل نفس آسیب‌های جدی را بر فرد و جامعه وارد می‌کند و بسیاری از جرائم و گناهان حاصل عدم کنترل نفس می‌باشد. برای کنترل نفس ضرورت دارد به یک منبع کامل و الگوی مناسب رجوع نمود که تمسک به آیات الهی به عنوان جامع‌ترین منابع در جهت ارائه راهکارهای عملی کنترل نفس می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت گرفته حاکی از آن است که عواملی نظیر ایمان به خدا، توکل، یاد خدا، خوف و رجاء، اعتقاد به عدالت الهی و معاد از راهکارهای علمی کنترل نفس بوده و بین رعایت این راهکارها و کنترل نفس رابطه مستقیم وجود دارد.

کلید واژه‌ها: راهکارهای علمی، قرآن، کنترل نفس، نفس.

^۱. دانش‌پژوه حوزه نجمه‌خاتون  azamhashemi@gmail.com

۱- مقدمه

کنترل نفس، مدیریت بر خویشتن است که انسان به واسطه آن خود را ملزم به انجام یا ترک برخی امور می‌کند و معادل آن در متون دینی و اسلامی خویشتن داری است که به حالتی درونی گفته می‌شود که مانع از عملی شدن هر فکر یا رفتاری خواهد شد.

از آنجاکه انسان دائم در حرکت و سیر و سلوک است و حرکت او گاهی به‌سوی بالا و به اصطلاح سیر صعودی و گاهی به‌سوی پایین و سیر نزولی است؛ اگر زمام امورش در اختیار عقل و شرع باشد، قهراً سیرش صعودی خواهد بود و اگر تابع هوا و هوس باشد یعنی زمام امرش به‌دست نفس و هواهای نفسانی باشد سیرش نزولی و منتهی به اسفل‌السافلین خواهد بود، لذا مهار و کنترل نفس در راستای رسیدن انسان به سیر صعودی ضروری است.

قرآن کریم به عنوان کتابی کامل برای هدایت انسان‌ها، راهکارهای متعددی را برای کنترل نفس ارائه داده است که برخی از این راهکارها با بالا بردن شناخت و آگاهی انسان می‌توانند موجبات تقویت کنترل نفس را فراهم آورند که به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۵۱ سوره توبه به اثر توکل در اطمینان و آرامش بخشی نفس انسان و کنترل آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد مگر آنچه خداوند برای ما مقرر داشته است، او پشتیبان و مولای ما است و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند». همانطور که در آیه مشخص است این تفکر و بینش که هر چه برای انسان رخ دهد از سوی خداوندی است که ولی و دوست و صاحب اختیار انسان است «هُوَ مَوْلَانَا» موجب توکل کردن و واگذاری امور به ذات اقدس الهی شده و انسان را بی‌نیاز می‌کند از این که بخواهد برای رسیدن به خواسته‌اش به اموری دست بزند که شایسته نیست و از این جهت موجب کنترل نفس می‌شود.

آیه دیگری که می‌توان در این زمینه به آن اشاره نمود. آیه ۲۶ سوره فتح است که می‌فرماید: «فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهُ عَلَى رَسُوْلِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ، وَالزَّمَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰی وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا؛ پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و در واقع آنان به رعایت آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته اتصاف به آن بودند...» در این آیه، ایمان به خدا و آن طمأنینه‌ای که از سمت ذات اقدس الهی برای مؤمنان ایجاد شده عامل وقایه و کنترل نفس مؤمنان یا همان تقوا دانسته شده است.

از دیگر راهکارهای قرآن کریم علاوه بر ایمان، توکل می‌توان به یاد خدا، اعتقاد به عدالت الهی، خوف و رجاء و اعتقاد به معاد و روز رستاخیز اشاره نمود که این پژوهش قصد دارد به امید خداوند متعال بدان پردازد.

با توجه به این که بین کنترل نفس و سعادت انسان، رابطه مثبت و معناداری برقرار است و همچنین با توجه به تأثیرات مثبت کنترل نفس بر زندگی انسان، نگارنده تحقیق درصدد برآمده تا راهکارهای علمی کنترل نفس از منظر قرآن را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه

با بررسی های انجام گرفته مشخص می‌گردد که پژوهش‌هایی در راستای موضوع مورد نظر انجام گرفته که از جمله کتاب «تهیم: قوی‌ترین نیروی کنترل نفس» نوشته مهدی احدی که در سال ۱۳۹۳ به زیور چاپ آراسته گردیده، مرتبط به موضوع است. در این کتاب عوامل سعادت نفس بیان شده و به طور اجمال نکاتی پیرامون کنترل نفس بیان کرده است.

کتاب «راهبری اعمال در پرتو خودآگاهی و خویشتن داری» اثر رویا دهقانی فیروزآبادی که در سال ۱۳۹۵ به زیور چاپ آراسته گردیده، تا حدودی مرتبط با موضوع است. در این کتاب بیشتر به راهکارهای عملی کنترل نفس پرداخته شده است.

کتاب «خودکنترلی در سازمان و مدیریت؛ با رویکرد اسلامی» از یاشار حسن زاده زورمند و دیگران که در سال ۱۳۹۵ به زیور چاپ آراسته گردیده، نزدیک به موضوع است. در این کتاب، نکارندگان در ۴ فصل به موشکافی ابعاد مختلف خودکنترلی پرداخته‌اند. در فصل اول به کلیات خودکنترلی (اصول، مبانی و...)، در فصل دوم به عوامل خودکنترلی، در فصل سوم به الگو و مدل‌های خودکنترلی و در فصل پایانی به تبیین رابطه خودکنترلی با نظریه‌های مدیریتی پرداخته شده است.

پایان نامه «نقش واسطه‌ای فرآیندهای خودشناسی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سلامت روان» اثر نازنین نصرالله که ۱۴۰۰ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. پژوهش مذکور به بررسی تعیین نقش واسطه‌ای فرآیندهای خودشناسی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سلامت روان پرداخته است.

پایان نامه «رابطه خودشناسی و خودکنترلی بر سلامت روان (با رویکرد اسلامی)» و مقایسه آن بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران» از نیره یعقوبی ممقانی که در سال ۱۳۹۷ به رشته تحریر درآمده، نزدیک به موضوع است. این پژوهش با هدف رابطه خودشناسی و

خودکنترلی بر سلامت روان با رویکرد اسلامی و مقایسه آن بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انجام گرفته است.

پایان نامه «اثر بخشی آموزش سبک زندگی اسلامی مبتنی بر نظر شیعه بر سلامت روان و خودکنترلی دانش آموزان متوسطه شهر شیراز» اثر فاطمه رمضانیان که در سال ۱۳۹۴ به رشته ی تحریر درآمده، به موضوع مورد نظر نزدیک است. هدف از پژوهش مذکور بررسی اثر بخشی سبک زندگی اسلامی مبتنی بر نهج البلاغه بر سلامت روان و خود کنترلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر شیراز در سال ۹۴-۹۳ بود.

مقاله «کارکرد های تربیتی خود کنترلی و نقش آن در سلامت روان از دید گاه قرآن و روایات» اثر حسین خاک پور، ولی الله حسومی و زهرا نیکو نژاد که در سال ۱۳۹۷ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط با موضوع است. در این مقاله بیان راه‌های رسیدن به خودکنترلی به صورت اجمالی بیان شده و مباحث روان‌شناسی آن مطرح گردیده است.

مقاله «بررسی عوامل ضعف خود کنترلی از منظر قرآن کریم» اثر سمیه دریسای و علینقی فقیهی که در سال ۱۳۹۸ به رشته تحریر در آمده، به موضوع مورد نظر نزدیک است. در این مقاله عوامل ضعف خود کنترلی از دیدگاه قرآن بررسی شده و برای هر یک از عوامل راهکاری نیز عرضه شده است.

مقاله «نقش فضیلت خویشتن داری در سلامت انسان» اثر نادر اربابی و حسین اسماعیلی که در سال ۱۴۰۲ به زیور چاپ آراسته گردیده، مرتبط با موضوع است. مقاله مذکور به نقش امور اخلاقی، بخصوص فضیلت خویشتنداری بر سلامت انسان پرداخته است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود، تلاش‌هایی ارزشمند پیرامون بررسی عوامل موثر در کنترل نفس وجود دارد و به تبیین مفهوم کنترل نفس و خویشتن داری توجه شده است؛ اما نگارنده در تلاش است به بررسی زوایای دیگری از مساله کنترل نفس نظیر خوف و رجاء، اعتقاد به معاد، اعتقاد به عدالت الهی و... که کمتر بدان پرداخته شده، بپردازد.

۲- مفهوم شناسی واژه نفس

قبل از ورود به مباحث اصلی از باب مقدمه ضرورت دارد، مفاهیم اصلی تبیین شود؛ لذا در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱- در لغت

واژه نَفْس در کتاب‌های لغت، بیشتر به معنی ذات و حقیقت شی آمده است، "قتل فلان نفسه" یعنی ذات و حقیقت خودش را هلاک کرد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۳۳) «نفس»، حقیقت و واقعیت انسان است که در طول حیاتش ثابت می‌ماند و با تغییر و حتی از دست دادن اعضا و جوارح انسانی خللی به آن وارد نمی‌شود که به معنای نظارت داشتن است. (مسعود و منطقی، «ارتباطات درون فردی از منظر اسلام»، ص ۲۱)

۲-۲- در اصطلاح

در مورد نفس در کلام فلاسفه دو گونه تعریف یافت می‌شود؛ تعریفی که به نفس از منظر علاقه‌اش به جسم می‌نگرد و تعریف دیگر از حیث اینکه جوهری مستقل و قائم به ذات است؛ در صورت اول نفس صورت جوهری برای جسم آلی است و بالتبع این دو جوهر (نفس و جسم) صورت و هیولا برای جوهر مرکبی هستند که همان موجود زنده است و در حالت دوم هر کدام از نفس و جسم جوهر مستقلی هستند. (بدوی، موسوعه الفلاسفة مدخل نفس، ج ۲، ص ۵۰۶) در واقع باید گفت که این نفس یک چیز بیشتر نیست، اما گاهی به جنبه متعلق بودن آن به بدن، نظر می‌شود و گاهی به جنبه وجود جوهری آن که امری غیر از وجود تعلق آن به بدن است.

۳- رابطه کنترل نفس و خویش‌داری

خویش‌داری یعنی، مراقب اعمال و اخلاق خویش بودن، و نظارت دقیق بر آن داشتن، و همه روز و در همه حال و در هر جا به کارهایی که از وی سر می‌زند، توجه کند. (مکارم‌شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۵۰) با توجه به معنای خویش‌داری مشخص می‌شود رابطه مستقیم با کنترل نفس دارد، همانگونه که خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند پروا کنید و هر کس به آن چه برای فردای (قیامت) خود فرستاده است، بنگرد. باز هم از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، به خوبی آگاه است. (حشر: ۱۸) هم چنین در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که فرمود: «يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مُهَيِّمًا عَلَى نَفْسِهِ، مُرَاقِبًا قَلْبَهُ، حَافِظًا لِسَانَهُ؛ سزاوار است انسان بر خویش‌داری مسلط و همیشه مراقب قلب خود و نگاهدار زبان خویش باشد». (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲۶، ص ۷۹۷)

بنابراین اگر انسان متوجه اعمال و رفتار خویش باشد و نظارت کامل بر آن‌ها داشته باشد، در واقع می‌تواند به خویش‌داری و کنترل نفس دست یابد.

۴- راهکارهای علمی کنترل نفس

از آنجا که انسان دائم در حرکت و سیر و سلوک است و حرکت او گاهی به‌سوی بالا و به‌اصطلاح سیر صعودی و گاهی به‌سوی پایین و سیر نزولی است؛ اگر زمام امور یک انسان در دست عقل و شرع باشد، قهراً سیرش صعودی خواهد بود و اگر تابع هوا و هوس باشد یعنی زمام امرش به‌دست نفس و هواهای نفسانی باشد، سیرش نزولی و منتهی به اسفل‌السافلین خواهد بود لذا برای رسیدن به مراتب صعودی باید نفس خود را کنترل کند.

برای کنترل نفس راهکارهای علمی و عملی متعددی وجود دارد. راهکارهای علمی در حوزه شناخت انسان واقع می‌شوند. زمانی که انسان به درجه‌ای از شناخت دست یابد که بتواند ایمان، توکل، یاد خدا و... را در وجود خود باور کند می‌تواند بر نفس خود چیره شود. راهکارهای علمی به راهکارهایی گفته می‌شود که بر باورها و اعتقادات انسان تأثیر می‌گذارد و با تقویت شناخت انسان را در مسیر هدایت قرار می‌دهد، بر خلاف راهکارهای عملی که در حوزه رفتار و عمل نمود پیدا می‌کند. با توجه به آیات و روایات می‌توان به راهکارهای علمی در زمینه کنترل نفس دست یافت؛ بدین منظور در ذیل به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱- ایمان به خدا

ایمان مصدر باب افعال، از ریشه «أ م ن» به معنای ایجاد اطمینان و آرامش در قلب خویش یا دیگری است. تصدیق کردن خبر کسی بر اثر اطمینان یافتن از صحت و عدم کذب آن و از بین رفتن ترس، اضطراب و وحشت از دیگر معانی کاربردی آن است (ابن فارس، مقائیس اللغه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۲۳).

ایمان به خداوند یعنی ایمان به ذاتی غایب، بلندمرتبه، دارای اختیار و قدرت کامل و شایسته‌ی اطاعت و بندگی. ایمان به خدا روح همه‌ی ادیان، از جمله اسلام و اساس همه‌ی باورها است و کتاب خدا و سنت پیامبرش ﷺ این حقیقت را به روشنی بیان نموده است. از نظر قرآن محل ایمان قلب است، درونی‌ترین قسمت ادراک انسان می‌باشد. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» آن اعراب بادیه‌نشین گفتند: ما ایمان آورده‌ایم، به آنان بگو: شما هنوز ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است و اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند ذره‌ای از اعمال شما کم نمی‌کند. همانا خداوند آمرزنده مهربان است.» (حجرات: ۱۴).

روشن است که خودداری از نواهی خداوند فقط در سایه ایمان به او مقدر است و در واقع از برکات ایمان به خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «خداوند دنیا را هم به کسانی می‌دهد که دوستشان دارد و هم به کسانی که بر آنها غضبناک است، ولی ایمان را نمی‌دهد مگر به آنان که دوستشان می‌دارد» (کلینی‌رازی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۵، ح ۴).

انسان در سایه‌ی ایمان آرامش روانی دارد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند...» (فتح: ۴). باز نزدیک به این آیه این آیه شریفه است که می‌فرماید: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا؛ خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و در واقع آنان به رعایت آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته‌تر به آن بودند...» (فتح: ۲۶) از امام صادق علیه السلام از معنای آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» پرسیده شد که این سکینت چیست؟ فرمود: ایمان است هم چنان که دنبالش فرمود: «لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸) لذا ایمان سبب آرامش نفس و به تبع کنترل آن می‌شود.

یقیناً داشتن آرامش در زندگی نخستین چشمه خوشبختی است و کسی که از این نعمت محروم باشد از نعمت خوشبختی نیز محروم است و هیچ‌گاه طعم خوشبختی را نخواهد چشید. انسان بی‌ایمان در دنیا با اندیشه و افکار موهوم و با نگرانی‌های فراوان دست به گریبان است. و لذا دائماً در درون خود دچار پیکاری بزرگ است و همیشه هم در انتخاب مسیر زندگی و در تصمیم‌گیری‌هایش دچار سردرگمی است و در نتیجه با پیروی از هوای نفسانی در مسیر نادرست قدم بر می‌دارد، ولی بر خلاف آن، انسان باایمان از همه این‌ها آسوده است و همه افکار و اهداف و اندیشه‌ها را تحت لوای یک هدف گرد آورده است و فقط به خاطر آن تلاش می‌کند و به سوی آن می‌شتابد و آن عبارت است از خشنودی خدای متعال. دیگر کاری به این ندارد که مردم از او خشنود باشند یا بر او خشم گیرند. و لذا هیچ وقت سردرگم نیست و همیشه در یک آرامش روحی به سر می‌برد. بنابراین ایمان عامل مهمی در کنترل نفس است و موجب معنا بخشی به زندگی می‌شود و به هنگام بروز مشکلات‌ها و ناملایمت‌های زندگی، از فرو پاشی روانی انسان جلوگیری می‌کند. انسان در سایه ایمان می‌تواند نفس خود را کنترل و اوامر الهی را اطاعت نماید و به خویشتن داری دست پیدا کند.

۴-۲- توکل

توکل یعنی اعتماد و اطمینان قلبی انسان به خداوند در همه امور خویش و بیزاری از هر قدرتی غیر از او. البته تحقق این حالت در انسان متوقف است بر ایمان و یقین و قوت قلب نسبت به این که هیچ قوت و قدرتی جدا از خداوند در کار عالم اثرگذار نمی‌باشد و همه علل و اسباب مقهور قدرت الهی‌اند و تحت اراده او عمل می‌کنند، که خود در واقع مرتبه‌ای از مراتب توحید است. بنابراین ریشه و اساس «توکل»، توحید است و جز با حصول توحید شکل نمی‌گیرد. «بر همین اساس برخی از عالمان اخلاق، توحید و توکل را در کنار هم مطرح کرده‌اند» (فیض کاشانی، محجبه البیضاء فی تذهیب الاحیاء، ج ۷، ص ۳۷۷) از این رو است که خداوند اذن انتساب امور به اسباب و علل آن‌ها و منتسب کردن کارها به فاعلشان را داده و به نوعی علل و فاعل‌ها را مسلط بر حوادث و کارها کرده است؛ هر چند این سلطه اصیل نبوده و اسباب و علل طبیعی و فاعل‌های انسانی، استقلالی در تاثیرگذاری ندارند و فقط خداوند است که سبب مستقل و برتر از همه اسباب است. بنابراین انسان رشید هنگامی که اراده انجام کاری را نمود و ابزار و اسباب عادی آن را نیز فراهم کرد، می‌داند که تنها سبب مستقل در تدبیر امور خداوند است و هیچ‌گونه اصالت و استقلالی برای خود و اسباب و عللی که به کار می‌گیرد، قائل نیست؛ پس بر خداوند توکل می‌کند. بنابراین، توکل به معنای نفی انتساب امور به انسان یا اسباب و علل طبیعی و ارجاع اصالت و استقلال به خداوند است. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) انسانی که امور خود را به خدا واگذار کند و بر او توکل کند دیگر ناملازمات نفسانی او را مضطرب نمی‌کند و به آرامش روحی و کنترل نفس دست می‌یابد.

عالی‌ترین درجه توکل آن است که انسان همه حرکات و سکنات خویش را به دست خداوند بداند. تفاوت این نوع از توکل با نوع دوم در این است که در این جا شخص حتی التماس و درخواست و تضرع و دعا را هم رها می‌کند و باور دارد که خداوند امور را به حکمت خویش تدبیر می‌کند، اگرچه او هم التماس و درخواست نکند. نمونه واقعی این نوع توکل، اتکال حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ زیرا هنگامی که نمرودیان او را در منجیق نهاده تا در آتش اندازند، فرشته الهی به او یادآوری می‌کند که از خداوند درخواست یاری و نجات نماید، ولی او در پاسخ می‌گوید: «اطلاع خداوند از حال من، مرا بی‌نیاز از درخواست (نجات) از او می‌کند» (قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۳).

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس هر گاه در هرکاری عزم و اراده بر انجام گرفتی بر خداوند توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۱۵۹) این بدان معناست که تنها عزم و اراده انسانی کافی نیست؛ بلکه باید توجه داشت که این خداوند است که مدیریت و ربوبیت هستی را به عهده گرفته و باید کاری کرد که مصلحت و حکمت الهی در آن است و تا خداوند مصلحت و حکمت نبیند آن چیز تحقق خارجی نخواهد یافت و یا تاثیری نخواهد داشت. این گونه نگرش به زندگی به انسان، هم امید به رفع مشکل می‌دهد و هم او را برای اعمال بهتر و سخت‌تر آماده می‌کند و هم چنین با این طرز تفکر انسان می‌تواند احساسات و عواطف خویش را مدیریت کند و بر نفس خود مسلط شود تا در هنگام سختی‌ها و مشکلات دست به اعمال ناشایست نزند. انسانی که تکیه گاهی ندارد و بر خدا توکل ندارد، با یک ضربه آرامش خود را از دست داده و تا مدت‌ها مضطرب، سردرگم و حیران خواهد ماند. اما کسی که متکی به خداست و دلش به او آرام شده و خدا او را گرفته، در مقابل ضربات، مضطرب نخواهد شد و آرامش خود را حفظ خواهد کرد.

هر کس توکل کند خدا برای او کافیه است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) و کسی که بر خدا توکل کند، البته با صرف نظر از واسطه‌های دیگر، از نفس و هواهای آن، و فرمان‌هایی که می‌دهد خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد و عملی را که خدا از او می‌خواهد بر عملی که خودش دوست دارد ترجیح بدهد و به عبارتی دیگر به دین خدا متدین شود و به احکام او عمل کند، چنین کسی خدا کافی و کفیل او خواهد بود (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۵). و آن وقت آنچه را که او آرزو کند، خدای تعالی هم همان را برایش می‌خواهد البته آنچه را که او به مقتضای فطرتش مایه خوشی زندگی و سعادت خود تشخیص می‌دهد، نه آنچه را که واهمه کاذبش سعادت و خوشی می‌داند و این که فرمود: خدا کافی و کفیل او است، علتش این است که خدای تعالی آخرین سبب است که تمامی سببها به او منتهی می‌شود در نتیجه وقتی او چیزی را اراده کند به جا می‌آورد و به خواسته خود می‌رسد، بدون این که اراده اش دگرگونی پذیرد، اما سایر اسباب که انسان‌ها در رفع حوائج خود متوسل بدانها می‌شوند سببیت خود را از ناحیه خدا مالک هستند به میزانی که خداوند به آنها عطا کرده است و هر صاحب قدرتی آن مقدار قدرت دارد که به آن داده در نتیجه در مقام فعل آن مقدار می‌تواند عمل کند که او اجازه اش داده باشد پس تنها خدا برای هر کس که بر او توکل کند کافی است. و هیچ سبب دیگر چنین نیست (همان، ج ۱۹، ص ۳۱۳) و این یکی از مراتب ایمان است.

در آیه ۵۱ سوره توبه به اثر توکل در اطمینان و آرامش بخشی نفس انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد مگر آنچه خداوند برای ما مقرر داشته است، او پشتیبان و مولای ما است و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.»

بنابراین بالاترین مرتبه توکل این است که انسان همه امور خود را به خدا واگذار کند و در برابر خدا اراده‌ای برای خود قائل نباشد و چیزی را بپسندد که خدا برای او رقم می‌زند. درجه توکل هر فردی به درجه ایمان و توحیدباوری او بستگی دارد. در جامعه کنونی که بسیاری از افراد و خصوصاً جوانان دچار مشکلات عاطفی و روانی شده و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. لذا در بین درمانهای مختلف روانشناختی راهبردهای مقابله اسلامی و از جمله توکل به خدا یکی از راههایی است که می‌تواند افراد را در این راه کمک نماید. لذا مشاهدات تجربی نیز نشانگر آن است که توکل به خدا در فرد جرأت، انگیزه، اعتمادبه‌نفس، خوش‌بینی، آرامش، صبر و... ایجاد می‌کند. پژوهش‌ها نیز مؤید آن است که توکل به خدا باعث کاهش اضطراب، افسردگی، فوبی، شکایات جسمانی ناشی از مسائل روانی و ایجاد احساس آرامش و صبر می‌شود (صدری، بررسی تأثیر توکل بر خدا در تأمین بهداشت روانی دانشجویان ۲۳-۱۹ دانشگاه اصفهان، ص ۸۰).

پس کسی که توکل بر خدا دارد، بر علم، حکمت، قدرت و تدبیر الهی در عالم هستی اعتقاد دارد و با این اعتماد و اعتقاد، در تمام حالات و رفتار خود حضور آگاهانه و قدرتمند خدا را در زندگی احساس می‌کند و این اعتقاد عامل مهمی در کنترل نفس محسوب می‌شود.

۴-۳- یاد خدا

منظور از یاد خدا همان ذکر خداوند است که در متون دینی با واژه ذکر بیان شده است. ذکر را به یادکردن و یادآوری از چیزی یا کسی با قلب، زبان یا هر دو معنا کرده‌اند (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ذیل واژه ذکر) که گاه در برابر فراموشی و غفلت به کار برده می‌شود و گاه به ادامه حفظ چیزی در ذهن اشاره دارد (راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه). در محاورات عمومی مردم و به ویژه اهل شرع واژه ذکر همان یاد خدا است (ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه).

هم چنین منظور از یاد خدا، ذکر قلبی و توجه باطنی است، همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ؛ پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش!» (اعراف: ۲۰۵).

از آیات قرآنی و سخنان اولیای گرامی اسلام، استفاده می‌شود که ذکر عبارت است از یاد خدا در همه احوال و پیشامدها و توجه به حضور در محضر الهی و او را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش دانستن و این که هیچ امری بر او پوشیده نمی‌ماند. از این‌رو، هنگام روبه‌رو شدن با تکالیف واجب به یاد خدا بوده، آن‌ها را انجام دهد و هنگام روبه‌رو شدن با محرّمات و معاصی از خدا غافل نباشد، و از انجام آن پرهیز نماید. بدین ترتیب یاد خدا مانع ارتکاب رذائل و عاملی برای کنترل نفس است. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می‌کنید، آگاه است.» (حشر: ۱۸)، هم چنین می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خیانت‌های چشمان و آنچه سینه‌ها پنهان ساخته می‌داند» (غافر: ۱۹).

انسانی که در زندگی خود همواره با ذکر و یاد خدا زندگی می‌کند از بسیاری از گناهان و لغزش‌ها دوری می‌کند و نفس خود را کنترل می‌نماید. بنابراین یاد خدا رابطه مستقیم با توحید و یکتاپرستی دارد؛ زیرا توجه به وجود الهی و ذکر خدا انسان را همواره متوجه قدرت لایزال الهی می‌کند و در سایه‌ی این توجه انسان خدا را ناظر بر زندگی خویش می‌داند لذا در مسیر قرب الهی قدم بر می‌دارد.

هم چنین قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید و او را به پاکی یاد کنید» (احزاب: ۴۱-۴۲).

انسانی که به یاد خدا باشد هم وظائف خود را برای رسیدن به لقاء الله به درستی انجام می‌دهد و هم از معصیت و نافرمانی اجتناب می‌کند. زیرا یاد خدا یعنی توجه به سرچشمه قدرت روحی و معنوی و عامل سعادت و کمال. از آن جایی که عوامل غفلت در زندگی‌های مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو حیات واقعی انسان را نشانه می‌گیرد، برای مبارزه با آن جز یاد خدا و با تمام وجود به یاد خدا بودن مؤثر نخواهد بود.

در این زمینه، روایاتی از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است، که فرموده: «ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ؛ یاد خدا، بیرون‌کننده شیطان است» (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱۶۲)، «ذِكْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ رِبْحَةُ السَّلَامَةِ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ یاد خدا، سرمایه هر مؤمن و سود آن، سلامتی در برابر شیطان است.» (همان، ص ۵۱۶۹) هم چنین ایشان فرمودند: «خداوند سبحان ذکر و یاد خود را صیقل دهنده و روشنایی دل‌ها قرار داده است (نهج البلاغه، خ ۲۱۳).

در معراج السعاده درباره ذکر حقیقی آمده است که: ذکر حقیقی عبارت است از یاد نمودن خدا در دل و چون زبان هم به موافقت دل حرکت کند نور علی نور است و اما مجرد ذکر زبان اگر چه هر گاه به قصد قربت و ثواب باشد فایده بسیار بر آن مترتب است؛ اما اثر انس و محبت و یاد خدا در دل حاصل نمی‌شود (نراقی، معراج السعاده، ج ۱، ص ۸۶۷).

بنابراین از والاترین حالات آدمی، یاد خدا و عشق به کمال مطلق است که سرآغاز هر خیر و برکتی است. خدامحوری در تمامی حالات، در تنهایی‌ها، شداید و مصیبت‌ها، برخورداریه‌ها و نعمت‌ها بهترین توفیق خداوندی است که بر مقاومت انسان در سختی‌ها و گرفتاری‌ها می‌افزاید، از سرمستی و غرور انسان جلوگیری می‌کند. همچنین زمینه‌ساز ارتقای روحی و تصفیه اخلاق از رذایل می‌شود. در سایه یاد خدا و براساس فطرت کمال‌دوستی، عشق به کمال مطلق و شوق به فنای در معشوق حقیقی ایجاد می‌شود و انسان را آماده می‌کند که در راه او از همه چیز بگذرد و جز به رضای او نیندیشد، یاد خدا عامل مهمی در سلامت نفس و بهبودی از بیماری‌های روحی و روانی انسان و رسیدن به آرامش روانی و اطمینان درونی، است. همچنین یکی از راه‌های درمان غفلت و حرکت در مسیر سازندگی و شکوفایی استعدادهای انسانی، می‌باشد. بنابراین وقتی انسان به یاد خدا باشد، قادر خواهد بود بر خویشتن مسلط شود و با کنترل نفس در مسیر عبودیت گام بردارد در نتیجه به آرامش روانی دست می‌یابد.

۴-۴- خوف و رجاء

«خوف» در لغت به معنای ترس بوده و در اصطلاح به معنی این است که انسان از تحقق یافتن امری نامطلوب که یقین دارد یا احتمال می‌دهد در آینده به وقوع بپیوندد، ترس و واهمه داشته باشد (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، صص ۴۰۶ و ۳۹۹). «رجاء» در لغت یعنی امیدواری که در مقابل یأس قرار می‌گیرد (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ذیل واژه) و در اصطلاح یعنی انسان به تحقق یافتن امری مطلوب که یقین دارد یا احتمال می‌دهد در آینده به وقوع می‌پیوندد، امید داشته باشد.

ترس از خداوند افزون بر این که از کمالات معنوی می‌باشد، سرچشمه بسیاری از فضائل انسانی، اصلاح نفسانی و سبب علاج امراض روحی است. همچنین امید، مهم‌ترین نیاز هر فرد است. امید، سبب تلاش‌ها و ناامیدی سبب آفت هاست. ناامیدی از رحمت الهی از گناهان کبیره است. در قرآن کریم آمده است: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ از رحمت خدا مایوس نشوید» (زمر: ۵۳).

امام صادق علیه السلام در بخشی از وصیتنامه خود به ابن جنذب، نجات یافتگان از عذاب الهی را کسانی معرفی می‌کند که خوف و رجاء حقیقی متعادل در دل هایشان وجود دارد: «یهلک المتکمل علی عمله... قلت فممن ینجو؟ قال الذین بین الرجاء والخوف...؛ کسی که به اعمال خود (اعمال خوب) تکیه نموده است به هلاکت می‌رسد و کسی هم که به امید رحمت خداوند بر انجام گناهان جرات پیدا می‌کند، نجات نخواهد یافت. (ابن جنذب) سؤال کرد پس چه کسی نجات پیدا می‌کند؟ حضرت فرمودند: کسانی که حالشان میان خوف و رجاء باشد» (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۹). یعنی نه خوفشان آن چنان است که از آمرزش گناهانشان ناامید باشند و نه رجاءشان آن چنان است که جرأت ارتکاب گناه را داشته باشند؛ هم شوق به ثواب در دل هایشان وجود دارد و هم خوف از عذاب.

هرچند خوف و رجاء دو عنوان مستقل به شمار می‌روند، اما موفقیت در کنترل نفس و تنظیم رفتار، بسته به همراه بودن و متوازن بودن آنهاست. بدون این ویژگی امکان تبدیل این دو به عنوان عاملی برای کنترل نفس و تنظیم رفتار وجود ندارد؛ زیرا اگر در حد اعتدال نباشند، نتیجه معکوس خواهد داشت؛ خوف به ناامیدی و رجاء به امید واهی و فراتر از حد می‌انجامد و هیچ یک از این افراد تلاشی در زمینه کنترل نفس خود نخواهد کرد بنابراین اگر خوف و رجاء از حد اعتدال خارج شوند، نه تنها نقش تربیتی و بازدارنده ندارند بلکه به نوعی اثر معکوس دارند ولی اگر تعادل در میان این دو صفت برقرار شود، مسلماً خوف از مقام پروردگار و امید به رحمت بی‌منتهای وجودی لایزال، انسان را به خودکنترلی و تسلط بر اعمال و گفتار می‌کشاند. زیرا خوف به ترک گناه می‌انجامد و باعث می‌شود انسان از رذایل اخلاقی خود را پاک کند که این به سعادت آدمی منجر می‌شود. و رجاء هم باعث می‌شود انسان از نقص‌های خود نهراسد و به بخشش خدای متعال امیدوار باشد که این سبب آرامش و سعادت او می‌شود. تا وقتی در این دو افراط نشود و تعادل در این دو رعایت شود انسان از مسیر حق منحرف نخواهد شد و به سعادت ابدی می‌رسد (پسندیده، اخلاق پژوهی حدیثی، ص ۱۲۸).

۴-۵- اعتقاد به عدالت الهی

عدالت، یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شؤون آدمی حضور مؤثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع داوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه کوچک شامل می‌شود (مکارم شیرازی، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ص ۲۶۶). عدالتی که جزء اصول مذهب است یکی از صفات خداست و در اصل

خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است مندرج می‌باشد، ولی ممتاز ساختن آن بسیار پر معنی است به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است (دبیری، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، ص ۲۱۲). خداوند عادل است و جهان را بر مبنای عدالت آفریده است روزی مردم را اندازه گیری فرموده و از روی عدالت به هر کدام نصیبی از وسعت رزق و تنگدستی داده است، جز به عدالت فرمان نمی‌دهد و به ستم، پاداش کسی را ضایع نخواهد کرد (داوودی، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص ۱۸۰).

عدل رکن مهم اسلام دانسته شده به نحوی که هیچ یک از مسائل عقیده‌ای و عملی، فردی و اجتماعی، خالی از روح عدل نیست (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۰۱). عدل از زیر شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های توحید است و از اوصاف خداوند بشمار می‌آید. در آیات قرآن کریم بدین مطلب اشاره شده و فرموده: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ خداوند گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان علم، (هر کدام بر این مطلب) گواهی می‌دهند؛ (خدا) برپادارنده عدل است؛ معبودی جز او نیست و او عزیز و حکیم است» (آل عمران: ۱۸).

عدل الهی، در کنار توحید مطرح است. بر خلاف دیگر قدرتمندان که هر کجا احساس یکتایی و نداشتن رقیب و شریک کنند، زور می‌گویند، او یکتایی است که به پا دارنده‌ی عدل است. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (قرآنی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۸۴).

عاملی که می‌تواند انسان را در جهت تلاش و مواظبت بر عمل و بندگی یاری کند، اعتقاد به عدل الهی است. تمام عالم هستی زیر نظر خدای حکیم است و در آن هرج و مرجی راه ندارد، و انسان هم که جزئی از این عالم است نمی‌تواند به دلخواه خود هر کاری را انجام دهد. اعتقاد به عدل الهی سبب می‌شود انسان در اعمال و رفتار خود دقت داشته باشد و نفس خود را کنترل کند.

۴-۶- اعتقاد به معاد و روز رستاخیز

معاد در اصطلاح متکلمان بازگشت روح به جسم در قیامت و زنده شدن دوباره او است تا به اعمال او رسیدگی شود؛ نیکوکاران به بهشت و نعمت‌های جاودانی و بدکاران به کیفر و عذاب خود برسند. به گفته علامه مجلسی، معاد در لغت یا مصدر میمی است یا اسم زمان و یا اسم مکان و براین اساس به سه معنا آمده است: بازگشت چیزی به جایی یا به حالی که از آن منتقل شده، زمان بازگشت، مکان بازگشت (مجلسی، حق‌الیقین، ج ۲، ص ۳۶۹).

معاد یکی از اصول دین است یعنی اعتقاد به جهان پس از مرگ، در این که روز قیامت وجود دارد؛ هیچ شکی نیست؛ چرا که خدای متعال در کتابش جای هیچ شک و شبهه‌ای نگذاشته است: «لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ يَقِينًا شَمَا رَا دَر رُوز قِيَامَت - که در آن هیچ شکی نیست» (انعام: ۱۲).

پر واضح است که اگر اعتقاد به معاد نباشد هیچ سبب اصیل دیگری نیست که بشر را از پیروی هوای نفس باز بدارد و وادار سازد به اینکه از لذائذ و بهره‌های طبیعی نفس صرف نظر کند (طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۱۱۰). ایمان به آخرت و یقین به وقوع حساب جزای آن یگانه اصلی است که ضامن حفظ انسان از ارتکاب اعمال زشت است و او را از هر مذمت و آبروریزی نگاه می‌دارد و همان منشأئی است که اعمال انسان را تقویم می‌کند و برای هر یک ارزشی قائل می‌شود. تقویمی که وادار به ملازمت طریق سعادتش می‌سازد و هیچ چیز دیگر این اثر را ندارد حتی توحید هم که تمامی معارف به آن منتهی می‌شود چنین اثری ندارد (همان، ج ۱۲، ص ۲۷۸).

و قول خداوند متعال به همین مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ و زنه‌ار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند عذابی سخت خواهند داشت.» (ص: ۲۶) بنابراین یاد قیامت انسان را هشیار می‌کند که این دنیا هدف نیست بلکه مسیری است که انسان را به هدف اصیل خود رهنمون می‌کند و نیز به انسان یادآور می‌شود که فردای قیامتی وجود دارد و باید برای تک تک اعمال خویش جواب پس دهد، در نتیجه سبب می‌شود که خود کنترلی در او تقویت گردد.

امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز درباره تأثیر آخرت گرایی در تربیت نفس می‌فرماید: «اگر انسان باور کند یک مبدأ برای این عالم است و انسان بازخواست خواهد شد در مرحله بعد از مردن فنا نیست؛ مردن انتقال از یک نقص به کمال است؛ این نگرش انسان را از همه لغزش‌ها نگاه می‌دارد» (فراهانی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۲).

خدا در قرآن مجید دنیا را جز بازی و بازیچه نمی‌داند و زندگی حقیقی را به آخرت موکول می‌کند: «و ما هذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می‌دانستند»

(عنکبوت: ۶۴). بر پایه این شناخت درست از مرگ و زندگی پس از مرگ است که مایه امنیت و آرامش روانی می‌باشد.

نتیجه اینکه باور به معاد، عامل مهمی است که می‌تواند عقل را از اسارت هواهای نفسانی رهایی بخشد و در نتیجه انسان، به رهبری و کنترل غریزه‌های خویش موفق شود. هم چنین اعتقاد به حیات بازپسین و معاد و ایمان به روز جزا و عقاب و ثواب، انسان را از پیروی هوا و هوس باز می‌دارد و غرایز سرکش انسان را مهار می‌کند و در پرتو کنترل غریزه و مهار هوا و هوس است که فضیلت‌های اخلاقی پرورش یافته، ویژگی‌های پسندیده قوت می‌گیرد.

۵- نتیجه

کنترل نفس به معنای نظارت داشتن افراد بر درون و نفس خویش است که یک عامل درونی محسوب می‌شود. در اصطلاح به معنای توانایی فرد در کنترل رفتارهای درونی خود است. انسانی که به سعادت خود می‌اندیشد نمی‌تواند از اخلاق رذیله و بیماریهای نفسانی خویش غافل بماند، بلکه باید همواره مراقب و مواظب نفس خود باشد و ملکات و اخلاق و کردار و حتی افکارش را تحت کنترل و نظارت کامل بگیرد.

با بررسی آیات الهی مشخص می‌شود، عواملی چون ایمان به خدا، توکل، یاد خدا، خوف و رجاء و... از راهکارهای علمی کنترل نفس می‌باشد. ایمان به خدا عامل مهمی در کنترل غرائز نفسانی است و فرد مؤمن در سایه آن باید ها و نباید های الهی را رعایت می‌نماید. اعتقاد به خداوند و توکل بر او سبب می‌شود انسان در همه حال خداوند را حاضر و ناظر اعمال خود ببیند، لذا از اوامر و نواهی الهی پیروی و نفس خود را کنترل می‌کند. خوف و رجاء عامل مهمی در تعدیل خواسته های نفسانی و کنترل آن است. هم چنین توجه به عدالت الهی و معاد عامل مهمی در تأدیب نفس است. از نتایج کنترل نفس، رسیدن به خیر و سعادت ابدی است و باید دانست سعادت مطلق برای انسان‌ها حاصل نمی‌شود مگر این که نفس خود را از تمام صفات رذیله مبرا کند و به تمام اوصاف و اعمال نیکو مزین نماید.

منابع

- قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی
- ۱. ابن فارس، احمد، مقائیس اللغه، ج ۱، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.

۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰ش
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۳ق
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، التوحید، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۹.
۵. بدوی، عبدالرحمن، موسوعه الفلسفه مدخل نفس، بیروت: موسسه عربیه الدراسات والنشر، ۱۹۸۴ م.
۶. پسندیده، عباس، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۳.
۸. دبیری، محمد، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۰.
۹. داوودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، بی جا: معارف، ۱۳۸۷.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، بی جا: مرتضوی، ۱۳۸۸.
۱۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، بی جا: احسان، ۱۳۹۴.
۱۲. صدری، محمدرضا، "بررسی تأثیر توکل بر خدا در تأمین بهداشت روانی دانشجویان ۲۳-۱۹ دانشگاه اصفهان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۰.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۸.
۱۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، بی جا: دار التفسیر، ۱۳۸۳.
۱۵. فراهانی، مجتبی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، چ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن، محجه البیضاء فی تذهیب الاحیاء، ج ۷، بی جا: فرهوش، ۱۳۹۶.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۸.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۵.
۱۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران: دار الثقلین، ۱۳۹۳.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: موسسه امام خمینی، بی تا.
۲۱. مساعد و منطقی، «ارتباطات درون فردی از منظر اسلام»، اسلام و پژوهش‌های های مدیریتی، ش ۴، ۱۳۹۱.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، قم: نشر کتاب، ۱۴۴۱ق.

۲۳. میبدی، رشید الدین، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۹، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۳.
۲۴. مکارم‌شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
۲۵. همو، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، چ ششم، بی جا: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.
۲۶. همو، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۴، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، حق الیقین، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیة، بی تا.
۲۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، ج ۱، قم: طوبای محبت، ۱۳۸۶.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

دیدگاه اسلام در مورد حیا و راه‌های تقویت آن در سبک زندگی اسلامی صص ۱۳۸-۱۳۳

زهره محمدخانی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

حیا، ملکه‌ای نفسانی است که موجب دوری از زشتی‌ها و رذائل شده و انسان را در مقابل پرده‌داری حفظ می‌نماید. حیا، موهبتی الهی است که مورد تأکید تمام ادیان آسمانی بوده و از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی جامعه شمرده می‌شود. این پژوهش که به شیوه نقلی-وحيانی صورت گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره برده است به دنبال آن است تا دیدگاه اسلام را در مورد حیا دریابد و راه‌های تقویت آن را در سبک زندگی اسلامی در خانواده و اجتماع کشف نماید. به نظر می‌رسد ایمان، پاکدامنی، مراقبت‌های جنسی زوجین در خانواده همچنین مراقبت‌های جنسی لازم در رابطه با فرزندان از راه‌هایی است که موجب تقویت حیا در خانواده می‌شود. پوشش اسلامی و فراهم نمودن زمینه ازدواج جوانان در جامعه نیز از اساسی‌ترین عواملی است که سبب تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی می‌شود.

کلید واژه‌ها: حیا، سبک زندگی اسلامی، تربیت جنسی.

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون  mohamadkhny@gmail.com

۱_ مقدمه

حیا به عنوان یک موهبت الهی، عامل استقرار عمومی در جامعه می‌باشد. از آنجا که اسلام و قرآن در مورد پاکدامنی و عفت سفارش‌های بیشماری نموده‌اند، پیامبران و فرستادگان الهی نیز در رسالت خود به این موضوعات بسیار پرداخته‌اند. یکی از ویژگیهای مؤمنان دارا بودن عفت و پاکدامنی است. حیا به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های بارز اخلاقی، رابطه بسیار نزدیکی با صفات دینی دیگر دارد که از جمله می‌توان به رابطه آن با عفت، غیرت، کیاست، بصیرت، اخلاص و عشق اشاره نمود.

حیا، ملکه‌ای است که انسان را از گناه و ارتکاب حرام دور می‌کند و از این جهت در قلب فرد راسخ و استوار است. حیا، از امور اکتسابی است؛ زیرا با انجام معاصی، فرد از حیا جدا می‌شود. کسی که شرم و حیا می‌کند، با حیای خود از گناهان و نافرمانی‌ها دست کشیده و دوری می‌کند و به انجام واجبات می‌پردازد.

گفتنی است حیا به معنای پرهیز از زشتی‌ها در عمل و رفتار و کنش و منش انسانی است که اختصاصی به یک جنس ندارد. بازخوانی آیات و آموزه‌های قرآنی در خصوص این مساله نشان می‌دهد که حیا و بی‌حیایی اختصاص به زنان و جنس مونث ندارد؛ بلکه فضیلتی است که مردان به اندازه زنان می‌بایست از آن برخوردار باشند. با این همه رعایت این فضیلت اخلاقی از سوی بانوان به دلیل جذابیت‌های خدادادی به منظور حفظ سلامت روانی ایشان همچنین حفظ خانواده و جامعه از اهمیت و ضرورت بالاتری برخوردار است.

به خصوص که مساله شرم و حیا با مسایل اجتماعی زنان ارتباط تنگاتنگی دارد. در جامعه امروز صفت شرم و بی‌شرمی به دو صورت مثبت و منفی در ارزیابی منش و کنش زنان و دختران از سوی افراد جامعه به کار می‌رود، از این رو مزین شدن بانوان به صفت حیا بایسته و ضروری است.

پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت پذیرفته است. کتاب «پژوهشی در فرهنگ حیا» اثر عباس پسندیده که در سال ۱۳۸۳ نگاشته شده، یکی از آثار مرتبط در این زمینه است که نویسنده در چهار بخش به کلیاتی پیرامون حیا، قلمرو حیا، کم روئی و بی‌حیایی پرداخته است. کتاب «حریم عفاف» اثر روح الله حسینیان که در سال ۱۳۹۰ نگاشته شده، یکی از آثار مرتبط دیگر در این مبحث

است. اگرچه به تناسب مباحث خود اشاره مختصری به بحث حیا داشته است، اما محور اصلی بر عفاف و حجاب متمرکز بوده است.

مقاله «دیدگاه اسلام در مورد حیا و عفت و اثرگذاری آنها بر رفتار و شخصیت اجتماعی» اثر افشین خلیلی دهدزی که در سال ۱۳۹۴ زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی دیگر در این رابطه است. نویسنده در این مقاله، عفت را به عنوان یکی از مهم ترین شاخصه های بارز اخلاقی برمی‌شمارد و به تاثیر رابطه حیا با سلامت روحی و روانی می‌پردازد. مقاله «نقش حیا در سلامت جامعه و خانواده» که توسط مریم احمدی نژاد به زیور چاپ رسیده است، پژوهش دیگر در این زمینه است. نویسنده بر این باور است حیا، پوشش و غیرت در ادیان الهی به جهت حفظ و استقرار نهاد خانواده و در نتیجه سلامت و پیشرفت جامعه نهاده شده است. مقاله دیگر «مدل اسلامی مصون سازی رفتار جنسی با تاکید بر پیشگیری و درمان انحراف و مشکلات جنسی» از مسعود علیزاده میانجی به زیور چاپ رسیده است. پژوهشگر به بررسی ابعاد حیا و رضایتمندی زن و شوهر پرداخته است.

پایان نامه «جایگاه عفت جنسی در سلامت، تحکیم خانواده و تضمین آن در حقوق ایران» اثر لیلا سادات اسدی که در سال ۱۳۹۲ به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی مرتبط با موضوع مورد نظر است. پژوهشگر، عفت جنسی را عامل موثر در سلامت فرد دانسته و به بررسی تاثیر آن در تحکیم خانواده، آرامش روانی و سلامت جامعه پرداخته است.

پایان نامه «جایگاه عفت و آثار آن در سبک زندگی از منظر قرآن و روایات» اثر حسن عباسی حسین آبادی در سال ۱۳۹۲ پژوهشی دیگر در این زمینه است که به بررسی مفهوم حیا و آثار اجتماعی حجاب پرداخته است.

با کند و کاوهای صورت گرفته در میان آثار اینطور به دست می‌آید که هر چند پژوهش‌هایی به حیا و مصادیق یا آثار آن پرداخته؛ اما پژوهشی که در کنار بررسی دیدگاه اسلام در مورد حیا به راه های تقویت آن در سبک زندگی اسلامی بپردازد، یافت نشد. لذا این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که دیدگاه اسلام در مورد حیا چیست و راه‌های تقویت آن در سبک زندگی اسلامی چه می‌باشد؟

۲_ مفهوم شناسی حیا

در این بخش به بررسی واژه حیا در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

۲_۱_ در لغت

«حیا» در لغت به دگرگونی حال و اثر پذیری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده شده و نکوهش می‌شود، اطلاق می‌گردد. (مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، ج ۱، ص ۱۱۳) این واژه به معنای انقباض نفس از زشتی‌ها و ترک آن به جهت زشت بودن نیز گفته می‌شود. (مفردات الفاظ قرآن، محمد حسین راغب‌اصفهانی، ص ۲۷۰) همچنین به انزوا از کار زشت به جهت ترس از مذمت مردم نیز گفته می‌شود (مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۱۱۳)

حیا، عبارت است از دگرگونی حال و اثر پذیری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد. (مجمع البیان، فخر الدین، طریحی، ج ۱، ص ۱۱۳) ابن منظور، حیا را شرم و آزر می‌داند. (لسان العرب، ابن منظور، ج ۶، ص ۲۱۹) این واژه در فارسی با کلمات متعدد دیگری مانند شرم، خجلت، شرمساری و... پیوند معنایی دارد. (مفردات الفاظ قرآن، محمد حسین راغب اصفهانی، ذیل ماده حیا)

۲_۲_ در اصطلاح

حیا در اصطلاح به ملکه ای نفسانی اطلاق می‌گردد که موجب گرفتن روح از زشتی و انزجار آن از خلاف آداب از ترس ملامت می‌شود. (بحار الانوار، مجلسی، مجلسی، ج ۱، ص ۱۰۹) از حیا در اخلاق به عنوان پوششی برای روح انسان در مقابل پرده دری یاد شده است. (ادب الهی، تهرانی، ص ۷۸)

حیا از منظر علمای اخلاق عبارت است از حصر و محصور کردن نفس و انفعال آن در ارتکاب حرام‌های شرعی و عقلی و عرفی به جهت ترس از سرزنش و نکوهش مردم. (جامع السعادات، محمد حسین نراقی، ج ۳، ص ۴۴)

۳_ جایگاه حیا در اسلام

هدف اسلام، سر و سامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است. (لسان العرب، ابن منظور، ج ۶، ص ۲۱۹). در این رابطه هیچ یک از شئون انسانیت را از قلم نینداخته و برای هر عملی از اعمال زندگی هیأت زیبایی ترسیم کرده که از غایت حیات حکایت می‌کند. از آنجا که بهترین راه تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و وجوه اوست، راه وحی است و از آنجا که قرآن کریم بشریت را به آیینی فرامی‌خواند که بهترین آیین تربیت و متضمن همه نیازهای

تربیتی انسان بود و هیچ چیز در آن فرو گذارنشده، شایسته است جایگاه حیا در دین مبین اسلام بررسی شود.

در قرآن کریم پیام‌های آشکار و ضمنی زیادی در راستای تربیت فضائل اخلاقی به خصوص فضیلت حیا آمده است. از دیدگاه قرآن، جهان در محضر خداوند است و خداوند بر رفتار انسان‌ها نظارت دارد و انسان‌ها را به حیا فرا میخواند. واژه حیا در برخی آیات قرآن عیناً آمده است و در برخی از آیات از محتوا و تفسیر آن، حیا استنباط شده است.

یکی از آیات قرآن که به واژه حیا به صراحت اشاره کرده است، آیه ۲۶ از سوره بقره است که خداوند در آن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَّا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ؛ و خدا را شرم و ملاحظه از آن نیست که به پشه و چیزی بزرگتر از آن مثل زند، پس آنهایی که به خدا ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن مثل حق است از جانب او، و اما آنهایی که کافرند می‌گویند: خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه می‌کند به آن مثل بسیاری را و هدایت می‌کند بسیاری را! و گمراه نمی‌کند به آن مگر فاسقان را». این آیه در مقابل دشمنان و معاندانی نازل شده که مثل‌های خداوند را به سخره می‌گرفتند و در آن با تصریح به واژه «لا يستحي» شرم را در اینجا مذموم دانسته است.

آیه دیگری که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد. آیه ۲۵ سوره قصص است آنجا که می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا ...؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد...». وقتی سخن از حیا به میان می‌آید، نوعی شرم و دوری از گناه در نظر می‌آید. این رفتار که از تربیت شایسته نشأت می‌گیرد، به نحوه سخن گفتن، راه رفتن، نگاه، درخواست و... مربوط می‌شود. اگر فردی حد و مرز خود را بشناسد و از آن فراتر نرود، دارای حیا است.

آیه دیگری که به طور ضمنی از حیا سخن به میان آورده آیه ۱۰۸ سوره نساء است آنجا که می‌فرماید: «يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا؛ از مردم شرم می‌کنند اما از خدا شرم نمی‌کنند با آن که خدا هنگامی که سخنی در شب به خلاف رضای او می‌سازند، با آنهاست و به آنچه می‌کنند احاطه دارد».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بر این باور است که معنای تحت اللفظی «استخفاء» منظور نیست، بلکه این کلمه کنایه از حیا کردن و شرم‌نازیدن است. به همین جهت جمله «وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ» را با دو قید مقید کرده است: قید اول، جمله «وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يَبْتَئُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ» است. خداوند با این قید می‌فهماند که خیانتکاران مورد اشاره، هنگام شب برای برائت خود از آن خیانت، طرحی می‌ریختند و سخنانی می‌گفتند که خدا از آن راضی نبوده است. قید دوم، جمله «وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» است. با این قید فهمیده می‌شود که خدای تعالی بر همه اعمال و رفتار آنان احاطه دارد و آگاه است. پس تقیید با این دو قید، تقیید به عام بعد از تقیید به خاص، و در حقیقت، تعلیل است برای این که خیانت کاران از خدا شرم نمی‌کنند (المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۵، ص ۱۱۹).

در احادیث اسلامی نیز حیا به عنوان یک اصل مهم فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی به کار رفته است که نمونه‌هایی از آن از نظر می‌گذرد. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «از خدای پروا داشته باشید که در دید او هستید و زمام شما به دست او است و حرکات شما در اختیار اوست. اگر پنهان سازید، آگاه است و اگر آشکار سازید، می‌نگارد. برای این کار، نگهبانان و مراقبان ارجمندی قرار داده که هیچ حقی را فرو نمی‌گذارند و هیچ چیزی را به باطل ثبت نمی‌کنند». همانطور که ملاحظه می‌شود در این روایت، امام علی علیه السلام به پروا داشتن از خدا توصیه می‌فرماید و دلیل آن را در منظر خدا و کاتبان اعمال بودن بیان می‌فرماید.

امام صادق علیه السلام با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدمی می‌فرماید: «هر کسی که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگهبان، حیا کند، خداوند، همه گناهان او را می‌آمرزد، هر چند به اندازه گناهان جن و انس باشد» (بحارالانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۳۴۳).

توجه به این حدیث نیز این نکته مهم را آشکار می‌کند که توجه به رؤیت الهی و درک حضور او، حیا را بر می‌انگیزد. در حقیقت، خداوند پیش از آن که مردم را به ترس فرا بخواند، به حیا فراخوانده است و این، جایگاه و اهمیت حیا را در نظام تربیتی اسلامی می‌رساند.

نکته مهم دیگری که در این روایت است، این حقیقت است که معمولاً رفتار انسان در جمع با رفتار او در خلوت تفاوت می‌کند. تفاوت رفتار در خلوت و جلوت به جهت تفاوت در حضور و عدم حضور است. آن جا که تنها باشد و حضور هیچ کس را حس نکند و هیچ چشمی را ناظر

رفتار خود نداند، کارهایی را به راحتی انجام می‌دهد که ممکن است در حضور دیگران، حاضر به انجام دادن آن نباشد. اگر در تنهایی و خلوت خود، آماده انجام دادن کاری شده باشد که به نظر نادرست می‌آید و ناگهان متوجه شود کسی وارد شده و ناظری وجود دارد، دست از آن کار می‌کشد یا اگر بعداً بفهمد کسی ناظر اعمال او بوده است، سرافکننده می‌شود و عرق شرم بر پیشانی او می‌نشیند. آن عامل باز دارنده که انسان را در خلوت نیز مانند مراقبی حفظ می‌کند، حیا است.

۴_ راه‌های تقویت حیا در زندگی اسلامی

حیا دارای پیامدهای مثبت مادی و معنوی در زندگی است. از این رو سزاوار است به تقویت و ریشه‌دار کردن هر چه بیشتر آن اهتمام شود. این بخش به راه‌های تقویت حیا در خانواده و اجتماع می‌پردازد.

۴_۱_ در خانواده

یکی از ارکان اساسی که در ایجاد و شکل‌گیری حیا در فرزندان نقش غیرقابل انکاری دارد، خانواده است. امروزه به خاطره تهاجم فرهنگی، بنیاد بسیاری از خانواده‌ها دچار تزلزل شده و به تبع آن، رذایل اخلاقی در جامعه رشد و جامعه دینی تباہ می‌شود.

۴_۱_۱_ ایمان

با پرورش ایمان در محیط خانه و خانواده، حیا و عفت خانواده نیز افزایش می‌یابد. این از اثرات ایمان به الله متعال است که چون قلب را فرا گیرد، صاحبش را از گناه و معصیت باز داشته و او را به انجام واجبات تشویق می‌کند. در حقیقت با افزایش ایمان، فرد مؤمن حیا می‌کند تا در محضر ربوبی در انجام واجبات کوتاهی کند یا به گناه و معصیت بپردازد. پس یکی از اصلی‌ترین راه‌های تقویت حیا در خانواده و به تبع آن جامعه بالا بردن ایمان افراد است.

امام صادق علیه السلام در رابطه ایمان و حیا می‌فرماید: «لا ایمان لمن لا حياء له؛ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد». (کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۰۶) امام باقر علیه السلام ایمان و حیا را دو رشته متصل به یکدیگر معرفی می‌کند: «الحیاء و الایمان مقرونان فی قرن فإذا ذهب أحدهما تبعه صاحبه؛ حیا و ایمان در یک رشته و هم‌دوشند. چون یکی از آن دو رفت، دیگری هم در پی آن برود» (کافی، ج ۳، ص ۲۷۵).

همانطور که در احادیث گذشت، ایمان و حیا قرین هم بوده و با افزایش ایمان، حیا تقویت می‌شود. پرواضح است یکی از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین مکان‌هایی که ایمان فرد شکل گرفته و محکم می‌گردد، محیط خانواده است. از این رو معمولاً افراد خانواده در یک تراز ایمانی قرار دارند. اگر جامعه‌ای به دنبال افزایش حیا و ثمرات مطلوب آن در جامعه است باید ایمان افراد جامعه را با سرمایه‌گذاری در ایمان خانواده تقویت نماید.

۴_۱_۲_ پاکدامنی

پاکدامنی که از آن در قرآن و سنت به عفاف و عفت تعبیر شده، به معنای باز ایستادن از حرام، پارسایی کردن، ترک شهوات و شبهات است و غالباً در دو حوزه شکم و دامن به کار می‌رود. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴) و مخالف با آن، رجس، پلیدی و ناپاکی است. (عون الاخبار، ج ۱، ص ۳۳۳) از پاکدامنی در فرهنگ دینی به حصن و حصار تعبیر شده است. گویا انسان پاکدامن به دژ و برج و باروی محکم پناه برده و در امنیت کامل قرار می‌گیرد و جایگاه شخص پاک دامن بسان شهید راه خدا است. از آنجایی که یکی از ویژگیهای مؤمنان دارا بودن، عفت و پاکدامنی است، اسلام و قرآن در مورد پاکدامنی و عفت سفارش‌های بیشماری کرده‌اند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ؛ شرم و حیا وسیله پاکدامنی است». در جای دیگر می‌فرماید: «ثمره الحياء العفة؛ نتیجه شرم و حیا، عفت و پاکدامنی است».

با توجه به آن چه گفته شد، معلوم می‌شود که ارتباط تنگاتنگی میان ایمان و حیا و عفت وجود دارد و اگر انسان بخواهد به برترین فضیلت‌های انسانی دست یابد، باید به شرم و حیا توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا بی آن از دایره انسانیت خارج شده و در مقام پست تر از چارپایان سقوط می‌کند.

۴_۱_۳_ مراقبت‌های لازم جنسی زوجین

در این محور، خطابات دینی برای تأمین سلامت روحی و روانی زن و شوهر و فرزندان و مصونیت فضای خانواده از تحریکات جنسی، وظایفی را مقرر داشته که در ذیل، به آنها اشاره می‌شود. توجه به تمایلات جنسی همسر و پرهیز از حیای احمقانه یکی از آن موارد است. از این رو حیا به دو بخش حیای عاقلانه و حیای احمقانه تقسیم می‌شود که نوع اول، همان حیای از روی علم و نوع دوم، حیای از روی جهل است. بی توجهی نسبت به نیاز جنسی همسر به دلیل حیا و خجالت، از نوع حیای احمقانه است که روایات اسلامی با شیوه‌های بیانی گوناگون از این حیا

نهی نموده و بهترین زنان را زنان عقیف در برابر نامحرم و دارای میل جنسی نسبت به همسر می‌داند. بر همین اساس، توجه به نیاز جنسی همسر را به قدری دارای اهمیت برمی‌شمرد که در متون دینی ما، اعم از آیات و روایات، از آن به عنوان یک وظیفه واجب نسبت به یکدیگر یاد می‌کند که موجب حفظ عفاف و حیای زوجین می‌شود.

از جمله وظایف اصلی زن و شوهر، رعایت حدود و مرزهای الهی و وفاداری نسبت به یکدیگر و خودداری از هرگونه رابطه نامشروع با زن یا مرد دیگری است. رابطه نامشروع، به محبت و مؤدب متقابل آسیب جدی وارد می‌کند و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌سازد. قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۵ آن گاه که صفات مردان و زنان مؤمن را برمی‌شمارد، در کنار سایر صفات ارزشمند مؤمنان، یکی از صفات آنان را حفظ عفت و پاکدامنی بیان نموده و می‌فرماید: «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ؛ مردانی که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند، و زنانی که عقیف و پاکند».

همانطور که بیان شد لازمه این عفت و حیا و راه تقویت آن مراقبت‌هایی است که زن و شوهر در امور جنسی نسبت به هم دارند. مرد و زنی که به مهر با یکدیگر تعامل داشته باشند و محیط خانه، محیط امنی برای رفع نیازهای نیازهای جنسی و عاطفی ایشان باشد، در محیط اجتماع خوددارتر بوده و به حفظ حیا نزدیک‌تر هستند.

۴_۱_۴_ مراقبت‌های جنسی لازم در رابطه با فرزندان

در مراقبت‌های لازم جنسی در رابطه با فرزندان نیز در روایات نکات ارزشمندی وارد شده که این توصیه‌ها از زمان انعقاد نطفه تا سنین جوانی فرزند را دربرمی‌گیرد. از جمله مراقبت‌ها و توصیه‌های مربوط به زمان انعقاد نطفه، منع از ازدواج با افراد ناپاک، پرهیز از افکار و اندیشه‌ها و تخیلات نادرست به هنگام انعقاد نطفه و نیز با وضو بودن و بردن نام خدا و پناه بردن به خدا از شرّ شیطان در زمان انعقاد است. در همین رابطه سفارش شده به هنگام آمیزش بر زبان آوردن نام خدا و درخواست از او که شیطان را از ما و فرزندمان که قسمت ما می‌کنی دور فرما. (وسائل الشیعه، عاملی، ج ۱۴، ص ۳۱)

روایات اسلامی پس از تولد فرزند نیز سفارش‌های متعددی حول محور تقویت حیا و عفاف و کم کردن زمینه‌های تحریک جنسی فرزندان به والدین کرده است. رعایت آداب و اخلاق جنسی همسران در حضور فرزندان یکی از آن موارد است. از دستورات مؤکد اسلامی، پرهیز از

رابطه جنسی والدین در حضور فرزندان حتی در سنین شیرخوارگی آنان است؛ زیرا این امر می‌تواند زمینه انحراف جنسی فرزند را در بزرگسالی فراهم نماید. تأثیر منفی این مسئله به حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسرش بیامیزد درحالی که در اتاق کودکی بیدار باشد و آنان را ببیند یا صدایشان را بشنود هرگز رستگار نخواهد شد. اگر پسر باشد یا دختر به زناکاری آلوده خواهد شد». (کلینی، ج ۴، ص ۵۰۰)

نکته قابل تأمل دیگر، پیشگیری از رفتارهای تحریک کننده جنسی در خانواده، نظیر لمس اندام تناسلی کودک و بوسیدن و بغل گرفتن دختر بچه نا محرم است. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۰۰) در روایت دیگر آمده است، احمد بن نعمان به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «من دخترکی را نگهداری می‌کنم که با او خویشی ندارم و شش سال دارد. فرمود: او را بر زانو و دامن خویش منشان».

همه این سفارش‌ها بیانگر آن است که پدر و مادر موظفند حتی المقدور از ایجاد زمینه‌های التهاب و تحریک جنسی فرزندان جلوگیری نمایند. نظیر جداسازی بستر خواب فرزندان و آموزش دادن به فرزندان برای کسب اجازه از والدین برای ورود به اتاق آنها در اوقات خاصی از شبانه روز که قرآن کریم، ضمن آیات سوره نور، یکی از ظریف ترین و دقیق ترین برنامه های تربیت جنسی فرزندان را در قالب یک دستور عملی بیان می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمَنْ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدانید که بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند باید سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند: یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن، که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماست و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آنها نیست که بی دستور با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. خدا آیات را بر شما چنین روشن بیان می‌کند، و خدا به کار بندگان دانا و آگاه است».

بنابر آنچه گذشت، مشخص گردید که یکی از راه‌های تقویت حیا در خانواده، مراقبت‌های پدر و مادر در امور جنسی در منظر فرزندان است.

۴_۲_ در اجتماع

خداوند به منظور صیانت ذات و تأمین شئون مختلف زندگی بشر و حفظ حیات فردی و نوعی انسان، غرایزی را در نهاد آدمیان به ودیعه گذارده که وجود هر یک از آن غرایز و خواهش‌های عاطفی در جای خود لازم است. اگر غرایز به خوبی تعدیل گردند و از سرکشی و طغیانشان جلوگیری شود، و نیز عواطف و احساسات هر یک با اندازه‌گیری صحیح و در جای مناسب خود اعمال شوند، موجب خوش بختی و کمال بشر و مایه سعادت فرد و اجتماع خواهد بود. بر عکس اگر غرایز و احساسات آزادانه و بدون قید و شرط اعمال گردند و در مسیر سرکشی و هیجان‌های نابجا قرار گیرند، آدمی را به جرایم و جنایات عظیمی واداشته و او را از هر درنده‌ای خونخوارتر و خطرناک‌تر می‌سازد.

از همین روی اگر چه آموزه‌های اسلامی لذت‌های جنسی را به رسمیت شناخته است؛ اما محدودیت‌هایی برای آن بیان نموده است. بر این اساس، کلیه تمتعات جنسی در اشکال مختلف آن، اعم از لذت در نگاه، گفتار و...، باید در محیط خانواده و همسر خلاصه شده و به عرصه عمومی جامعه کشانده نشود. از این رو، آموزه‌های دینی توصیه به حفظ عفت در نگاه، پوشش و رفتار و از سوی دیگر غیرت‌ورزی مردان در جامعه کرده است.

حیا، بنیادی‌ترین عامل ایجاد امنیت اجتماعی است. بی‌پروایی در نگاه، بی‌توجهی در نوع پوشش و پرده‌داری در روابط جنسی، امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد و تجاوزهای جنسی که بی‌شرمانه‌ترین نوع تجاوز به حقوق مردم است، رواج می‌یابد. بر این اساس عفت‌مداری از اصولی‌ترین پایه‌های حراست امنیت جامعه است.

آدمیان به حکم نهاد و درون خویش و بر اساس ساختار وجودی خود به عفاف رغبت دارند. عفت به عنوان یک خصلت انسانی، مبنای روابط افراد در فرهنگ اسلامی است و هر عملکردی که منافای عفت در جامعه باشد، سلامت اخلاق جامعه را به مخاطره خواهد انداخت. از این رو باید هر چه به سلامت جامعه لطمه می‌زند، ریشه کن شود و هر چه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت گردد.

یکی از جنبه‌های ملموس سبک زندگی اسلامی، نحوه تعامل اعضای جامعه اسلامی با یکدیگر و رعایت حریم‌ها بین زن و مرد نامحرم در جامعه است. اسلام با بیان شیوه‌های تعامل زن و مرد

نامحرم با یکدیگر در اجتماع و توصیه به پرهیز از ایجاد زمینه تحریک و تهییج جنسی موجب افزایش حیا در جامعه می‌شود.

در جوامعی که حجاب نیست، اخلاق جامعه به شدت آسیب دیده و برای اصلاح اخلاق جامعه چاره‌ای جز بازگشت به ارزش ریشه‌ای عفاف، وجود ندارد. اگر محیط جامعه‌ای از عفاف دور گردد؛ کم کم فرهنگ چنین جامعه‌ای به کلی از ارزش‌های والای انسانی دور شده و حتی به ضد ارزش مبدل می‌شود. اگر روح عفاف بر آحاد افراد جامعه، اعم از مرد و زن، حاکم شود، جامعه مسیر تعالی و رشد خود را قطعاً طی خواهد کرد. در مقابل اگر هر فردی به خود اجازه دهد که بر اساس امیال نفسانی اش عمل کند، در اندک زمانی جامعه به انحطاط کامل اخلاقی کشیده می‌شود.

اهمیت مطالب بیان شده اینجاست که جامعه بر تربیت خانواده تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، اگر چه زیربنای تربیت دینی در خانواده شکل می‌گیرد و خانواده در این زمینه اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند؛ اما در صورتی که بستر اجتماعی تربیت، نامناسب و فساد انگیز باشد، چه بسا تربیت صحیح خانواده را نیز تحت الشعاع قرار داده و آن را ناکارآمد نماید. به همین دلیل پاک‌سازی جامعه اهمیت بسیار داشته و در مصونیت فرد تأثیر بسزایی دارد.

۴_۲_۱_ پوشش اسلامی

یکی از مهمترین مصادیق «عفاف» مسئله حجاب و پوشش است. نفس انسان به او امر می‌کند زیبایی‌های جسمی خود را نمایان کند تا بیشتر مورد توجه دیگران باشد. عفت در پوشش آن است که انسان از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان یا نازک و بدن‌نما که موجب جلب نظر دیگران و خودنمایی می‌شود، اجتناب کند و وقار و سنگینی را برگزیند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «شما را به پوشش لباس ضخیم توصیه می‌کنم، چرا که هر کس لباس نازک باشد، دینش نازک است». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۳۵) بسیاری از بزرگان، نوع استفاده انسان از لباس را معلول وجود روحیه حیا در انسان می‌دانند. از مجموع تحقیقاتی که به عمل آمده، مسلم شده که لباس، دست کم پاسخ‌گوی سه نیاز آدمی است: اول اینکه، او را از سرما و گرما و باد و برف و باران حفظ می‌کند؛ دیگر اینکه، برای حفظ عفت و شرم به او کمک می‌کند و سوم این که، به او آراستگی و وقار می‌بخشد. پس منشاء اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عقیف ماندن و زیبا ماندن است. (فرهنگ برهنگی، برهنگی فرهنگ، ص ۶)

در ادیان گذشته حجاب امری ضروری تلقی شده است ولی حکم حجاب در اسلام مترقی‌تر است؛ زیرا در این دین که آخرین دین الهی و کامل‌ترین دین است از افراط و تفریط‌هایی که در مورد پوشش در اقوام گذشته وجود داشته پرهیز شده است و برای حجاب تا حدی غرایز انسانی در نظر گرفته شده است.

انسان مسلمان باید با موازین شرع منطبق باشد و به وقار و حیای خود آسیب نرساند. در این مسئله، فرقی بین زن و مرد نیست. حجاب، حکم مسلّم اسلام برای زنان و مردان است. اسلام با لباس شهرت یا پوشش بدن‌نما و نازک مخالف است چون حیا و عفت عمومی را مخدوش می‌سازد. یکی از مصادیق حیا در پوشش، پرهیز از شبیه ساختن زنان به مردان و بالعکس است. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «خداوند مردانی را که شبیه زن می‌شوند و زنانی که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است»

۴_۲_۲_ فرام نمودن زمینه ازدواج فرزندان

از مسائل بسیار مهمی که نقش ارزنده‌ای در سلامت فرد و اجتماع دارد و به فزونی حیا کمک زیادی می‌کند، مسئله ازدواج است که در فرمایشات الهی و سنت نبوی به آن تأکید زیادی شده است. یکی از مهم‌ترین کارها در زمینه سامان‌دهی روابط دو جنس در جامعه و از بین بردن زمینه التهاب‌ها و انحرافات جنسی در جامعه که در پیش بدان اشاره شد، تسهیل ارضای مشروع و به موقع غریزه جنسی است که از طریق فراهم نمودن زمینه ازدواج به موقع امکان پذیر است و در برخی روایات نیز از حقوق فرزندان بر والدین شمرده شده است.

انگیزه اصلی ازدواج، تأمین نیازهای روحی و آرامش روانی است و بخش دیگری از آن در تأمین نیازهای جنسی تعریف می‌شود. وقتی ازدواج به تأخیر بیفتد، در درجه اول گسترش خلأهای عاطفی رخ می‌دهد و وقتی خلأها بروز کند، مشکلاتی چون افسردگی، ناامیدی، ارتکاب جرایم و خشونت را به بار می‌آورد. از دیگر آثار سوء در تأخیر ازدواج، توسعه بی‌عفتی است. هنگامی که ازدواج افراد به تأخیر بیفتد، قدرت کنترل غرایز جنسی در ایشان کم و برخی به ورطه بی‌عفتی خواهند افتاد که بی‌عفتی چینی افرادی، دامن گیر جامعه نیز خواهد شد.

۵_ نتیجه

هنگامی که خداوند متعال انسان را آفرید، او را به حال خود رها ننموده و از مکتب انبیاء الهی که نشأت گرفته از سرچشمه ی وحی الهی است، بهره مند نمود. در این راستا، پیامبران راه سعادت و تقرّب به خداوند را به او نشان داده‌اند.

از سوی دیگر علاوه بر هدایت بیرونی، خداوند انسان را به قوای درونی مجهز ساخته است که در صورت به کارگیری و استفاده صحیح از آن، گام مهمی در جهت به کمال رسیدن و سعادت‌مندی او برداشته می‌شود. از جمله این قوا که سرمایه ارزشمندی برای انسان محسوب شده و ریشه در فطرت او دارد، حیا است که برای طی طریق سعادت و مسیر تعالی انسان به منظور وصول به حق، امری لازم و ضروری است.

حیا، نیروی است مهارکننده و نظم دهنده که رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را براساس شرع و عرف تنظیم می‌کند. حیا، نه مبتنی بر ترس است و نه مبتنی بر طمع بلکه مبتنی بر احترام به خود با کرامت انسانی است و در روایات اسلامی حیا کلید بسیاری از خوبی‌ها معرفی شده است. حیا در تربیت دینی از جایگاه والای برخوردار است. تفکر در موضوع حیا موجب درک حضور ناظر به تمام ابعاد وجودی انسان می‌شود. انسان در هر لحظه از زندگی خود وجود ناظر قادر را نزدیک خود احساس می‌کند و این حس نزدیکی خدا به انسان عامل بازدارندگی مهمی در وارد شدن به گناه است.

الگوی اسلامی تقویت حیا در خانواده از مراحل تشکیل شده که ایمان، پاکدامنی، مراقبت‌های لازم جنسی زوجین در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با فرزندان بخشی از آن است. این الگوی تقویتی در اجتماع نیز شامل مراحل و مراتبی است که از اساسی‌ترین آنها که در این مقاله به آن پرداخته شده رعایت پوشش اسلامی و فراهم آوردن زمینه ازدواج فرزندان می‌باشد.

همان‌طور که در مباحث فوق ذکر شد، برمبنای آیات و روایات، حیا احساس ارزشمندی، آراستگی به کمالات اخلاقی در انسان ایجاد می‌کند. در صورتی که فرد حیا و عفت را دارا باشد می‌تواند سایر ابزارها و راه‌های سعادت و کمال را تقویت نیز نماید یعنی بر معرفت، محبت و عقیده انسان تأثیرات شگرفی بگذارد. پس حیا و عفت یکی از کلیدهای سازنده در تربیت فردی فرد است. علاوه بر این جامعه ای که میان افرادش رفتار مودبانه حاکی از عفت حاکم باشد، ضریب همبستگی اجتماعی در میان افراد بالا می‌رود و بدین ترتیب زمینه را برای استفاده از

ظرفیت های بالای جامعه هماهنگ و متحد، فراهم آورده و سبب قوام جامعه می‌باشد. اگر روح حاکم بر مناسبات فردی و اجتماعی یک ملت، برآمده از حیا و روحیه حیا محوری باشد؛ گام‌های آن ملت در جهت نیل به تعالی و تکامل، گام‌هایی محکم و استوار خواهد بود و آینده‌ای روشن در انتظار آنها خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابراهیم مصطفی و همکاران، ۱۴۲۹، معجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات دارالحیا.
۳. اصفهانی، فضل بن حسن، ۱۳۸۵، مشکاه النوار فی غرر الخبار، نجف، مکتبه الحیدریه
۴. الهامی نیا، علی اصغر، ۱۳۷۹، اخالق عبادی، قم، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۵. باقری، خسرو، ۱۳۷۴، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
۶. بانکی پور فرد، امیرحسین، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران،

نشر

تربیت اسلامی.

۷. _____، ۱۳۸۳، حیا، اصفهان، حدیث راه عشق، پنجم.
۸. بحرانی، کمال الدین میثم، ۱۳۶۲، شرح نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. پسندیده، عباس، ۱۳۸۳، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، دارالحدیث.
۱۰. پاک نیا، عبدالکریم، ۱۳۹۰، عفاف سرچشمه زیبایی، نورالزهراء.
۱۱. جلالی، زینب، ۱۳۸۲، جزوه ی حجاب از دیدگاه روان شناسی، قم: موسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی.

۱۲. حرانی، حسن ابن شعبه، ۱۳۸۲، تحف العقول، مترجم: صادق حسن زاده، انتشارات آل

علی.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
۱۴. طرفی اردکانی، حمیده، ۱۳۸۹، مفهوم شناسی عفاف، فرهنگ پویا.
۱۵. طوسی، نصیر الدین، اخالق ناصری، شیراز، انتشارات علمیه اسالمیه.

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیرالمیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طیبی، ناهید، ۱۳۸۶، عطر عفاف، جامعه الزهراء علیها السلام.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۳۲، بحار الانوار، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۲۰. معین، محمد، ۱۳۶۹، فرهنگ معین، تهران، انتشارات معین.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۳، مسئله حجاب، تهران: نشریه انجمن اسالمی.
۲۲. نراقی، محمد مهدی، بی تا، جامع السعادات، بیروت، اعلمی.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هشتم، شماره چهاردهم / پائیز و زمستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

عوامل فردی عملکرد انسان و تبعات آن در آخرت از منظر آیات و روایات صص ۱۵۴-۱۳۳

زهرا حسینی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

چکیده

عملکرد و رفتار آدمی که ناشی از عقاید و افکار اوست در عاقبت بخیری و شکل‌گیری آخرت او تأثیر مستقیم دارد. در حقیقت آخرت انسان چیزی جز باطن اعمال او در این دنیا نیست لذا اگر فردی عملکرد نادرست داشته باشد، آخرت او نیز متناسب با آن خواهد بود. در شکل‌گیری عملکرد نادرست عللی فردی و اجتماعی مؤثر است که در این پژوهش که به روش نقلی-وحيانی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای صورت گرفته به علل فردی آن پرداخته می‌شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که برخی از علل فردی مؤثر در عملکرد نادرست انسان شامل عجب و خودپسندی، ریا و منزلت‌طلبی، کینه و حسد، نادانی و جهالت، دلبستگی به دنیا می‌شود که تأثیر آن در آخرت در سختی حساب، تجسم اعمال، محرومیت از رضوان الهی، محرومیت از همنشینی خوبان مشاهده می‌شود.

کلید واژه‌ها: آخرت، تجسم اعمال، عدم عاقبت بخیری، عملکرد نادرست.

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون  hosseinizahraa.03@gmail.com

۱_ مقدمه

هر عمل نادرستی که از انسان سر می‌زند دارای عللی فردی است که در آخرت انسان اثرگذار است. از علل فردی عملکرد نادرست انسان می‌توان به عجب، ریا و منزلت‌طلبی، کینه و حسد، نادانی، دلبستگی به دنیا اشاره کرد. در تأثیر اعمال نادرست آدمی در بعد آخرتی می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از عوامل عاقبت‌بخیری، مراقبت از اعمال و توجه به این نکته است که اعمال خوب و بد انسان ثبت و ضبط می‌شود. قرآن کریم در این مورد در آیات ۷ و ۸ سوره زلزال اینطور می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛ انسان نتیجه هر عمل خوب و بدی که انجام دهد را می‌بیند. انسان از جهتی در دنیا مانند کشاورز است. عمل وی، کشت او و دنیا کشتزار او، هنگام مرگ وقت درو کردن و عالم آخرت، خرم‌نگاه اوست.

در آیه ۱۴ سوره مطفین «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است» به این نکته اشاره شده که اعمال گناه‌آلود بر قلب و روح انسان تأثیر می‌گذارد و صفا و نورانیت را از او می‌گیرد و تاریکی و ظلمت را به جای آن می‌نشاند تا جایی که او را عاقبت به شر کرده و آخرت او را نابود می‌سازد.

اعتقاد به تجسم اعمال و این حقیقت که عقاید و اعمال، چهره باطنی افراد را رقم زده و چهره باطنی تکوین یافته از این امور در برزخ و قیامت، چهره ظاهری آنان خواهد بود، تأثیر عمیقی در کسب ملکات شایسته در انسان دارد و او را به سمت تهذیب نفس سوق می‌دهد.

در تفسیر آیه ۱۸ از سوره نبأ، پیامبر ﷺ می‌فرماید: از امت من ده گروه هستند که خداوند آنها را از گروه مسلمین جدا می‌کند. اینان به شکل‌های خوک و میمون و کور و کر و لال و... محشور می‌شوند. از این رو، خداوند در آیات بسیاری نعمت‌های بهشتی و لذت‌های آن و عذاب‌های روحی و جسمی جهنمیان را مطرح می‌کند تا انسانها بدانند که نتیجه اعمالمان چه می‌شود. پژوهش حاضر با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومین در تلاش است گوشه‌ای از علل فردی اعمال نادرست انسان و تأثیر آن در آخرت را به نمایش بگذارد.

پیشینه

پژوهش‌های متعددی در رابطه با علل و تأثیر اعمال انسان و بازخورد آن در دنیا و آخرت انجام شده است که برخی از آنها از نظر می‌گذرد.

کتاب «زندگی پس از زندگی» اثری مرتبط در این زمینه است. این کتاب را عباس قمی در سال ۱۳۴۷ در جوارحرم مطهر امام رضا علیه السلام نوشته و در آن سرنوشت ارواح را از مرگ تا قیامت به رشته تحریر آورده است. کتاب «تصویری از بهشت و جهنم» مولف احمد حبیبیان که در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسیده، اثری مرتبط در این زمینه است که از لحظه مرگ تا رسیدن به بهشت یا جهنم را به تصویر کشیده است.

کتاب «سرنوشت انسان؛ قیامت و حشر» اثر مسعود عالی و سلسله مباحث ایشان در برنامه سمت خدا که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط در موضوع مورد نظر است که به سرنوشت اعمال انسان در دنیا و آخرت پرداخته است.

مقاله «واکاوی بازتاب اعمال و پیامدهای آن در دنیا از منظر قرآن و روایات» از زینب خطیبی و ناهید احمدی در سال ۱۴۰۱ منتشر شده، اثری مرتبط در این زمینه است که تاثیر اعمال انسان و بازخورد آن را در دنیا به رشته تحریر درآورده است. مقاله «تاثیر اعمال صالح در زندگی معنوی از دیدگاه قرآن» از دادخدا خدایار که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده، اثری مرتبط در این زمینه است که در آن به تاثیر جدی رفتارها بر معنویت در زندگی پرداخته است.

پایان نامه «برخورد دنیوی اعمال از منظر قرآن کریم و روایات» اثر داور بادر افشانی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده، اثری مرتبط با موضوع است. در این تحقیق به بازخورد اعمال و تفکر انسان و در نهایت به اصلاح برنامه زندگی انسان پرداخته است.

پایان نامه «انعکاس اعمال انسان در دنیا از نظر قرآن و روایات» از نویسنده قاسم سبحانی فخر که در سال ۱۳۷۲ صورت گرفته، اثری مرتبط با موضوع مورد نظر است. این پایان نامه به انعکاس اعمال و مجازات و پاداشهایی که خداوند متعال در دنیا برای اعمال انسان‌ها گذاشته، پرداخته است. با بررسی آثار در حد توان مشخص گردید برخی از آثار به تاثیر عملکرد انسان در دنیا پرداخته‌اند، برخی به تاثیر آن در آخرت پرداخته‌اند، برخی از دیدگاه روانشناسی پرداخته‌اند، در این پژوهش تلاش می‌شود برخی علل فردی عملکرد نادرست انسان و تاثیر آن در آخرت از منظر آیات و روایات پرداخته شود.

۲- برخی از علل فردی عملکرد نادرست انسان

در این بخش به علل فردی عملکرد نادرست انسان از جمله عجب و خود پسندی، ریا و منزلت طلبی، حسد، نادانی و جهالت، دلبستگی به دنیا پرداخته می‌شود.

۲-۱- عجب و خودپسندی

«عجب» به معنای انتها و موخر هر چیز است. برخی به معنای تکبر و برخی از آن به عنوان انکار کردن یک واقعه به دلیل نادر بودن و غیر عادی بودن وقوع آن تعبیر نمودند (محجوب، موذنی، ۱۳۹۳). آفتی عجیب است که باعث می‌شود اعمال انسان در نظرش زیبا جلوه کند و خدا را فراموش کند. خداوند متعال در سوره یس آیه ۷۷ می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ؛ آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم و او به مخاصمه آشکار با ما برخاست.»

از نشانه های عجب آن است که شخص کمالی، عبادتی، عملی، فنی، قدرتی، پست و مقامی، ثروتی، ... در خود ببیند و به آن بنازد و مغرورانه با دیگران برخورد کند و در مقابل افراد را کوچک ببیند و اگر کمالی داشتند آن را سبک بشمارد. در این رابطه امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس برای دیگران فضیلت و برتری قائل نباشد دچار عجب و خود بزرگ بینی است» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۳). بنابر این یکی از علت‌هایی که باعث می‌شود فرد عملکرد نادرست داشته باشد عجب و خودپسندی است.

۲-۲- ریا و منزلت طلبی

«ریا» عبارت است از طلب کردن اعتبار و منزلت در دلهای مردم به وسیله صفات و خصال نیک و پسندیده یا آثاری که دلالت بر صفت نیک کند، و آن از اقسام جاه طلبی است، زیرا جاه طلبی عبارت است از طلب منزلت در دلهای هر راهی که ممکن باشد، و ریا طلب منزلت است به وسیله خصال و صفات نیک یا چیزی که از آن پی به صفات نیک توان برد. خصال نیک شامل همه اعمال نیک می‌شود؛ اعم از عبادات به معنی اخص، مثل نماز و روزه و حج و صدقه و امثال اینها، یا افعال حال هر فعلی باشد که به نظر عرف پسندیده آید (نراقی، جامع‌السعادات، ص ۴۹۴).

از این رو عیسی (ع) فرمود: «هر گاه یکی از شما روزه می‌گیرد، سر را روغن زند و موی را شانه کند و سرمه کشد»، نکند شیطان وی را به ریا گرفتار سازد». در انجیل متی (باب ششم) آمده است: «اما چون روزه دارید مانند ریاکاران، ترشرو مباشید، زیرا که صورت خویش را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه دار نمایند» (به نقل از نراقی، جامع‌السعادات، ص ۴۹۵).

ریا کردن از گناهان هلاک کننده و معاصی کبیره است و آیات و اخبار بر ذم آن اتفاق و هماهنگی دارند، خدای سبحان می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ

يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ؛ وای بر نمازگزاران، که از نماز خود غافل و سهل انگارند، آنان که ریا کنند و از زکات دادن باز دارند» (ماعون، ۴-۷).

و می‌فرماید: «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ ... هر که دیدار پروردگار خویش را امید دارد، باید کار کند کاری شایسته و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک قرار ندهد» (کهف، ۱۱۰) و می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَفَقِّهِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُتَّالًا يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا يَرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند» (نساء، ۱۴۲).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ان اخوف ما اخاف عليكم الشرك الاصغر؛ بیش از هر چیز بر شما از شرک کھین بیم دارم. پرسیدند: شرک کھین چیست؟ فرمود: ریا، خدای عز و جل وقتی بندگان را در قیامت جزای اعمال دهد می‌فرماید: نزد کسانی روید که در دنیا برای ایشان ریا می‌کردید و ببینید که آیا پاداش شما در نزد آنها هست» (به نقل از نراقی، جامع‌السعادات، ص ۴۹۷). و فرمود: «از جب الحزن [چاه اندوه] به خدا پناه برید» گفتند: یا رسول الله، جب الحزن چیست؟ فرمود: «وادی است در دوزخ برای قاریان ریاکار» و فرمود: «خدای تعالی می‌فرماید: هر که عملی و عبادتی کرد و دیگری را با من شرکت داد آن عمل برای آن دیگری باشد که من از آن عمل بیزار و از انباز بی‌نیازم» و فرمود: «لا يقبل الله تعالى عملا فيه مثقال ذرة من رياء؛ خدای تعالی عملی را که یک ذره ریا در آن باشد نمی‌پذیرد» و فرمود: «ان ادنى الرياء الشرك، اندک ریا شرک است» و فرمود: «من اراد الله بالقليل من عمله اظهر الله له اكثر مما اراده به، و من اراد الناس بالكثير من عمله في تعب من بدنه و سهر من ليله ابى الله الا ان يقلله في عين من سمعه؛ هر که عمل اندک خود را برای خدا انجام دهد خدا آن را بیش از آنچه قصد کرده برایش آشکار سازد. و هر که عمل بسیار را با رنج تن و بیداری شب برای ریا و نمایاندن به مردم انجام دهد خداوند حتماً آن [اعمال] را در نظر هر که بشنود اندک نماید» و به عباد بصری فرمود: «و يلك يا عباد! اياك و الرياء فانه من عمل لغير الله و كله الله الى من عمل له؛ ای عباد! از ریا بپرهیز که هر که برای غیر خدا کار کند خداوند او را به کسی که برای او کار کرده واگذار» (همان).

چنان که مشخص شد یکی از عوامل فردی که باعث می‌شود انسان عملکردی نادرست داشته باشد آن است که فرد عمل خود را به منظور تحسین و رضایت دیگران انجام دهد.

یکی از گناهان خطرناک و کلیدی که گناهان متعددی را در پی دار «حسد» است. راغب اصفهانی در تعریف حسد، چنین می‌گوید: «الْحَسَدُ تَمَنَّى زَوَالِ نِعْمَةٍ مِنْ مُسْتَحَقِّ لَهَا وَرُبَّمَا كَانَ مَعَ ذَلِكَ سَعْيٌ فِي إِزَالَتِهَا؛ حسد، آرزوی زوال نعمت از مستحق آن است و گاه همراه این آرزو تلاشی [هم] در زوال نعمت انجام می‌گیرد» (راغب اصفهانی، مفردات، ذیل ماده حسد).

حسد، حالتی است نفسانی که صاحب آن آرزو می‌کند سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر؛ چه آن نعمت را خود دارا باشد یا نه و چه بخواهد به خودش برسد یا نه و آن غیر از «غبطه» است؛ چرا که صاحب غبطه مشتاق نعمتی که در غیر توهم کرده است، می‌باشد؛ اما بدون آنکه میل زوال آن را از او داشته باشد (خمینی، چهل حدیث، ص ۱۰۵).

در قرآن بیش از هفت مورد سخن از حسادت و خطر آن به میان آمده است؛ در سوره مائده آیه ۲۷ الی ۳۰، جریان فرزندان آدم علیه السلام مطرح شده که قابیل بر اثر حسادت نسبت به برادرش هابیل، دست به قتل او می‌زند. در بخشی از این آیات می‌خوانیم :

«وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُقْبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان! هنگامی که هر یک کاری (نذری) برای تقرب [انجام دادند و از یکی از آن دو پذیرفته شد. دیگری عملش مردود شد، گفت: به خدا سوگند! تو را خواهم کشت. گفت: خدا تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند.»

بر اساس مضمون این آیه، حسادت آن قدر خطرناک است که انسان حسود حتی به برادرش هم رحم نمی‌کند تا چه رسد به همسایه و هم لباس و هم نوع و

همچنین قرآن کریم در سوره یوسف داستان برادران یوسف عليه السلام را مطرح نموده که بر اثر حسادت، برادر خود را کتک زده، داخل چاه انداختند. این حسادت باعث شد که چندین گناه مرتکب شوند؛ گناهی مانند: کتک زدن، مجروح ساختن، دروغ گفتن، اهانت کردن به پدر و

از این آیه هم استفاده می‌شود که حسادت باعث می‌شود انسان به برادر و حتی پدرش نیز رحم نکند و حاضر شود برای خاموش کردن آتش حسادت، گناهان متعددی را مرتکب شود .

خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره نساء، جریان یهودیان حسود را که از شامات به انتظار ظهور حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به مدینه کوچ کردند، مطرح می‌کند که بعد از ظهور حضرت، بر اثر «به

خطر افتادن منافع مادی» به شدت با او مقابله نمودند. قرآن در این باره می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؛ یا اینکه مردم بر آنچه خدا به آنها (پیامبر و خاندانش) از فضلش بخشیده، حسد می‌ورزند. ما به آل ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و به آنها (حکومت عظیمی عنایت نمودیم»

این آیه نیز اعلام خطر می‌کند که انسان بر اثر حسد به آنجا می‌رسد که پیامبر خدا ﷺ را با همه نشانه‌های حقانیتی که به همراه دارد، تکذیب می‌کند و برای همیشه خود را از سعادت ابدی محروم می‌سازد.

در روایات معصومان علیهم‌السلام تعبیرات هشدار دهنده‌ای درباره خطرناک بودن حسد وارد شده که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «رَأْسُ الرِّدَائِلِ الْحَسَدُ؛ ریشه تمامی ردیلتها حسادت است» (غررالحکم، ح ۵۲۴۲). حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «الحسدُ شَرُّ الْأَمْرَاضِ؛ حسادت، بدترین بیماری است» (همان، ح ۳۳۲).

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَغْضِكُمْ بَغْضًا فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ؛ بر شما باد که از حسادت ورزی برخی به برخی دیگر اجتناب کنید؛ زیرا ریشه کفر، حسادت ورزی است» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸ ح ۸).

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «و لا تحاسدوا فإنَّ الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب؛ حسد نورزید که حسد ایمان را می‌خورد چنان که آتش هیزم را». (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۵۴).

چنانچه از روایات مشخص است، حسود دائماً ناراحت است و همین امر سبب ناآرامی و سلب آسایش روحی او می‌گردد. به هر اندازه دیگران موفقیت به دست آورند و از نعمتهای الهی برخوردار شوند، به همان اندازه حسود آسایش و آرامش روحی را از دست می‌دهد. هر چند از امکانات رفاهی خوبی هم برخوردار باشد و تا این صفت ردیله را درمان نکند، آسایش پیدا نمی‌کند. چنان که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَسْوَأُ النَّاسِ عَيْشًا الْحَسُودُ؛ بدترین مردم از نظر زندگی، حسود است» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ج ۱، ص ۱۱۴). همچنین از امام صادق علیه‌السلام نقل است: «لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ؛ حسود آسایش ندارد» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، باب ۱۳۱، الحسد).

برخی گناهان حالت تولیدی و زایش گناه دارد که یکی از آنها حسادت است و توسط آن، تهمت، دروغ‌گویی، نفاق، غیبت، اهانت، کتک زدن، قتل و نابودی دیگران و... به وجود می‌آید که به واسطه آنها چه بسا آخرت فرد از دست برود.

۲-۴- نادانی و جهالت

ماده‌ی «جهل» در قرآن کریم ۲۴ بار به کار رفته و بنابر آنچه بیان شد، جهل دو بُعدی است؛ یک مرتبه جهل در برابر علم است و در مرتبه‌ی بعدی جهل در برابر عقل؛ یعنی شخصی خودش را به جهالت بزند و به علم خود عمل نکند. خداوند در قرآن، انسان را بسیار جاهل خوانده و فرموده: «... إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ او (نسان) بسیار ظالم و جاهل بود» (احزاب: ۷۲)

امام علی (ع) درباره آثار زیانبار «جهل» می‌فرماید: «مردم، دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند». این سخن امام (ع) بر اساس آیه قرآن است که می‌فرماید: «چیزی را تکذیب کردند که از آن آگاهی نداشتند»، از این رو حضرت (ع) می‌فرماید: «با آنچه نمی‌دانید دشمنی نکنید؛ زیرا بیشتر دانش‌ها در اموری است که نمی‌دانید». (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲) مانند حضرت موسی (ع) که در مقابل سوراخ کردن کشتی، قتل جوانی و تعمیر دیواری از سوی خضر (ع) فریاد اعتراضش بلند شد و به خاطر ندانستن حکمت آن کارها، خود را از فیض تعلیم خضر (ع) محروم کرد.

۲-۵- دلبستگی به دنیا

خداوند متعال در آیه ۵ سوره فاطر می‌فرماید: «يا أيها الناس! فَلَا تَغْرِبُوا فِي الدُّنْيَا وَلَا يَغْرِبُوا بِاللَّهِ الْغُرُوبُ؛ ای مردم! پس این زندگی دنیا، شما را نفریبد و شیطان، شما را به خدا مغرور نکند». قرآن کریم همچنین در آیه ۶ و ۷ سوره علق می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ؛ حقا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی نیاز پندارد» یعنی مثلاً اگر انسان بواسطه پول حس بی‌نیازی کند، سرکش می‌شود. اگر غریزه جنسی طغیان کند، مشکل است کسی بتواند نمره بیاورد. قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره یوسف راجع به حضرت یوسف «سلام‌الله‌علیه» که چه نمره‌های خوبی آورده و درمورد کلام حضرت یوسف به خداوند متعال، می‌فرماید: «وَالْإِلَٰهَ تَصَدَّقَنِي بِمَا كَفَيْتَنِي وَأَنْتَ أَعْلَمُ الْغُيُوبِ»؛ «وای خداوند منم که هر چه می‌خواهی مرا بدهی و تو دانا هستی و من نادانم» یعنی اگر خدا کمک نکرده بود، حضرت یوسف هم تمایل به آن زن‌ها پیدا می‌کردم.

معلوم شد زرق و برق دنیا، دل‌بستگی به دنیا و مشغول شدن به دنیا و بالاخره دنیای حرام، انسان را به سقوط می‌کشاند. اگر انسان مواظب نباشد، این عامل سقوط نمی‌گذارد او به جایی برسد، بلکه او را جهنمی می‌کند. امام حسین «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحْوِطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصِنُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ» (حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵).

مردم بنده دنیا هستند تا وقتی امتحان پیش نیامده معلوم نیست معیار هر کس چقدر است مردود نشوند، اما اگر امتحان جلو آمد، کم پیدا می‌شود کسی که بتواند قبول شود. اگر انسان دل‌بستگی به دنیا پیدا کرد، معلوم نیست بتواند در امتحان‌ها قبول شود.

امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید: «وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْئَادِكُمْ عَلَى أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي نَمَلِهِ أَسْتَلْبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) یعنی به خدا قسم اگر عالم هستی را به من بدهند و بگویند: به یک مورچه ظلم بکن و پوست جو را بیجا از دهان آن مورچه بگیر، نمی‌کنم، یعنی عالم هستی اصلاً و ابداً در مقابل ظلم به یک مورچه در نزد من ارزش ندارد.

روایتی از پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» است که روایت خیلی ارزنده است، برای کسانی که دنیا آنها را گول زده و دل‌بستگی به دنیا دارند و فریب دنیای حرام را خورده اند. می‌فرماید: «مَنْ أُصْبِحَ وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ وَ أَلْزَمَ قَلْبُهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ هَمًّا لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ أَبَدًا وَ شُغْلًا لَا يَنْفَرِجُ مِنْهُ أَبَدًا وَ فَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا وَ أَمَلًا لَا يَبْلُغُ مُتْتَهَاهُ أَبَدًا» (ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۳۰). جمله «فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» فقط یک مرتبه در قرآن استعمال شده است. معنای روایت این است که اگر کسی هم و غمش دنیا باشد و به دنیا وابستگی داشته باشد، خدا به او اعتنایی ندارد. دوم این که: «شُغْلًا لَا يَنْفَرِجُ مِنْهُ أَبَدًا»؛ چنین شخصی دلش مشغول است و دنیا دل او را برده است. به جای اینکه مشغول معنویات و رابطه با خدا باشد، بلکه در نمازش هم به فکر دنیاست. شبانه روز دنیا، خواب دنیا می‌بیند و در بیداری به فکر دنیاست و بالاخره همان که روایت می‌فرماید: «شُغْلًا لَا يَنْفَرِجُ مِنْهُ أَبَدًا». سوم این که: «فَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا»؛ شخصی که دل‌بستگی به دنیا دارد، محتاج است. آن کسی که هم‌وغمش دنیاست و همه وقت به فکر دنیاست، محتاج است با این که از نظر امکانات خیلی بالا هستند، اما از نظر دل محتاجند. مثل آنکه در عمق ذات او فقر خوابیده و ذات او فقیر است.

۳- برخی از نتایج عملکرد نادرست انسان در آخرت

سختی حساب، تجسم اعمال، محرومیت از رضوان الهی، محرومیت از همنشینی با خوبان از نتایج عملکرد نادرست انسان در آخرت است که به صورت مختصر از نظر می‌گذرد.

۳-۱- سختی حساب

در آیات و روایات متعددی به سختی حساب در روز قیامت اشاره شده است. خداوند متعال در آیه ۴۷ سوره حج «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمردید!» یک روز از روزهای آخرت را با هزار سال از روزهای دنیا یکسان دانسته است که این مطلب به عقیده برخی از مفسران ناظر به شدت و سنگینی و طولانی بودن حساب و عذاب در آخرت است به نحوی که یک روز از روزهای آخرتی معادل هزار سال از روزهای دنیوی است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۲؛ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۳۲۶).

آیه ۴ سوره معارج هم به این مضمون اشاره دارد آنجایی که می‌فرماید: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛ فرشتگان و روح به سوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است». برخی از مفسران معتقدند مراد از مدت زمان مذکور، موقف حساب است که در آن پنجاه موقف است که هر موقف، هزار سال طول می‌کشد (قمی، تفسیر قمی، ج ۲: ۳۸۶).

آیه ۱۶ سوره لقمان از زبان لقمان حکیم در نصایح ایشان به فرزندش می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنْ اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ؛ فرزندم (هر کاری که از انسان سرزند) هر چند به اندازه سنگینی خردلی در میان صخره‌ها و یا آسمان‌ها و زمین باشد، خداوند آن را در روز رستاخیز می‌آورد». همانطور که ملاحظه می‌شود آیه از سختی حساب صحبت می‌کند که همه اعمال انسان مورد حساب قرار می‌گیرد. قرآن کریم در آیه ۷ و ۸ سوره زلزال، همین واقعیت را به گونه‌ای دیگر یادآور شده است و می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ پس هر که هم‌وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷) و هر که هم‌وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید».

در روایات نیز به سختی حساب اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مِثْلُ أَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ؛ خود را به حساب کشید، پیش از آنکه مورد حسابرسی قرار گیرید که در قیامت پنجاه ایستگاه است که هر کدام بمانند هزار سال در نزد شما است). سپس آیه ۴ سوره معارج را تلاوت نمود: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛ در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است» (به نقل از مکارم شیرازی، آیین رحمت، اهمیت محاسبه نفس در آیات و روایات؛ nakaremi r)

۳-۲- تجسم اعمال

مقصود از «تجسم یا تمثل اعمال» این است که آنچه انسان در این جهان انجام داده است، در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار گردد. به عبارت دیگر پاداش‌ها و کیفرها، نعمت‌ها و نعمت‌ها، شادمانی و سرور، درد و شکنجه‌های اخروی، همه و همه همان حقایق اعمال دنیوی انسان‌ها است که در حیات اخروی خود را نشان می‌دهند. هر کرداری که انسان انجام می‌دهد، خواه خوب باشد و خواه بد، یک صورت دنیوی دارد و یک صورت اخروی که هم اکنون در دل و نهاد عمل نهفته است و روز رستاخیز پس از تحولات و تطوراتی که در آن رخ می‌دهد، شکل کنونی و دنیوی خود را از دست داده و با واقعیت اخروی خود جلوه می‌کند، و موجب لذات و شادمانی، و یا عامل آزار و اندوهی می‌گردد. بنابراین، اعمال نیک این جهان در روزگار رستاخیز تغییر شکل داده و به صورت نعمت‌های بهشتی درخواهد آمد، چنانکه اعمال به صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار خواهند شد.

تجسم اعمال یک حقیقت قرآنی است که در آیات متعددی به آن اشاره شده از جمله آیه ۳۰ سوره آل عمران که می‌فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحَدَّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ روزی که هر انسانی هر کار نیکی که انجام داده است، نزد خود حاضر می‌یابد، و هر کار بدی را که انجام داده است نیز حاضر و آماده می‌یابد، و آرزو می‌کند که میان او و آن عمل ناروا فاصله مکانی یا زمانی بسیاری وجود می‌داشت». نظیر این آیه است آیه ۴۹ سوره کهف که می‌فرماید: «وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أُخْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا؛ کتاب [= کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست] در آن جا گذارده می‌شود، پس گنهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر

اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می‌بیند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند».

آیه ۱۷۴ سوره بقره «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می‌آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی‌گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی‌کند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است به وضوح حقیقت خوردن اموالی که به خاطر کتمان حق به دست می‌آیند را خوردن آنش دانسته که این خود بر تجسم اعمال دلالت دارد.

آیه ۱۰ سوره نساء نیز صراحتاً اشاره به تجسم اعمال دارد، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا؛ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می‌خورند؛ و به زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند».

این دو آیه شریفه آشکار بیانگر آن است که آنچه افراد از راه کتمان حقایق الهی و یا از راه ستم بر یتیمان به دست می‌آورند، در حقیقت آتش درون خود جای می‌دهند. شکی نیست که صورت ظاهری و دنیوی اموال یاد شده آتش نیست، بلکه به صورت انواع لذت‌های دنیوی نمایان می‌شوند بنابراین این‌گونه اموال صورت دیگری دارد که اکنون از چشم ظاهرین انسان پوشیده است، ولی در سرای دیگر که پرده‌ها بالا می‌رود و حقایق پنهان آشکار می‌گردد، چنانکه قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «یوم تبلی السرائر» چهره واقعی این اعمال نمایان می‌گردد، و آن چیزی جز آتش و عذاب خداوندی نیست.

آیه ۳۴ سوره توبه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده». آیه می‌فرماید کسانی را که طلا و نقره را می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارت بده،

روزی که آن طلاها و نقره‌ها در آتش دوزخ سرخ گردیده و بر پیشانی و پهلو و پشت آنان نهاده می‌شود، و به آنان گفته می‌شود: این همان چیزی است که از قبل برای خودتان اندوخته‌اید، پس آنچه را انداخته‌اید، بجشید.

نکته قابل دقت در این آیه آن است که می‌فرماید: «هذا ما كنزتم لانفسکم»؛ یعنی، این آتش و عذاب همان است که شما برای خود اندوخته‌اید، و به عبارت دیگر طلاها و نقره‌ها در دو نشئه دنیا و آخرت به دو صورت مجسم می‌گردد: در این جهان به صورت فلز خیره کننده چشمها، و در جهان آخرت به صورت عذاب دردناک خداوندی.

فقیه و عارف نامی شیخ بهاء‌الدین عاملی (رحمة‌الله‌علیه) درباره تجسم اعمال گفته است: «مسئله تجسم اعمال در روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت وارد شده است. اهل سنت در این باره گفته‌اند: مارها و عقرب‌ها و آتش‌هایی که در قبر و قیامت ظاهر می‌شوند. در حقیقت همان کارهای زشت و ناپسند عقاید باطل است که در نشاء برزخ و قیامت به صورت‌های یاد شده ظاهر می‌شوند؛ چنانکه روح و ریحان، و نعمت‌های لذت‌بخش دیگر، در حقیقت همان اخلاق پسندیده و اعمال شایسته و عقاید حقه است که در جهان برزخ و قیامت بدان صورت نمایان گردیده‌اند؛ زیرا حقیقت یک چیز است که در نشاء‌های مختلف آثار گوناگونی دارد.» شیخ بهایی (رحمة‌الله‌علیه) سپس برخی از آیات و روایاتی را که پیش از این نقل کرده است، به عنوان شاهد بر مدعای خود یادآور شده است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۲۸).

بنابر آنچه بیان شد، مسئله تجسم اعمال و گرفتار شدن گناهکاران با عذابی متناسب اعمالی که انجام داده‌اند، غیرقابل انکار بوده و واقیتی است که گریزی از آن نیست.

۳-۳- محرومیت از رضوان الهی

از دیگر آثار اعمال نادرست انسان در دنیا که در آخرت گریبانگر او را می‌گیرد، محرومیت از نظر و نگاه خدا، عدم تکلم خدا با آنان و عدم تزکیه ایشان است؛ خدا در آیه ۷۷ سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آنان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به ایشان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت» پس این افراد در زمانی که خدا به همه نگاه کرده و به آنان سخن می‌گوید و آنان

را با تصرفات تکوینی رشد و نمو و پاکی می‌بخشد، اینان را از آن همه نعمت‌های خویش محروم می‌سازد.

خداوند متعال در آیه ۱۷۴ سوره آل عمران «فَأَنقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ به همین جهت، آنها با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است». از نظر قرآن کسی که دنبال رضوان الله و رضوان الهی است از فضل الهی برخوردار خواهد شد و به مراتب عالی دست می‌یابد. بی‌گمان رضوان در اموری چون ایمان به خدا و امور غیبی است که خیر مطلق برای انسان است و همان ره توشه آخرت هر کسی می‌شود. بی‌گمان کسی که اعمال نادرستی با خود حمل می‌کند از رضوان الهی محروم است. چنان که آیه ۹۶ سوره توبه می‌فرماید: «يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ؛ برای شما قسم یاد می‌کنند تا از آنها راضی شوید؛ اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد» فاسقان از رضایت الهی به دور هستند.

خداوند متعال در آیه ۶ سوره منافقون «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند!» فاسقان و کسانی که به گناه آلوده هستند را از رضایت الهی به دور می‌داند.

۳-۴- محرومیت از همنشینی خوبان

آیه ۱۳ سوره حدید می‌فرماید: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ؛ روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید! در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب».

یکی از نتایج اعمال نادرست محرومیت از همنشینی خوبان در آخرت است. همانگونه که انسان‌های آلوده در دنیا همنشینی با پاکان را طالب نبودند، در آخرت نیز خداوند ایشان را از پاکان دور می‌سازد.

خدای متعال در آیه ۶۹ سوره نساء می‌فرماید: « وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ کسی که مطیع خدا و رسول او باشد (در رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده است». آن‌گاه در توضیح این جمله و بیان کسانی که خداوند نعمت خویش را بر آنها تمام کرده است، به چهار طایفه اشاره می‌کند؛ پیامبران، راستگویان، شهیدان و صالحان و اینان رفیق‌های خوبی هستند «مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقًا». چنان‌که در آیه مشخص است همنشین افراد مومن و کسانی که از خدا و پیامبر (ص) پیروی کرده‌اند، پیامبران و صدیقین و صالحان هستند. در تفسیر این آیه آمده است که مراد از بودن با پیامبران و صدیقان در بهشت در حضور آنان بودن و لذت بردن از دیدار آنان است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۱۱۱). در این میان جایی برای افراد فاسق و آلوده باقی نمی‌ماند.

۴- نتیجه

انسان از اعمال خویش جدا نیست. اعمال انسان چه خوب و چه بد در سرنوشت و آخرت او نقش دارد. در شکل‌گیری اعمال آدمی نیز عللی مؤثر است که برخی از این علل فردی است و برخی از این علل از ناحیه اجتماع است.

در این تحقیق به برخی از علل فردی که در عملکرد نادرست انسان مؤثر است، از جمله عجب و خودپسندی که در اثر آن فرد، خود را برتر از دیگران دانسته و با نگاه تحقیرآمیز به بندگاه خدا می‌نگرد. ریا و منزلت‌طلبی که بر اثر آن فرد دیگران را در نیت خود شریک خدا نموده و به منظور جلب نظر ایشان به اعمال خوب دست می‌زند. حسد که خود سرمنشأ بسیاری از اعمال نادرست آدمی است. نادانی و جهالت که باعث خطای انسان شده و دل‌بستگی به دنیا اشاره شد.

نتایج عملکرد نادرست در آخرت در سختی حساب و موقف‌های قیامتی، در تجسم اعمال و عذابهای اخروی که هر کدام باطن عمل انسان بوده و متناسب با آن است، محرومیت از رضایت و رضوان الهی و محرومیت از همنشینی با خوبان قابل احصاء است.

منابع

قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی

نهج البلاغه ترجمه دشتی

آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۸ق.
- برومند، حسین، قرآن و نظریه تأثیر متقابل اعمال، تهران، پژوهشهای قرآنی ویژه نامه قرآن و ادیان و فرهنگها، ۱۳۸۱.
- حبیبیان، احمد، تصویری از بهشت و جهنم، تهران، انتشارات انقلاب فرهنگی، ۱۳۲۴.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- خدایار، خداداد، تأثیر اعمال صالح در زندگی از دیدگاه قرآن کریم. تهران، اخلاق پزشکی، ۱۳۹۳.
- خطیبی، زینب؛ احمدی، ناهید، واکاوی بازتاب اعمال و پیامدهای آن در دنیا از منظر قرآن و روایات، تهران، اولین کنفرانس روان شناسی، علوم تربیتی، اجتماعی، انسانی، ۱۴۰۱.
- درافشانی، داور، برخورد دنیوی اعمال از منظر قرآن کریم و روایات، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۴.
- سبحانی فخر، قاسم، انعکاس اعمال انسان در دنیا از منظر قرآن و روایات، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله؛ رسولی، هاشم، چاپ سوم، تهران، ناشر: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم تفسیر قمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
- قمی، عباس، زندگی پس از زندگی، قم، آرام بخش، ۱۳۹۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۶۳
- عالی، مسعود، قیامت وحشر، انتشارات عطش، ۱۳۹۶.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵
- مکارم شیرازی، ناصر، اهمیت نفس در آیات و روایات، آیین رحمت؛ makarem. ir
- ورام، ابن ابی الفارس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

بعض الأسباب الفردية لظلم الإنسان وأثرها في الآخرة من منظور الآيات والأحاديث

زهرا حسینی^۱

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

الملخص

إن أداء الإنسان وسلوكه الناتج عن أفكاره وأفكاره له تأثير مباشر على حظه وتكوين آخرته. وفي الحقيقة ما آخرة الإنسان إلا أعماله الباطنة من أفعاله في الدنيا ومن أخطأ في عمله فإن آخرته ستكون على قدر ذلك أيضاً. إن الأسباب الفردية والاجتماعية مؤثرة في تكوين سوء الممارسة، وفي هذا البحث الذي تم من خلال أسلوب السرد القصصي والتحصيل المكتبي، تمت مناقشة أسبابه الفردية.

وتشير نتائج هذا البحث إلى أن من الأسباب الفردية المؤثرة في ظلم الإنسان العجب وعجرفة النفس، والنفاق وطلب الكرامة، والحقد والحسد، والجهل والجهل، والتعلق بالدنيا، مما له أثر في الآخرة. على صعوبة الحساب، تجسيد الأفعال، ويلاحظ الحرمان من رضوان الله، والحرمان من الصحة الصالحة.

الكلمات المفتاحية: الآخرة، تجسيد الأفعال، عدم حسن الخاتمة، سوء الأداء.

^۱. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ hosseinizahraa.۰۳@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر / الخريف و الشتاء ١٤٠٣ ش - ١٤٤٦ ق

نظرة الإسلام إلى الحياء وسبل تعزيزه في نمط الحياة الإسلامي

زهرا محمدخانی^١

(تاریخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٢/٢٦)

الملخص

هيا هي ملكة حسية تتجنب القبح والرجس وتحافظ على الإنسان أمام ستارة الباب. هيا هي هبة إلهية تؤكد جميع الأديان السماوية وتعتبر واحدة من أهم العوامل في الحفاظ على العبادة العامة وبقائها. هذا البحث، الذي تم بطريقة انتقادية _ الوحي واستخدم طريقة مكتبة لجمع المعلومات، يسعى لفهم آراء الإسلام حول الموضوع وسبل تعزيزه اكتشف نمط الحياة الإسلامية في الأسرة والمجتمع. يبدو أن الإيمان والعفة والرعاية الجنسية للأزواج في الأسرة هي رعاية جنسية ضرورية فيما يتعلق بالأطفال بطرق تعزز الحياة في الأسرة. كما تعد التغطية الإسلامية وتوفير الأساس لزواج الشباب في المجتمع من بين العوامل الأساسية التي تعزز أسلوب حياة الإسلام.

الكلمات المفتاحية: الحياء، أسلوب الحياة الإسلامي، التربية الجنسية.

^١. الباحثة القرآنية في مدرسة نجمة خاتون ﷺ mohamadkhny@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

الأساليب العلمية للتحكم في النفس من منظور القرآن الكريم

اعظم هاشمی^۱

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

الملخص

تعنى الذات جوهر الشيء و حقيقته، و التحكم في النفس هو حالة داخلية يُلزم الشخص من خلالها نفسه بفعل أشياء معينة أو التخلي عنها. وفقاً للتعاليم الدينية، لكي يحقق الإنسان الرخاء و التطور، يجب أن يكون لديه سيطرة على نفسه حتى يتمكن من السيطرة عليها، لأن عدم السيطرة على النفس يسبب ضرراً جسيماً للفرد و المجتمع، كما تكثر الجرائم و الخطايا. نتيجة عدم ضبط النفس و هو التحكم في النفس. و من أجل السيطرة على النفس لا بد من الرجوع إلى مصدر كامل و نموذج مناسب يلتزم بالآيات الإلهية باعتبارها أشمل المصادر لتقديم الحلول العملية للتحكم في النفس. تشير نتائج البحث الحالي، الذي تم إجراؤه باستخدام المنهج الوصفي التحليلي و مجموعة مكتبية، إلى أن عوامل مثل الإيمان بالله، و التوكل، و ذكر الله، و الخوف و الرجاء، و الإيمان بالعدالة الإلهية و البعث هي من بين العوامل المؤثرة. الأساليب العلمية لضبط النفس، و بين اتباع هذه الأساليب و التحكم في النفس علاقة مباشرة. الكلمات المفتاحية: الحلول العلمية، القرآن، ضبط النفس، النفس.

^۱. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ؛ azamhashemi5959@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر / الخريف و الشتاء ١٤٠٣ ش - ١٤٤٦ ق

تنوع المذموم في مرآة التقاليد؛ أنواع، أسباب

شهين بالايي^١

(تاريخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٢/٢٦)

الملخص

التنوع يعنى عدم رضا الإنسان عن الوضع وما لديه فى الوقت الحاضر ويريد تغيير الوضع القائم، وهو ما يمكن تقسيمه إلى نوعين: مذموم ومذموم. إن تنوع ممدوح يمكن أن يحفز الإنسان ويترك أثراً بناءً فيه ويفتح له الطرق المغلقة وعلى النقيض من التنوع المذموم، فإن له آثار سلبية عميقة على حياة الإنسان ومصيره، فهو يجعل شخصية الإنسان غير مستقرة وتعيسة، ويقوده إلى درجة عدم النجاح. يتناول هذا المقال، الذى يتم بأسلوب السرد القصصى والتحصيل المكتبى، بعض أنواع التنوع المذموم وأسبابه الفردية والاجتماعية باستخدام الروايات. النتائج التى توصلت إليها هذه تشير الأبحاث إلى أن الأسباب الفسيولوجية، والشعور بالفضول، والتعبير عن الذات والظهور، والبحث عن الإثارة هى من بين الأسباب الفردية للسعى إلى التنوع والنمذجة، كما أن تأثير الفضاء الافتراضى، والتباهى، واكتساب المكانة الاجتماعية هى من الأسباب الاجتماعية للسعى إلى ذلك. تنوع.

الكلمات المفتاحية: التنوع المذموم، أثر التنوع، أسباب التنوع

^١. الباحث القرآنى فى مدرسة نجمة خاتون ﷺ shahinbalai1348@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

طرق تحقيق العبادة من منظور القرآن الكريم والأحاديث

فاطمة خلق احمدى^۱

(تاريخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاريخ القبول: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

الملخص

ودعوة الأنبياء هي دعوة لعبادة الحق. الطاعة تعنى الخضوع لجلالة الرب والطاعة الفورية للرب والذي يتم تحقيقه بطرق مختلفة؛ وبالطبع في هذه الأثناء هناك شوارد وتسبب الكثير من الإرباك وإهدار الحياة. يعتمد هذا المقال على المنهج الوصفي التحليلي والمكتبي بهدف البحث من أجل إيجاد طرق بسيطة وسهلة للوصول إلى القرب الإلهي والعبادة في البعدين المادي والروحي والإنقاذ من الاضطراب والارتباك العقلي والروحي.

ذكر الله وذكره، والحصول على المال الحلال، والتوكل على الله، وتزكية النفس، ومحاربة الشهوات، والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وطلب الرحمة، وطلب العلم بالحكمة والصبر، هي مما ورد في الكتاب. يعتبر آيات القرآن الكريم والأحاديث الشريفة من سبل الوصول إلى القرب من الله وتركها يسبب أضراراً شخصية واجتماعية.

الكلمات المفتاحية: العبودية، طرق الوصول إلى العبودية، القرب من الله، أضرار العبودية.

^۱. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ ahmadifati548@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر / الخريف و الشتاء ١٤٠٣ ش - ١٤٤٤ ق

أنواع الكوارث، الفلسفة وطريقة التعامل معها، مع التركيز على نهج البلاغة

مینا مرادی^١

(تاریخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاریخ القبول: ١٤٠٣/٢/٢٦)

الملخص

المصيبة هي كل ضيق وضغط لا يحتمل يصيب الإنسان ويجد نفسه غير قادر على معالجته. في بعض الأحيان تتسبب المصائب في إصابة الشخص بأضرار نفسية وجسدية لا يمكن إصلاحها ربما أثرت عليه في النهاية وجعلته يتراجع. إن معرفة فلسفة الكوارث وطرق التعامل معها، وخاصة باستخدام كلام شيوخ الدين، يؤهل الإنسان للتعامل مع الكوارث ويقلل من آثارها المدمرة. وتشير نتائج هذا البحث الذي أجرى بأسلوب السرد-الوحي والتأليف المكتبي، المتمركز على كلام أمير المؤمنين، إلى أن فلسفة أنواع المصائب تنقسم إلى مصائب الفقر وأمراض البدن وأمراض القلب والانقسام في لمحّة والاختبار الإلهي والتذكير والتنبيه، إنه تذكير بنعم الله وازدهار المواهب البشرية الكامنة، والتي من أجلها يُتوخى حلول مثل الصلاة والدعاء والصبر وتعلم الدروس والنفور من العالم والاستفادة من عطايا الله. الكلمات المفتاحية: الإنسان، الكوارث، طريقة التعامل مع الكوارث، نهج البلاغة.

^١ الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ Mina135110135110@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

مقارنة لوجوب الجهاد وحدوده بين الرجل والمرأة

فرشته رضایی^۱

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

الملخص

الجهاد هو القتال في سبيل الله بالنفس والأموال بهدف نشر الإسلام أو الدفاع عنه. الجهاد من القضايا المهمة في الإسلام ومن أهم الواجبات والمسؤوليات الفردية والاجتماعية على كل مسلم وينقسم الجهاد إلى نوعين: أولى، و جهاد دفاعي، ولكل منهما قواعد وضوابط محددة. ومن المسائل المطروحة في الجهاد وجوب الجهاد وحدوده بين الرجل والمرأة. ويشير البحث الحالي، الذي تم إجراؤه بالمنهج الوصفي التحليلي والجمع المكتبي، إلى أن فرض الجهاد الأساسي يقتصر على الرجال. على الرغم من أن المرأة تشارك في أشياء أخرى غير ساحة القتال، كالمشورة والتمريض والمساعدة خلف الجبهة ونحو ذلك. ويمكنهم الاستفادة من فضيلة الجهاد. ولكن لا شك في وجوب الجهاد الدفاعي على جميع المسلمين، رجالاً ونساءً، وللدفاع عن النفس والأموال والأعراض وغيرها، يجب على الجميع الظهور في ساحة المعركة.

الكلمات المفتاحية: الجهاد، الجهاد الأولى، الجهاد الدفاعي، الفقه، الوجوب.

^۱. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون  Fereshte.shahideh@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ١٤٠٣ش - ١٤٤٤ق

العنف الاقتصادي ضد المرأة وحلوله القانونية

جميله فياضى^١

(تاريخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٢/٢٦)

الملخص

العنف الاقتصادي يعنى أى سلوك أو فعل يؤدي إلى ضرر اقتصادى للإنسان. ويعد العنف الاقتصادي أحد الأبعاد الخفية والأقل شهرة للعنف ضد المرأة، والذي رغم وجوده بنصيب كبير وفي تحمل أعباء الحياة يحرم الحقوق والمنافع المالية. وتشير نتائج البحث الحالي، والذي تم إجراؤه باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبالرجوع إلى المصادر المكتبية، إلى أن عدم دفع النفقة والمهر والنفقة والاستقلال المالي هو أحد أنواع العنف الاقتصادي في الأسرة وظروف العمل غير المرنة وتدنى الأجور والرواتب والتواجد في قطاعات الاقتصاد غير الرسمية والتمييز في العمل هو أحد أنواع العنف الاقتصادي في المجتمع. ورغم أن القوانين التي تم سنها في المجالات المذكورة تسببت في أضرار أقل للمرأة؛ لكن ذلك ليس كافيا وما زالت المرأة تعاني من الكثير من الإصابات النفسية والعاطفية في هذا الصدد، لذا يجب مراجعة القوانين.

الكلمات المفتاحية: العنف، العنف الاقتصادي، الحلول القانونية، المرأة.

^١. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ @j.fayazi1400@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر/ الخريف و الشتاء ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۶ق

عدم كفاءة العدالة بين الجنسين في دفع العنف ضد المرأة

الهام السادات دهقانی فیروزآبادی^۱

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۳/۲/۲۶)

الملخص

العدالة بين الجنسين تعنى استخدام استراتيجيات لتحقيق المساواة بين الرجل و المرأة على اساس النوع الاجتماعي و من ناحيه اخرى يشير العنف ضرا المرأة الى اعمال العنف القائم على الاختلاف بين الجنسين و التي تسبب ضررا عقليا و جسديا ويعتبر بعض قاره رأى و المدارس أن ارساء العدالة بين الجنسين فعال في القضاء على العنف ضد المرأة و ذلك على الرغم من أن المرشد الاعلى للثورة صوت لصالح عدم كفاءتها بسبب المكانة الخاصة التي يشغلها بالنسبة للمرأة. ان هذا البحث الذي يتم بالمنهج الوصفي التحليلي و الدراسات المكتبيه من اجل توضيح وصيه قداسه بشكل افضل يعتبر ع النظريات المطروحه في العدالة و تشير نتائج البحث الى انه خلافا للنظريات الغربيه و الشرقيه حول العدالة فان القائد الحكيم للثورة استشهد بالقران الكريم مع تاكيده على المساواة بين الرجل و المرأة في القيم الانسانيه التي هي من مبادئ الاسلام و جعلت العدالة بين الجنسين غير فعاله في القضاء على العنف ضد المرأة و من المعروف ان الاعتداء على المرأة والفعال الاكثر قسوه ضد هذا الجنس هي نتيجة هذا الشعار. الكلمات المفتاحيه: العنف، المرأة، العدالة بين الجنسين، الحديث.

^۱. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ e.deghani58@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة الثامنة، العدد الرابع عشر / الخريف و الشتاء ١٤٠٣ ش - ١٤٤٤ ق

الصاحب الامتياز و المدير المسؤول: على غضنفرى

رئيس التحرير: آية الله احمد عابدى

لجنة التحرير و الهيئة المستشارية

آيات العظام و حجج الاسلام السادة: سيد خليل باستان، مهدي باكوبى، عبدالكريم بى آزار شيرازى،
سيد عبد الرسول حسيني زاده، محمد فراهانى، داوود كميجانى، سيد مرتضى موسى خراسانى، سيد
محمد نقيب، محمد حسين واثقى. السيدات: خديجه جلالى، طاهره سادات طباطبائى امين، فاطمه
كاظم زاده

و سيد مجيد نبوى

المنقح: حسين احمدى

المنقح العربى: الدكتورة فاطمه كاظم زاده، الدكتورة طاهره طباطبائى امين

الخبير التنفيذى: سيد عليرضا قمصرى

المنضد: مؤسسه گوهر

رسام الخرائط: رسول خلیج

عنوان: www.qazanfari.net

البريد الالکترونى: faslname@quransonnat.net

الطباعة: چاپ نسيم